

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل سوم

مندر ج در دفتر اول جلد دوم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

۱	دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۲	سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۲	در باره وظائف جنبش دانشجویی ایران و مسائل کنگره نهم
۲	کار در جهت ایران
۱۸	سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۱۸	طرح پیشنهادی خطمشی کنفدراسیون، هیات نمایندگی سازمان آمریکا به کنگره دهم
۲۴	سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۲۴	فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی دائره تشکیلات ماینس
۳۱	سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۳۱	رساله خط سیاسی جنبش و مسئله وحدت از سمینار منطقه‌ای مرکز
۴۷	سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۴۷	انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی شهر آخن
۵۵	سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم
۵۵	نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل، شماره ۶، سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان
۵۵	مسئله فنودالیسم و سوسیال‌امپریالیسم در کنفدراسیون

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در دفتر نخست جلد دوم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش‌های:

(کنگره نهم کنفدراسیون جهانی در شهر کلن به تاریخ ۱۲ - ۲۰ دی ۱۳۴۷ برابر با ۲ - ۱۰ ژانویه ۱۹۶۹)
(نقب کانال‌های مخفی به ایران به عنوان تطبیق مشخص شکل بر محتوی و حل تضاد درونی)

در باره وظائف جنبش دانشجویی ایران و مسائل کنگره نهم

کار در جهت ایران

درباره

وظائف اساسی جنبش دانشجویی
ایران و مسائل کنگره نهم

— کار در جهت ایران

— اعلامیه "کفد راسیون — توسو"

— مسائل بین‌المللی کفد راسیون

— اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

— کنفرانس بین‌المللی دانشجویان

— درباره همکاری سازمانهای دانشجویی سه قاره

— روابط کفد راسیون با سازمانهای ملی دانشجویی

از دایره تشکیلات کفد راسیون آلمان

دسامبر ۱۹۶۸

این نوشته از طرف دایره تشکیلات کفد راسیون آلمان بمنظور انجام بحثی وسیع درباره مسائل کنگره نهم در دسامبر ۱۹۶۸ تهیه و پخش گردید.

کنگره نهم کفد راسیون هیأت دبیران را موظف نمود تا این طرحها را تکمیل و در اختیار واحد ها قرار دهد.

سازمان دانشجویان ایرانی در ارمانت‌ها کار مربوط به تکمیل و پخش این نوشته را بعهده داشته است.

هیأت دبیران کفد راسیون

کار در جهت ایران - وظیفه میرم و مرکزی

گفد راسیون جهانی

جنبش دانشجویی ایران در سراسر زندگی خود به مثابه بخشی از جنبش دگرآتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران بوده است. به سبب همین بستگی است که این جنبش در نظر مردم مبارز ما با تحسین تکریم می شود. دانشجویان ایرانی هم اکنون در ایران و خارج با آگاهی به نقش خود علیه رژیم مبارزه میکنند. در ایران علی رغم اختلاف بیسابقه دانشگاهها در شمار مراکز مبارزه و زندانها ملو از دانشجویان است و دانشجویان به اشکال مختلف در کیور و مبارزه با رژیم اند لا در خارج از کشور نیز سازمانهای دانشجویی تحت هدایت گفد راسیون جهانی بدست آورد های شایانی در صحنه های مختلف مبارزه در راه خواستهای بحق مردم میهمان نائل آمده اند. ولی روشن است که گفد راسیون نمیتواند و نباید همبستگی خود را با مردم ایران به افشاکری در خارج از کشور محدود کرده و یا بآن اکتفا ورزد و نیز روشن است که گفد راسیون هدف دانشجویان ایرانی نبوده بلکه در بهترین حالت خود وسیله ایست در خدمت مبارزه مردم در درون کشور. در روندست از این تعلق را گفد راسیون و دانشجویان ایرانی باید در عمل نشان دهند و تحقق آنرا با فدا کاری خود میسر کنند. اینکه گفد راسیون در آینده - چه جایی خواهد داشت و تا چه حد میتواند از پشتیبانی دانشجویان ایرانی برخوردار باشد بستگی بآن دارد که تا چه حد سر را در خدمت انجام این امر قرار میدهد.

در شرایط امروز دیگر نمیتوان موافق آن چنان سازمانی بود که به حوزه فعالیت محدود بسنده کند و افشاکری رژیم در خارج و روشنگری در میان دانشجویان را تنها وظیفه خود بداند. گفد راسیون باید به آن چنان سازمانی تبدیل شود که بطور جدی و پیگیر از همه امکانات موجود برای کار در جهت ایران استفاده کند و به ابزاری در خدمت مبارزه دانشجویان و پیوند آنان با زحمتکشان ایران در آید. تکامل جنبش دانشجویی و پیروزیهای ناشی از آن در مراحل مختلف وظایف نوینی در برابر جنبش و سازمان آن قرار میدهد. باید در هر زمان بر پایه ارزیابی وضعیت موجود و جمع بندی تجارب کار سطح ملی و جهانی پاسخ مناسب -

احتیاجات مبارزه و وظایف مرحله ای را تعیین و در جهت آن کام برداریم. جنبش دانشجویان ایرانی در زمینه جلب هر چه بیشتر توده های دانشجوی و کثافت نشانی به مبارزه علیه رژیم موفقیت های بزرگی بدست آورده است و امروز ارزیابی تاریخی این جنبش از یکسو و احتیاجات مبارزه رهایی بخش مردم از سوی دیگر ما را باین نتیجه منطقی میرساند که دانشجویان ایرانی میتوانند و باید شتر از گذشته و با اشکال نوین و وظایف نوین به مبارزه بپردازند. جنبش دانشجویی ایران باید با خارج شدن از چهارچوب مبارزه تنها در میان دانشجویان از طریق پیوند با قشرها و طبقات انقلابی به نیروی پرتوانی در صحنه سیاسی ایران تبدیل شود.

ببروسعت و فعالیت خود بپردازد و با در نظر گرفتن محیط و شرایط مشخص کار "در جهت توده های مردم کام بردارد. باید مسائل ^{مبارزه} عمومی علیه رژیم مسائل مربوط به مبارزه دگرآتیک و ضد امپریالیسم را در چهارچوب مردم را تا آنجا که در چهارچوب وظایف جنبش است بمیان زحمتکشان که نیروی مطمئن و قادر به رهایی وطن ما از تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی است بپیرند و بدین ترتیب در جریان عمل و مبارزه خود را در خدمت جنبش رهایی بخش آنان قرار دهند. این وظیفه تاریخی جنبش دانشجویان ایرانی است. طبیعی است که لازمه انجام این وظیفه تاریخی شگ و سیم و یکپارچه جنبش پیروزه در بخش داخل کشور است.

بنا بر این گفد راسیون باید معین شود و در حدود توانایی و امکانات خویش در امر کمک به سازماندهی جنبش دانشجویی در درون کشور فعالانه بکوشد. هر نظریه و برنامه ای هر مرز وحدی که بخواهد دانشجویان ایران را از حرکت در جهت انجام این وظیفه - تاریخی باز دارد عملاً در مسیر نادرستی طی طریق میکند و بزبان جنبش تمام میشود. دانشجویان مبارز ایرانی همواره در نظر دارند که در پیکار خود علیه امپریالیسم و استبداد زمانی آمل و آرزوهایشان به واقعیت درمیآید که توده های زحمتکش خود را از

ستم و جور برشانند و بساط استعمار را برچینند. بر اساس آگاهی بر این واقعیت است که دانشجویان مرفقی ایرانی بخاطر ایجاد شرایط لازم در خدمت این مبارزه قرار گرفته و بدین ترتیب نقش تاریخی خود را در گسترش جنبش و پیروزی آن ایفا می‌کند. کف‌رسانی جهانی بعنوان تنها سازمان متشکل دانشجویان ایران باید بدستی به سهم خود در این وظیفه مهم آگاه باشد. گرچه مرز و عده فعالیت آن در خارج از کشور است ولی باید بتواند خود را در خدمت مقصود غرق قرار دهد و تضاد میان در خارج بودن و کار در ایران را بطرز صحیحی حل نماید. باید این مسائل را به جنبش دانشجویی درون کشور که در رجه اول انجام این وظیفه را برعهده دارد منتقل نماید. برای این منظور لازم است خطی پیش از گذشته مشخص تر از گذشته و با صرف عده پیروی خود بسود کار در ایران حرکت کند. جهت این منظور باید در زمینه اول ارتباط ارگانیک و منظم با دانشجویان و - دانش‌آموزان ایران را احیا کرده و گسترش داد. وظیفه شفاف راسیون است که این ارتباط را در یک پروسه فعالیت و کوشش ایجاد نماید و سهم خود را در سازمان دادن کلبه دانشجویان ایرانی، انتقال مرکزیت جنبش دانشجویی به ایران برای تبلیغ و تحقق هم سرروستی دانشجویان با توده مردم "به ویژه زحمتکشان ایران" است. روشن است که این امر دارای دشواری "مستمر" خستگی - ناپذیری و کوشش همگانی را ایجاب می‌نماید. ما در این راه سهمی داریم و ضرور است که با آگاهی قابل بانجام آن بپردازیم. برای حرکت در این سمت لازم است در زمینه های مختلف فعالیت شفاف راسیون بویژه تشکیلات "امور فرهنگی و انتشارات بصورت - دقیق و همه جانبه برنامه ریزی کرد. بر اساس این فعالیت باید به چاره جویی مشکلات موجود پرداخت. بخشهای مختلف و مراحل مختلف انجام این وظیفه را تعیین نمود و شرایط لازم را برای تحقق آن بوجود آورد. در اینجا باید بازهم روشن کرد که کار کف راسیون در جهت ایران تنها در سطح یک سازمان دانشجویی مکرانیک و ضد امپریالیست و در حد وظائف چنین سازمانی انجام گیرد.

در کمره هفتم اهمیت کار در جهت ایران مطرح شد ولی نکته بدلائل توانا که نتوانست برخورد لازم با آن را بنماید. بنظر ما وظیفه مرکزی این نکته برخورد مشخص با این موضوع مهم و کشودن راه برای برخورد های آتی و در نتیجه غنی کردن تفکر و عمل در این سمت است. این نکته باید زمینه های ضروری که کف راسیون را در یک زمان طولانی در خدمت عملی کار ایران قرار - میدهد ایجاد نماید. مسئله ایران باید مبنای جنبش و سیمای قرار گیرد. جنبشی که همه زمینه های فعالیت کف راسیون را در بر گیرد. در ارتباط با این مسئله طرح های زیر در مورد فعالیت شفاف راسیون در بخشهای فرهنگی انتشارات و تشکیلات به -

نکته ارائه میشود.

۱- امور فرهنگی کف راسیون

دایره فرهنگی کف راسیون باید بطور عده وظائف تحقیق و بررسی مسائل ایران و سازمان دادن کار در ستجمعی در این سمت را عهده دار باشد و بکوشد تا در سازمانها کار گروهی و جمعی جانشین کار فردی و پراکنده گردد و بر این اساس فعالیت فرهنگی کف راسیون بچنان فعالیتی تبدیل شود که در جهت شعارها و مبارزات مردم "درک عمیق مسائل آنان" کمک بایجاد رابطه - منظم و هم سرروستی ارگانیک با دانشجویان در ایران و روشن کردن وظائف جنبش دانشجویی باشد. بعبارت دیگر در خدمت مسائلی قرار گیرد که در بالا اشاره شد. دایره فرهنگی در ارتباط با این مسئله باید با انجمنهای فرهنگی واحد ها در - تماس مرتب بوده "در کار آنها نظارت داشته" فعالیتهای آنها را جهت داده "از ابتکارات و تجارب هر واحدی برای انتقال آنها به واحدهای دیگر و پیشبرد عمومی کار استفاده کند.

دایره فرهنگی باید گروههای فرهنگی را هماهنگ ساخته در راه شکی و محتوی کار آنها نظر داده در چاپ و پخش مطالب سودمندی که تهیه میگرد با توجه بامکانات کف راسیون و با استفاده از خود واحد ها اقدام نماید. اسناد و مدارک لازم برای کار تحقیقی

۴

را جمع آوری و در اختیار واحد ها قرار دهد. در ارتباط با این مسائل پیشنهاد زیر ارائه میشود.

۱- تحقیق و ستجمعی در مسائل مشخص "از طرف کنگره حد اقل چهار تم تعیین کردن و واحدها موظف باشند از طریق کمیسیون - های فرهنگی درباره هریک از این تم ها بکار تحقیقی بپردازند و رساله تهیه کنند. دبیر فرهنگی هر سه ماه یکبار یکی از این تم ها را بصورت نشریه ای شامل رساله های تهیه شده چاپ و پخش نماید. واحد های کنگره راسیون موظفند درباره هریک از چهار رتسم تهیه شده حد اقل به ترتیب زیر رساله تهیه کنند.

۲- راسیون آلمان سه رساله - آمریکا دو رساله - اطریش و رساله - فرانسه دو رساله - ایتالیا یک و انگلستان یک رساله.

۳- طبیعی است واحدهای دیگر نیز باید در حدود امکانات خود در این فعالیت شرکت داشته باشند.

۴- رساله های تهیه شده پس از آنکه پارانظر و تأیید هیئت مدیران کنگره راسیون بچاپ میرسد.

۵- تم های چهارگانه باید در پانزده ها قبل از چاپ و همچنین معنائی چاپ از طرف کمیسیونهای فرهنگی بطور وسیع و دستجمعی مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۶- واحدها باید در جمع آوری اسناد و مدارک مربوطه باین تمها فعالانه شرکت جویند. برنامه ریزی تقسیم کار و سایر فعالیتها - در این زمینه از طریق دبیریه های فرهنگی و انتشارات تدوین شود و با مسئولیت و تحت نظر دبیران فرهنگی و انتشارات انجام پذیرد.

پیشخوان نمونه موارد تحقیقی تمهای زیر پیشنهاد میشود.

۱- بررسی "انقلاب ادبی"

۲- مطبوعات ایران و نقش آن

۳- مسئله دانشگاههای ایران (این موضوع باید در پیشنهادی مختلف وجود داشته ای مورد بررسی قرار گیرد)

۴- نشریات ابتدائی و متوسطه را ایران بطور مشخص تمام ادب مدرن نیست و ادب و ادبیات و ادبیات مدرن را استانی و شبه استانی "مسئله شعر" "تعلق طبقاتی دانش آموزان در ادب مدرن" و نسبت آنها "محتوی برنامه ادبی" و ...

۵- برنامه پنجساله چهارم در برنامه گذاری در ایران در بررسی صایع در کشور.

۶- مسئله جوانان و فرهنگ ادبی.

بررسی این مسائل باید بصورت تاریخی "ارائه ناکت و تحلیل مشخص و ساده انجام گیرد و از کلی گویی و طرح عدم مطالبات احتمالی

برخیزد.

۷- درباره فرهنگی به بررسی دو سمینار بزرگ کنگره راسیون اقدام نماید. یکی از این سمینارها همزمان با کنگره های راسیون

ایتالیا و دیگری در جریان اردوی تابستانی باشد. برای کار این سمینارها تمهای زیر پیشنهاد میشود:

۱- مطالعه فرهنگ (روشنای) استعماری در ایران.

۲- بررسی گلهای اقتصادی، نظامی و سیاسی دول خارجی به رژیم ایران.

۳- علاوه بر این همه سازمانها موظف باشند مطالعه تاریخ ۳۰ ساله استعمار در ایران را در دستور فعالیت فرهنگی خود قرار

دهند.

۴- انتشارات:

طبیعی است که انتشارات کفد راسیون در انجام مقاصد بالا دارای نقش مهمی است. انتشارات کفد راسیون و بویژه ماهنامه ارکان باید بطور عمده مسائلی را مطرح سازد که روشن کننده وظائف جنبش و مسائل مربوط به مبارزه دانشجویان در داخل و خارج کشور باشد. نشریات کفد راسیون همچنین باید با معرفی سازمانهای دانشجویی در خارج و فعالیت آنها بلیجاد اعتماد بیشتر در میان دانشجویان داخل و خارج کمک کند. به همین خاطر لازم است علاوه بر دبیر انتشارات سایر دبیران نیز مطالب مربوط به بخشهای خود را در ماهنامه ارکان منعکس کنند.

III تشکیلات :

در رابطه با وظیفه مرکزی بخش خارج از کشور جنبش دانشجویی ایران "کار عمده تشکیلات باید احیاء تحکیم و گسترش رابطه بخش خارجی جنبش با بخش درون کشور باشد. روشن است که راههای دقیق این حرکت لازم را در خود جریان مبارزه باید پیدا کرد و نه پپیازان. هدف این طرح دادن پیشنهاد های دقیق و روشن برای همه جنبه های این مبارزه نیست بلکه خواست عمده ما طرح این مسئله در کنگره نهم "بحث وقت در آن "و داد دل پیشنهاد های حداقلی است که میتواند ما را در جهت احیاء تحکیم و گسترش رابطه ارکانیک کمک کند. پپیاز طرح پیشنهاد های مشخص اولیه باید باین مسئله توجه کرد که عدم این رابطه دقیق و همه جانبه بین بخش خارجی و داخلی جنبش معلول سلسله عواملی است که تا این عوامل ترمز کننده بر طرف نشوند تحکیم و گسترش رابطه درون و برون کشور نیز عملی نخواهد بود. این مسئله را از این جهت دوباره در اینجا ذکر کردیم که لزوم هم سوئی و همکاری همه بخشهای کفد راسیون بویژه انتشارات فرهنگی و تشکیلات را در امر ارتباط دقیق تر با ایران یا دور شده باشیم یعنی در دوره ای "در بخشهای انتشارات و فرهنگی نیز بایان چنان کار شده باشد که لزوم این ارتباط برای اکثریت دانشجویان در داخل و خارج روشن شده باشد و ثانیاً تمام عوامل ذهنی ناسالمی که از طرف رژیم و سایر دشمنان تبلیغ میشود و خود یکی از موانع ایجاد این رابطه است بر طرف شده باشد و ثانیاً (و بطور اخص در مورد بخش فرهنگی کفد راسیون) شناخت دانشجویان از مسائل و رویداد های ایران و خواسته های مشخص زحمتکشان و روشنفکران و دیگر قشرها و گروه های خلقی دقیق تر شده باشد. همراه با این حرکت روشنگرانه همانطور که گفتیم باید در زمینه تشکیلات نیز اشکال اول این ارتباط را پیدا کرد در این زمینه پیشنهاد میکنیم که کمیسیونی مرکب از چند نفر بنام کمیسیون ایران " از طرف هیئت دبیران تعیین گردد. وظیفه این کمیسیون باید مطالعه مسائل مشخص روز بد ست آوردن اطلاعات از ایران "دانشگاههای ایران" وضع دانشجویان مبارزات و خواسته های آنان باشد. این کمیسیون از طریق هیئت دبیران و با تشخیص آنان اطلاعات بد ست آمده را در اختیار واحد ها قرار میدهند. وظیفه دیگر این کمیسیون باید پیدا کردن راههای ارتباط اولیه با ایران و مبارزان دانشگاههای ایران بمنظور ایجاد زمینه اولیه "گسترش تحکیم این رابطه سازمانی باشد.

در اینجا چنین کمیسیونی باید بمسائل زیر توجه شود.

- ۱- اعضای این کمیسیون باید ناشناخته بمانند.
- ۲- برنامه این کمیسیون فقط تا حدودی که به امنیت مبارزان داخل ایران لطمه نزنند در اختیار واحد ها قرار خواهد گرفت.
- ۳- این کمیسیون در مقابل هیئت دبیران و هیئت دبیران در مقابل کنگره مسئول خواهد بود.
- ۴- این کمیسیون موظف ب گزارشدهی منظم به هیئت دبیران است.
- ۵- اعضای این کمیسیون باید وقت خود را بطور در خدمت این امر قرار دهند.

بر خورده به موضعگیریهایی گذشته کفد راسیون

"ریاره اعلامیه کفد راسیون - توسو و وظائف کنکره نهم"

کفد راسیون باید قدم به قدم با گذشته خود برخورد کرده مواضع نادرست خود را تصحیح نماید. تصحیح مواضع نادرست گذشته از یکسو نمودار حرکت ما بجلو و بسوی کمال و از سوی دیگر نشانه آستکه سازمان ما امروز در سطحی قرار دارد که با هدف استفاده از تجارب گذشته بخاطر بهبود کار و بسود همگامی بیشتر با مبارزات ملی مردمپهن ما با دیدی انتقادی گذشته خود و اشتباهات آنرا ارزیابی میکند. طبیعی است که در این ارزیابی باید پروسه رشد تاریخی و سطح جنبش را در مراحل مختلف در نظر داشته باشیم و از تطبیق مکانیکی درک و خواست امروز خود با سطح گذشته پرهیز کنیم.

اعلامیه "کفد راسیون - توسو" که در ارتباط با کوشش جهت عضویت در آی - یو - اس بوسیله نمایندگان کفد راسیون امضا شده و با تفسیری بر آن به تصویب رسیده از جمله مواردی است که باید بطور قاطع با آن برخورد شود. چنین برخوردی بویژه از این جهت ضروری است که در این اعلامیه با بخش مهمی از مواضع اصولی کفد راسیون در آن زمان برخوردی نادرست شده و برخی از مسائل جنبش دانشجویی بطور غیر واقعی انعکاس یافته است.

در اینجا هدف ما از این برخورد تحقیق و بررسی مبارزات دانشجویان دانشگاه تهران و "توسو" نیست. زیرا اعتقاد داریم که برای بررسی این مساله نیازمند تحقیقی دقیق بر سببهای واقعی و ارائه فاکتورهایشیم. همچنین یادآور میشویم که مذاکره با "توسو" خود معلول عضویت در اتحادیه بین المللی بوده است و طرح عضویت در اتحادیه بین المللی نیز - حداقل در ابتدای آن - در برابر گرایش عضویت در کفدرانس بین المللی دانشجویان (کومک) ارائه شده است و این دو عضویت در کفد راسیون بعنوان دو آلتزنا تیف در برابر هم قرار داده شد. بنابراین بررسی هر یک از این موارد باید مساله مذاکره با "توسو" را با مساله عضویت در این دو سازمان و مواضع مختلف ما در برابر آنها در مجموع مورد بررسی قرار داد و ربط منطقی آنها را پیدا کرد. معذرا این امر نمیتواند ضرورت افشاء این سند را نفي کند. چه همانطور که در بالا آمد در این اعلامیه با بخش مهمی از مواضع اصولی کفد راسیون در آن زمان برخوردی نادرست شده است.

در باره اگرای اول اعلامیه گفته میشود: "هیئت های نمایندگان "توسو" و کفد راسیون مسائل جنبش دانشجویی ایران را مورد بحث قرار دادند" در حالیکه کفد راسیون مطابق آنچه در کنگره های چهارم و پنجم آمده بد رستی وجود چنین سازمانی را در آن زمان رد میکند.

در مصوبات کنگره چهارم (کنگره کن) در این باره چنین میخوانیم "چهارمین کنگره کفد راسیون هیئت دبیران را موظف میکند در صورتیکه اتحادیه بین المللی دانشجویان کفد راسیون را بمثابة تنها سازمان دانشجویان ایرانی بشناسد به آن سازمان بپیوندد و در صورتیکه سازمانیکه بنام سازمان دانشجویان تهران در آنجا عضویت دارد حاضر نشود کرسی دانشجویان ایرانی را در ارتباط اتحادیه بین المللی دانشجویان بنفع کفد راسیون ترك کند هیئت دبیران موظف خواهد بود اقدامات لازم را برای معرفی عاملان اصلی آن انجام دهد. هیئت دبیران موظف است که در اولین جلسه کمیته اجرایی اتحادیه بین المللی شرکت کند و بر طبق مواد بالا رفتار نماید."

چنانچه نمایندگان که بنام سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در اتحادیه بین المللی شرکت دارند از اتحادیه بین المللی خارج

شوند از اشخاصیکه بعنوان نمایندگان یکی از اتحادیه های سابق دانشجویان دانشگاه تهران در حل این مشکل کوشش کرده اند صمیمانه قدردانی شود و اعلامیه مشترکی منتشر گردد .

در مصوبات کنگره پنجم (کنگره اشتوتگارت) نیز در این باره چنین میخوانیم : " کنگره با اظهار تاسف فراوان از سرسختی و سماجت مسئولین واقعی اشغال کرسی کفدراسیون نماینده واقعی دانشجویان ایرانی در اتحادیه بین المللی از طریق اتحادیه باصطلاح دانشجویان دانشگاه تهران اعلام میدارد روش غیر منطقی و زورگویانه این دسته سیاسی در برخورد با مسئله عضویت کفدراسیون در اتحادیه بین المللی در قبال روش منطقی کفدراسیون در این زمینه از نظر دانشجویان ایرانی محکوم بوده رفتار این دسته سیاسی را ضربه مهلکی بمبارزات حق طلبانه دانشجویان ایران تلقی مینماید . هیئت دبیران موظف خواهد بود طی تنظیم و انتشار جزوههایی به زبانهای خارجی درباره مسئله سازمان باصطلاح دانشجویان دانشگاه تهران و عضویت کفدراسیون در اتحادیه بین المللی حقایق امر را برای تمام اتحادیه های دانشجویی تشریح نماید . "

بطوریکه ملاحظه میشود کنگره بصراحت وجود چنین سازمانی را رد کرده و یک مسئله سیاسی را مسبب واقعی این زورگویی و گارشکنی میدانند . معینا کفدراسیون بعلمت تمایل صادقانه برای حل مسئله حاضر میشود از کسانیکه بنام سازمان دانشجویان دانشگاه تهران کرسی دانشجویان ایرانی را اشغال کرده اند تشکر کند و اینگونه بر پایه این حسن نیت حتی اعلام میدارد که حاضر است با نمایندگانی که بنام توسو در اتحادیه بین المللی عضویت دارند اعلامیه مشترکی مبنی بر تشکر و قدردانی انتشار دهد . برخورد کنگره در این باره برخوردی درست و مبتنی بر واقعیت است . زیرا پیش از یورش رژیم کودتا بدانشگاه تهران در فاصله سالهای ۳۲ تا ۳۴ سازمان دانشجویان دانشگاه تهران " توسو " نیز مانند سایر سازمانهای مترقی و ضد رژیم متلاشی شد . بعدها دانشجویان مبارز دانشگاه تهران بویژه در دوره اقبال امینی برحسب امکانات و شرایط موجود شکلی سازمانی جدیدی بوجود آورده و در چارچوب دیگری به مبارزه ادامه دادند .

در اعلامیه همچنین گفته میشود که " توسو در سالهای قبل از کودتای ۳۲ بعنوان بخشی از نهضت ملی و ضد امپریالیستی ملت ایران نقش برجسته و افتخارآمیزی را ایفا کرده است . "

واقعیت اینستکه موجودیت توسو و مبارزات و فعالیتهای آنرا باید در ارتباط با خط مشی حزب توده و نوسانات آن مورد بررسی قرار داد . چه این سازمان مانند سایر سازمانهای وابسته و تحت نفوذ حزب توده (۱) از اشتباهات بزرگ و کوچک برگزیده است . بنابراین ارزیابی آن نه با برجسته کردن نکات مثبت بلکه با بررسی همه جانبه فعالیت و مبارزه آن باید انجام گیرد . یعنی ضمن تأیید مبارزات درخشان و نقش مثبت آن بعنوان یک حقیقت به نکات منفی آن نیز بعنوان جانب دیگر این حقیقت اشاره گردد . مضافا اینکه این نکات منفی جزئی و کم اهمیت هم نیستند . به همین دلیل برخورد اعلامیه به مبارزات و نقش توسو برخوردی یک جانبه و نادرست است .

در این اعلامیه همچنین ادعا شده است که " نمایندگان توسو در اتحادیه بین المللی دانشجویان از هر فرصتی برای منعکس کردن مبارزات حق طلبانه نهضت دانشجویان ایرانی در مجامع بین المللی و پشتیبانی از این جنبش استفاده کرده اند و در این مورد نقش مثبت و مهمی داشته اند . "

در اینجا ما سؤال میکنیم " نمایندگان توسو بویژه در سالهای آخر عضویت در اتحادیه جز ایراد سخنرانی در کنگره های اتحادیه و دادن قطعنامه های در مورد ایران کدام اقدام مشخص را برای منعکس کردن مبارزات حق طلبانه نهضت دانشجویان ایرانی انجام داده اند ؟ کدام تظاهرات را سازمان داده اند ؟ کدام جزوه را منتشر کرده اند ؟ کدام کفرا نس را برگزار کرده و بالاخره از کدام فرصت استفاده نموده اند و کدام نقش مثبت ! ! و مهم !! را داشته اند . "

برعکس "نمایندگان توسو" در جلسات و مراجع بین‌المللی دفاع از سیاست عمومی شوروی را بعیده داشته‌اند و با توجه باین سیاست در سالهای اخیر و موضع قاطع جنبش دانشجویی ایران در برابر آن دفاع از چنین سیاستی تنها بمعنای انعکاس میاثرات حق طلبانه نهضت دانشجویی ایران نبوده بلکه در عمل مخدوش ساختن موضوع دیدگاه جنبش دانشجویی ایران و اعلام نظرات و مواضعی نادرست بنام این جنبش بوده است.

در اعلامیه همچنین گفته میشود "با توجه باینکه توسو هوادار وحدت تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک دانشجویی کشور است و این وحدت را عامل موثری برای توسعه بیشتر جنبش دانشجویی میدانند و با اعتقاد باینکه عضویت کفد راسیون را در اتحادیه بین‌المللی که سازمان مترقی و دموکراتیک جهانی دانشجویی است گام موثری میدانند علی‌رغم وجود راه‌حلهای دیگر معینا برای کمک بهد فهای فوق‌الذکر با کفد راسیون جهانی وحدت نمیکند."

روشن است که ادعای هواداری "توسو" از وحدت نیروهای مترقی چیزی جز یک کرافه گوئی نیست زیرا: "اولا "توسو" وجود ندارد که با کفد راسیون وحدت نماید و تنها در یاسه نفر بودند که هر چند وقت یکبار در کنگره اتحادیه بین‌المللی شرکت کرده و ادعای نمایندگی "توسو" را داشتند. ثانیا اگر ایشان واقعا طرفدار "وحدت تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک دانشجویی کشور" بودند جراحاتی یکبار هم برای تحقق چنین وحدتی با کفد راسیون تماس نکردند. ثالثا اگر درست است که این وحدت عامل موثری برای توسعه بیشتر جنبش میباشد پس چرا آقایان هنوز از راه‌حلهای دیگر صحبت میکنند و به زبان بی‌زبانی میگویند که "معینا (در واقع یعنی با چار) با کفد راسیون جهانی وحدت میکنند. آخرین چه وحدتی است که از یکسو بسود "توسمه بیشتر جنبش دانشجویی" است ولی از سوی دیگر میتوان از آن صرف‌نظر کرد چیزی که در بیان صریح و تهدید آمیز نمایندگان "توسو" در جلسه "علی‌رغم وجود راه‌حلهای دیگر" آمده است. در اینجا نمایندگان "توسو"

تهدید میکنند که در صورت لزوم قادر خواهند بود با استفاده از ماشین رای‌کنی اتحادیه بین‌المللی از عضویت کفد راسیون بمثابة تنها نماینده دانشجویان ایرانی علی‌رغم حقانیت آن جلوگیری کنند. این دوگانگی برخورد موضع واقعی آنها را در مورد "هواداری از وحدت" افشا میکند. در واقع کمانیکه خود را نماینده "توسو" معرفی میکنند قصدی جز ناد و ستند ندارند. ایشان در ابتدا خود را پیمان کرده‌اند و می‌خواهند قدر آنها نداشته‌اند که با کفد راسیون تماس بگیرند. این کفد راسیون بود که جریان عضویت در اتحادیه بین‌المللی آقایان را "کشف" کرد و پس از آنکه کشف گردیدند شروع بمعامله نموده و صحبت از آن کردند که چون "توسو" وجود ندارد و نماینده دانشجویان دانشگاه تهران است پس باید به عضویت خود در اتحادیه بین‌المللی ادامه دهند و کفد راسیون هم میتواند در کار آن عضو شود.

اگر این آقایان پراستی نماینده دانشجویان دانشگاه تهران بودند پس چگونه حاضر برها کردن "نمایندگی" شدند مگر میشود دانشجویان دانشگاه تهران را از ناگهان "بحال خود" رها کرد؟ و اگر نماینده سازمان دانشجویان دانشگاه تهران نبودند چرا تا آن حد در ادامه عضویت خود سماجت و پافشاری میکردند؟ و بالاخره اگر خواستار "وحدت" بودند چرا "وحدت" را موضوع معامله قرار دادند؟ کاملا روشن است که عبارت پراهنک و ظاهر فریبی از اینگونه‌می‌تواند واقعیت را بیوشاند "توسو" آنها مجبور بودند که کرسی را رها کنند و میخواستند آنچه را که میبایستی در یاسه زود باجبار بپذیرند و سیلهای کسب حیثیت و آبروی خود بکنند زیرا "وحدت" با چیزی که وجود ندارد تنها میتواند موضوع یک شوخی تلقی گردد و نه بیشتر (۳)

واقعیت اینست که اتحادیه بین‌المللی نه تنها امروز بلکه در زمان تهیه اعلامیه نیز بمثابة ابزاری برای اعمال سیاست شوروی و کشورهای اروپای شرقی در جنبش بین‌المللی دانشجویی مورد استفاده قرار میگرفته است. این درست است که حرکت اتحادیه بین‌المللی بسوی جدائی از منافع جنبش بین‌المللی دانشجویی و خلقهای سازمانهای عضو خود در حقیقت در

چند سال اخیر شکل گرفته و در نتیجه اتحاد به خصلت مکرانیک و ضد امپریالیستی خود را از دست داده و در واقع این امر با اضافه رشد کفد راسیون^۱ را بشناخت درست و منطقی امروز از اتحاد به رسانده است. ولی فراموش نباید کرد که کفد راسیون در زمان تهیه اعلامیه نیز بوجود یک سری روابط غیر مکرانیک در اتحاد به آگاهی داشته است. اتفاقاً کفد راسیون به اینکه یک سته سیاسی برای جلوگیری از عضویت کفد راسیون کار شکلی میکند گفتگوی نمایندگان توسو یا هیئت نمایندگی کفد راسیون در ککره صوفیه و بالاخره تهدید "توسو" در باره توسل به "راه حل‌های دیگر" از جمله مواردی است که روابط غیر مکرانیک حاکم در اتحاد یبه را برای ما روشن می‌کند است. مصوبه ککره ششم کفد راسیون در زمینه وظائف هیئت‌های نمایندگی کفد راسیون در ککره‌ها و جلسات اتحاد به یکی دیگر از مواردی است که نظر کفد راسیون را نسبت به اتحاد به در زمان تهیه اعلامیه نشان می‌دهد. ککره هیئت‌های نمایندگی کفد راسیون را موظف میکند در جهت ایجاد شرایط کافی^۲ در اتحادیه به بین‌المللی کام بردارد. در این بخش باید به نکته دیگری نیز اشاره کرد و آن تفسیر ککره ششم (ککره فرانکفون^۳ در "انحلال توسو" است چه این تفسیر نیز نمی‌تواند مسئله‌ای را روشن کند زیرا همانطور با سازمانیکه وجود ندارد، عضویت به وحدت کفد "انحلال" آن در کفد راسیون نیز نمیتواند مطرح باشد بنابراین "انحلال توسو" در کفد راسیون^۴ نیز کفد راسیون^۵ با آن به شهادت امروز بلکه در همان زمان امضا و تصویب نیز برخوردی نادرست و غیر واقعی بوده است.

بلکه در اعلامیه همچنین گفته میشود هیئت نمایندگی^۶ معتقد است که کفد راسیون قبل از از بین بردن کامل راسیون از تمام امکانات در باره حل مسئله عضویت در اتحاد به بین‌المللی پیش‌د اوری‌های نادرستی نسبت به نتایج تماس‌های تازه یک با "توسو" کرده است. چنین پیش‌د اوری‌های نادرستی وجود آمدن محیط نامساعدی در سازمانها اگر چه که نمیتواند به کسی به حل مسئله بنماید. نتایج مثبت از اکرآت حاضر نشان داده است که بهتر بود با اکرآت قبلی به‌تر از این گفته میشد زیرا با توجه به محیط حسن تفاهم‌گویی که بر جملات از اکرآت حکم فرما بود مطمئناً از ایجاد بازی‌های سوت‌فاهم‌ها که در مصوبات ککره‌ها و سمینارهای کفد راسیون منعکس گردیده است جلوگیری میشد. "در حالتیکه واقعیات و حقایق نمیتواند از به‌تنهایی علیه اتحاد که نتیجه‌گیری کفد راسیون در باره راه حل بر اساس بررسی مسئله و امکانات آن از یک موضوع و مسأله ادعایی حمایت گوشت." کفد راسیون باین نتیجه رسید که به با فشاری خود برای عضویت در اتحاد به بین‌المللی از طریق خود اتحاد به و نه از طریق هذه اکره با کسانی بنام نمایندگی "توسو" ادامه دهد و در ارتباط با آن علیه کسانی که در تحقیق این موضوعات کار شکلی مینمایند مبارزه کند.

این نتیجه گیری بدلیل عدم وجود "توسو" در آن زمان و بنابر آنچه آمد منطقی و تنها راه حل مسئله بوده است. بنابراین آنچه در این اعلامیه پیش‌د اوری نادرست خوانده شد نه تنها پیش‌د اوری نیست بلکه تحلیلی است درست مبتنی بر واقعیت و شناخت از ماهیت عاملین کار شکلی در عضویت کفد راسیون.

این ادعا نیز که چنین باصطلاح "پیش‌د اوری‌هایی" باعث بوجود آمدن محیط نامساعدی در سازمانها گردیده ادعایی نادرست و عاری از حقیقت است زیرا سازمانهای ما در پروسه بحث و برخوردی سودمند با مطالبه مسئله از طریق تمام عقاید و نظریات بر روی جمع‌بندی درستی وحدت کرده و رای قاطع نمایندگان شرکت کننده در ککره پنجم استوگانی از این وحدت بود. با توجه باین امر برخورد نظریات در سازمانهای ما نه‌بایجاد محیطی نامساعد بلکه به چنان موضع‌گیری قاطع و روشنی انجامد که در تکامل بعدی مبارزه نیز صحت آن باثبات می‌رسد. بنابراین باید با قاطعیت اعلام کرد که در مصوبات ککره‌های چهارم و پنجم و سمینارهای کفد راسیون بر خلاف ادعایی که شده هیچگونه سوت‌فاهمی در این باره منعکس نگردیده است. این مصوبات و بویژه آنچه "پیش‌د اوری نادرست" وسو تفاهم نامیده شده هم در روز تصویب و هم امروز مورد تأیید کامل کفد راسیون می‌باشد.

آخرین مطلبی که در اعلامیه آمد تاکید هیئت نمایندگی بر این نکته است که با توجه به "سنتی که در کنفدراسیون موجود است" کنفدراسیون "در ترکیب هیئت‌های نمایندگی خود در کنفرانسها و کنگره‌های بین‌المللی از کارهای ورزیده سازمانهای عضو از جمله سازمانهای دانشجویان ایرانی در کشورهای سوسیالیستی استفاده خواهد کرد".

وقتی در نظر بگیریم که در زمان امضا اعلامیه اگر هم سازمان دانشجویی ایرانی در شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی وجود میداشت و اگر این سازمانها کار ورزیده هم میداشتند حد اقل عضو کنفدراسیون نبودند یقیناً باین نتیجه خواهیم رسید که چنین تأکیدی به این اعلامیه صرف نظر از محتوی نامعتبر آن حالت قرار داد مبتنی بریده - بستان نیز بخشیده است.

چگونه اعلامیه مشترک امضا و به تصویب رسید ؟

هیئت دبیران کنفدراسیون برخلاف مصوبات کنگره هیئتی را برای مذاکره با "توسو" به پراگ اعزام میکند و این هیئت نیز بخاطر پربها دادن به عضویت کنفدراسیون در اتحادیه بجای برخوردی اصولی مسائل کنفدراسیون را بطور غیر واقعی منعکس کرده و بخش مهمی از مصوبات و مواضع صحیح کنگره را "پیش داوری نادرست" نامیده است. پس از امضا این اعلامیه هیئت دبیران کنفدراسیون بجای اینکه آنها بطور وسیع پخش کرده و در واحدها به بحث گذارد و در نتیجه قبل از کنگره زمینه ارزیابی همه جانبه آنها فراهم آورد بکهاره در جریان کار کنگره آنها مطرح میسازد. کنگره کنفدراسیون هم از یکسو بعلمت عدم آمادگی کافی برای بررسی همه جانبه آن تراکم برنامه وقت محدود و از سوی دیگر بعلمت پربها دادن به عضویت در اتحادیه بین‌المللی به اضافه کردن تفسیری بر آن اکتفا میکند و کنگره هفتم ارزیابی این اعلامیه را به کمیسیون چهار نفری^۱ واگذار مینماید. شایسته است کنگره نهم کنفدراسیون (کنگروه کن) این مسئله را بطور جدی مورد ارزیابی قرار داده مطالب اعلامیه را (با توجه به شرائط زمان تنظیم و تصویب آن) دقیقاً ارزیابی کرده و روشن سازد که: امضا و تصویب این اعلامیه بعلمت مطالب نا صحیح آن و انعکاس غیر واقعی مسائل کنفدراسیون نادرست بوده است.

۱ - در جزوه ما و کنفدراسیون صفحه ۱۸ سطر ۲۰ وابستگی "توسو" به "حزب توده" تأیید شده است.

۲ - جمله زیر در هنگام تایپ کردن فراموش شده است.

(نادرستی مطالب این بخش از اعلامیه باینجا خاتمه نمییابد. در همین قسمت ذکر میشود که "اتحادیه بین‌المللی سازمان مترقی و دمکراتیک جهانی دانشجویان است".

درباره مسائل بین‌المللی کنفدراسیون

- اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (ICU)
- کنفرانس بین‌المللی دانشجویان (ICU)
- درباره سازمانهای دانشجویی سه قاره
- روابط کنفدراسیون با سازمانهای ملی دانشجویی

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

پس از پیروزی بر فاشیسم جنبش آزاد بیخش‌ملی و توده‌ای رشد به‌سابقه‌ای یافت و جنبش دانشجویی در جهان تحت تاثیر این پیروزی و با الهام از هدفهای مترقی این پیروزی در راه تشکّل خود در مقیاس جهانی کامیاب‌تری برداشت. در سال ۱۹۴۵ سازمانهای دانشجویی کشورهای جبهه ضد فاشیسم برای بوجود آوردن یک اتحادیه بین‌المللی دانشجویی و بخاطر جلوگیری از احیای فاشیسم دفاع از هلیج مبارزه علیه استعمار و برای استقلال ملی بسط و موکراسی دفاع از حقوق و منافع جوانان و دانشجویان یک کنفرانس در لندن تشکیل دادند. پس از این کنفرانس "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در اوت ۱۹۴۶ در پراگ با بعرضه وجود گذاشت. بدین ترتیب اکثریت انجمنهای دانشجویی آن زمان در اتحادیه بین‌المللی متشکل شدند. اما دیری نپایید که امپریالیستها و در رأس آن آمریکا با دسائس‌کوناون علیه این سازمان بین‌المللی دانشجویی دست به تبلیغ و تحریک زدند و در سال ۱۹۴۸ انشعابی را در این سازمان بوجود آوردند. علی‌رغم تمام تشبیهات امپریالیستها و کارزار تبلیغاتی عجیبی که علیه اتحادیه بین‌المللی صورت گرفت سازمانهای مترقی دانشجویی آن زمان که در داخل که در داخل اتحادیه متشکل بودند بطور پیگیری از آنها و هدفهای این سازمان دفاع کردند و در گسترش جنبش مکرراتیک دانشجویی در مقیاس بین‌المللی از هیچ کوششی دریغ ننمودند.

در ده سال اخیر و بویژه در چند سال گذشته اتحادیه تحت نفوذ و تاثیر شرقی و در رأس آنها شوروی به تدریج در عمل از خط مشی اصولی و مبارزه جوی خود دوری جست. اتحادیه بین‌المللی دیگر مبارزه علیه امپریالیسم راه به‌بیان جملات پرطنین و آراسته اما بدون هرگونه پشتوانه عملی تبدیل کرد و در زیر پرده نهادن خط‌مشی مترقی و ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی جهانی تا آنجا پیشرفت که تحت عنوان "گسترده کردن" اتحادیه هر سازمان دانشجویی را صرف‌نظر از محتوایش در درون خود میپذیرد و تحت عنوان وحدت جنبش دانشجویی حتی پس از افشای روابط کوسک با سازمان جاسوسی آمریکا همچنان می‌کوشد زمینه وحدت با این سازمان را فراهم آورد.

طبیعی است که خط‌مشی اتحادیه با مقاومت سازمانهای مبارز و مترقی درون آن روبرو شد و در داخل اتحادیه مبارزه بر سر دو خط‌مشی اوج گرفت. هم‌اکنون بسیاری از سازمانهای عضو عملاً از اتحادیه دوری جست‌فاند و عدم توافق خود را با برنامه و عمل کرد اتحادیه پکرات ابراز داشته‌اند. اینان با مشی که گردانندگان اتحادیه میخواهند به جنبش جهانی دانشجویی تحمیل کنند مخالفت ورزیده با این خط‌مشی نادرست مبارزه کرده و میکنند. دیگر روشن است که وضعیت کنونی اتحادیه عملاً نمیتواند پاسخگوی نیازهای مبرم جنبش دانشجویی بین‌المللی باشد و در اعتلای این جنبش که پیچیده و خاص است و در ده سال اخیر به‌طور جهشی رشد یافته است موثر واقع افتد. خط‌مشی نادرست و ترکیب ناهمگون سازمانهای عضو اتحادیه بین‌المللی به اتحادیه اجازه نخواهد داد که برای مدت درازی دولم بیارد و ناگزیر یا زود اتحادیه از داخل بخاطر تضادهای درونی منفجر خواهد شد بدون شک در مبارزه حادی که میان دو خط‌مشی درگیر است پیروزی از آن سازمانهایی است که دفاع خط‌مشی صحیح هستند بنابراین کنفدراسیون باید تا روزیکه امکان مبارزه در درون اتحادیه بین‌المللی وجود است در صف اول همراه با سایر سازمانهای مترقی با برنامه مشترکی علیه خط‌مشی نادرست غالب در اتحادیه مبارزه کند.

در جریان این مبارزه است که پیوندی عمیق بین سازمانهای مبارز بوجود خواهد آمد و جنبه متمرقی و مکرانیک دانشجویی در مقیاس جهانی اشکال مناسب سازمانی خود را خواهد یافت .

بر خورد کفد راسیون به اتحادیه بین المللی دارای سابقه ای است که بنوبه خود باید در زمان مناسب در اجزای خود شکافته شود و مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد . زمانیکه کفد راسیون به عضویت اتحادیه بین المللی در آمد امید آن میرفت و تصور میشد که در داخل اتحادیه هنوز امکان استفاده از یک پلاتفرم بین المللی بخاطر کسب پشتیبانی از خواستهای کفد راسیون موجود است . با این شناخت از اتحادیه بین المللی در حدی بود که کنگره ششم (کنگره فرانکفورت) در بحثهای خود با آن بر

خوردی انتقادی داشت ولی با تکیه بر امکان استفاده جهت انعکاس مبارزات دانشجویان ایران و دفاع پیگیر از یک مشی ضد کنفدرالیستی و ضد امپریالیستی در جنبش جهانی دانشجویی عضویت در اتحادیه را تصویب کرد .

تجربه مدت کوتاه نشان داد که سازمانهایی که خواهان پیروی از یک مشی متمرقی ضد امپریالیستی و مستقل هستند و به خط مشی حاکم در اتحادیه بین المللی نقادانه برخورد کرده و آنرا خرد مینمایند بشیوههای گوناگون از امکاناتی که در اتحادیه در اختیار طرفداران خط مشی خود میگذاشتند محروم میشوند و رهبری اتحادیه آنها را در سرنوشت اتحادیه شرکت نمیدهد (مراجعه شود به مناسبات اتحادیه با کفد راسیون از زمان عضویت تا امروز) . همه اینها نتیجه طبیعی خط مشی نادرستی است که در اتحادیه حاکم میبانشد و در بالا از آن یاد شد .

این جمع بندی کفد راسیون از اتحادیه بین المللی بر اساس تخریبات مستقیم و تحلیل منطقی واقعیت اتحادیه و ترکیب آن بدست آمده است و ضرورت دارد که کفد راسیون در دفاع از آن در داخل و خارج اتحادیه بسود خط مشی اصولی در جنبش جهانی دانشجویی و روشن کردن هر چه بیشتر وظائف میسوم این جنبش اقدام نماید و سازمانهای متمرقی دانشجویی را در گرد این خط مشی به مبارزه بکشانند .

نکاتیکه باید بطور اساسی در رابطه کفد راسیون با اتحادیه در نظر گرفته شود

- ۱- هیأت دبیران و یا کمیسیون تحت نظر هیئت دبیران قبل از شرکت در کنگره آینده اتحادیه بین المللی نظرات کفد راسیون درباره اتحادیه را جمع بندی و در اختیار سازمانهای عضو بگذارد .
- ۲- باید از طرف کفد راسیون برخوردی انتقادی نسبت به اعلامیه ها و مجموعه فعالیتهای اتحادیه در فاصله میان دو کنگره آن بشود .
- ۳- لازم است کفد راسیون با سازمانهای مخالف خط مشی اتحادیه بین المللی به بحث و تبادل نظر در پیرامون این خط مشی بپردازد .
- ۴- هیئت دبیران باید جهت شناساندن سازمانهای عضو اتحادیه به واحد های کفد راسیون اقدام نماید .

درباره کنفدرانس بین المللی دانشجویان
(کوسک)

با اینکه کنف راسیون قبل از افشا روابط کوسک با سازمانهای جاسوسی امریکا (سیا) استراتژی خروج از این سازمان را به تصویب رساند و بلافاصله پس از افشای این روابط به رستی موضع گرفته و از این سازمان خارج گردید و این برخورد منطقی و مترقی بود معینان دست است اگر روابط خود را با این سازمان در چنین اقدامی خلاصه کنیم. کنف راسیون باید مجموعه مناسبات خود را با کوسک و نوسانات آنرا ارزیابی کرده و موضع خود را در این باره روشن نماید.

ککزه لوزان ادامه عضویت در کوسک را که قبلا بدین مرجع به نظرات سازمانهای دانشجویی صورت گرفته بود تصویب میکند (که این نیز بنوبه خود نادرست است). علاوه بر این در ککزه ارزیابی نا صحیحی از کوسک میشود. با توجه به شناخت محدود واحد های کنف راسیون از کوسک چنین ارزیابی نادرستی با ایجاد تصویر غیر واقعی از این سازمان منتهی میشود.

در این ککزه کوسک از طریق نماینده خود و تأیید ککزه بعنوان سازمانی معرفی میشود که نه تنها با صمیمیت از مبارزه دانشجویان ایرانی حمایت کرده و با همه امکانات بآن یاری میکند بلکه "مبارزه با رژیم های دیکتاتوری با کاپیتالیستها با استعمار و استعمار نوین با تبعیض نژادی و بی عدالتیهای اجتماعی" در سر لوحه کار آن قرار میگیرد. در حالیکه ترکیب رهبری فعالیت و خط مشی کوسک خلاف این نظر را نشان میدهد.

کنف راسیون بتدریج مبارزه علیه این سازمان را آغاز میکند ولی این مبارزه تا تصویب منشور کنف راسیون بطور نا پیگیر و محدود انجام میگردد. پس از تصویب منشور مبارزه ما در بدین سازمان شکل گرفته و عده های از سازمانهای مترقی را نیز بدنبال خود میکشاند. ولی کنف راسیون با وجود قاطعیت در این مبارزه منشور کوسک را بطور صوری قبول میکند. با توجه به رشد نسبی کنف راسیون و اعضای آن در زمان تصویب منشور و آگاهی نسبت به ماهیت کوسک باید قبول صوری منشور را در شمار موضع گیریهای نادرست گذشته آورد و نقادانها آن برخورد نباید و در ضمن باید اضافه نمود که با خروج از کوسک وظیفه ما در مبارزه علیه این سازمان برنامه عمل و خط مشی آن پایان نیافته است. کنف راسیون باید بطور مداوم و پیگیر مبارزه علیه خط مشی این سازمان بخاطر انفراد کامل آن و سازمانهایی که استخوان بندی آنها میسازند ادامه دهد.

در خاتمه اشاره باین مطلب ضروری است که این موضع با موضع کمانی که پس از افشا روابط کوسک با سیا در رابطه با لباس دلسوزی نسبت به جنبش ولی در واقع بمنظور ایجاد توازن در وحدت دانشجویان ایران کنف راسیون را مورد حمله قرار دادند ماهیتا تفاوت دارد. آنها نه بخاطر یک برخورد نقادانه و اصولی به کنف راسیون بلکه آگاهانه و بدوین نظر گرفتن سیر و رشد آن و درست بخاطر ضربه زدن به جنبش دانشجویی با استفاده از فرصت افشای این روابط از طریق توسل به اتهام تحریف و روغ پردازی کارزار تبلیغاتی بی سابقه ای علیه کنف راسیون و کادرهای آن برپا انداختند. جالب اینجاست که غیر اصولی بودن آنان تا بدینجا میرسد که آشکارا از یک سو بدفاع از همکاری و وحدت اتحادیه بین المللی با کوسک میپردازند و از سوی دیگر دانشجویان ایرانی را بخاطر عضویت کنف راسیون در این سازمان به تحریک علیه تمام موجودیت کنف راسیون دعوت میکنند. ولی دانشجویان ایرانی بد رستی چنین موضعی را طرف و محکوم ساختهند.

روابط کفد راسیون با سازمانهای ملی

د انشجویی

کفد راسیون جهانی در یک سلسله مبارزات و فعالیتهای د مکرانیک و ضد امپریالیستی هم اکنون د میان سازمانهای مرقی د انشجویی از اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. این اعتبار که د سایه محتوی مرقی کفد راسیون بدست آمده است با گسترش مبارزات کفد راسیون و غنای محتوی آن افزایش مییابد. بخشی از گسترش این مبارزه به همکاری با سایر سازمانهای مرقی د انشجویی مربوط میشود. بنابراین ضروری است که برنامه مشخص پیرامون همکاری با سازمانهای ملی د انشجویی و چگونگی این همکاری بر مبنای تجربیات گذشته تنظیم نمود تا آینده واحد های کفد راسیون و اعضای آن با آگاهی و یک پارچگی بیشتری د این راه عمل کنند. علاوه بر این باید د نظر گرفت که بعلمت موقعیت خاص کفد راسیون و پراکندگی د انشجویان ایرانی د کشورهای مختلف مسائل و ویژگیهای مطرح میشود که موضع گیری د باره آنها لازم است.

د روابط با سازمانهای د انشجویی بطور عمده باید نکات زیر را بعنوان اساس کار رعایت کرد:

- ۱- کفد راسیون بمثابة سازمانی با خط مشی د مکرانیک توده‌ای و ضد امپریالیستی باید د مرتبه اول با سازمانهایی پیوند برقرار کند و رابطه ایجاد نماید که د رای خط مشی مشابهی هستند و برای تأمین و تحقق چنین خط مشی بجاده میکوشند.
- ۲- کفد راسیون و سازمانهای عضو همچنین باید د جریان همکاری بیشتر با سازمانهای مرقی د انشجویی د اروپا و امریکا و از طریق حرکت د مبارزه ضد امپریالیستی آنان سهم بین المللی خود را ایفا کنند آنها را د تحقق هدفهایشان د رحد توانائی خود یاری دهند و روابط خود را بر اساس همکاری متقابل ضد امپریالیستی بنا دهند.
- ۳- گرچه د مبارزه ضد امپریالیستی نکات اساس کار با این سازمانهای مرقی هستند ولی باید د نظر داشت که هر سازمان ویژگیهای خود را دارد و د شرایط خاصی مبارزه میکند و این همبستگی نباید ما را به چنان اشتباهی بکشاند که تصور کنیم میتوان بدون د نظر گرفتن شرایط ویژه خود متدهائی را بصورت الگو بکار برد. تفاوت میان شیوه‌های کار لازم است پیوسته د ر نظر داشته باشیم. بخصوص که ما د کشورهای خارجی هستیم و بعلمت محدودیتهائی که برای ما وجود دارد بخاطر مجموعه منافع جنبشها چار بدقت بیشتر د شیوه‌های فعالیتهایمان میباشیم.
- ۴- لازم است د نظر بگیریم که میان سازمانهای ملی د انشجویی و سازمانهای سیاسی د انشجویی فرق است. کثرت راسیون بطور عمده با سازمانهای ملی د انشجویی رابطه دارد. رابطه با گروههای سیاسی د انشجویی د این یا آن کشور قبعنای آن نیست که کفد راسیون و یا ملزمان د انشجویان ایرانی د کشور مربوط میتواند پراتیک مشخص اینگونه سازمانها را بنه‌یرد و یا د ر آن حل شوند.
- ۵- از آنجا که امکان همکاری عملی با سازمانهای ملی د انشجویی د اروپا و امریکا برای واحد های کفد راسیون وجود دارد لازمست همکاری عملی با این سازمانها را به ویژه بر روی مسائل عمومی گسترش داد و با د نظر گرفتن مسائل فوق د پراتیک مشخص آنها شرکت چر جست.

درباره سازمانهای سه قاره

همانطور که گفته شد بد رستی تشخیص داده باید به همکاری با سازمانهای دانشجویی سه قاره بعنوان امر مهمی نگریست و گامهای عملی در راه گسترش همکاریهای موجود برداشت و در ایجاد زمینههای مناسب بمنظور همکاریهای مشخص و مشترک کوشید. زیرا مسائل عمومی این سازمانها مسائل مشترک خلقهای سه قاره و مسائل مبارزه مشترک ضد امپریالیستی خلقهای سراسر کیتی و عده ترین مسائل دوران ماست.

ولی از آنجا که در شرایط کنونی اتحادیههای دانشجویی سه قاره هنوز از نظر رشد و مواضع نا همگون هستند ما باید روابط خود را با سازمانهایی که دارای محتوی مترقی و ضد امپریالیستی هستند توسعه و با این سازمانها در سطوح مختلف کار مشترک انجام دهیم. همچنین لازم است که شناخت کفد راسیون از سازمانهای دانشجویی سه قاره بالا تا بتوان بر اساس این شناخت بتدریج برنامههای جدید و مناسب با احتیاجات مبارزه طرح و بعور اجرا در آورد. بدون شک پیوند میان سازمانهای دانشجویی مترقی و ضد امپریالیستی در جریان همکاری و مبارزه مشترک این سازمانها بخاطر ارمانهای ضد امپریالیستی تحکیم یافته و پایه های مادی همکاریهای ارگانیک و منظم از طریق چنین پیوندی ریخته خواهد شد

این مسئله که تا امروز احتیاجات مبارزه جنبش دانشجویی کدام قالب سازمانی را باید داشته باشد و همکاری سازمانهای دانشجویی مترقی و ضد امپریالیستی در چه چارچوبی باید شکل گیرد مسئله آینده است که برای یافتن نیازی بکارهایی مقدّماتی است. این کارها باید بطور عده در رد و مورد انجام گیرد.

۱- تبلیغ ضرورت همکاری بیشتر و منظمتر میان سازمانهای مترقی سه قاره.

تبلیغ این ضرورت باید تا ایجاد زمینه عملی کافی در میان این سازمانها ادامه یابد. با ایجا در چنین زمینه ای است که سازمانها پاسخ مناسب احتیاجات مبارزه چگونگی روابط و شکل ارگانیک آنها خواهند یافت.

۲- معرفی سازمانهای دانشجویی سه قاره به واحد های کفد راسیون.

برای انجام هدفهای بالا لازم است که

هئیت دبیران و نمایندگان کفد راسیون با مسئولین سازمانهای دانشجویی این کشورها ملاقات و بدینوسیله رابطه مد اومی با سازمانهای مزبور بوجود آید. در جریان این رابطه باید کوشش شود که کفد راسیون را باین سازمانها شناسانده و متقابلا این سازمانها را به دانشجویان ایرانی شناساند.

— همکاری در چارچوب نشریاتی نکارش مقاله در نشریات یکدیگر.

— ترتیب کفرانس و سمینار مشترک در مورد مسائل مورد علاقه طرفین

— صدور اعلامیه های مشترک در باره اخبار جهان

— همکاری نزد یک در سمینارها و کنگره های بین المللی دانشجویی

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش (کنگره نهم کنفدراسیون جهانی در شهر کلن به تاریخ ۱۲ - ۲۰ دی ۱۳۴۷ برابر با ۲ - ۱۰ ژانویه ۱۹۶۹) در باره وظائف جنبش دانشجویی ایران و مسائل کنگره نهم

در شرایط امروز نمی‌توان موافق آنچنان سازمانی بود که به حوزه فعالیت محدود بسنده کند و همچنان افشای رژیم در خارج و روشنگری در میان دانشجویان را تنها وظیفه خود بداند. کنفدراسیون باید به آنچنان سازمانی تبدیل شود که بطور جدی و پی‌گیر از همه امکانات خود در جهت کار در ایران استفاده کند و به ابزاری در خدمت مبارزه دانشجویان برای پیوند با زحمتکشان ایران در آید.

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (نقب کانال‌های مخفی به ایران به عنوان تطبیق مشخص شکل بر محتوی و حل تضاد درونی) در باره وظائف جنبش دانشجویی ایران و مسائل کنگره نهم

III تشکیلات:

در رابطه با وظیفه مرکزی بخش خارج از کشور جنبش دانشجویی ایران "کار عمده تشکیلات باید احیاء، تحکیم و گسترش رابطه بخش خارجی جنبش با بخش درون کشور باشد. روشن است که راه‌های دقیق این حرکت لازم را در خود جریان مبارزه باید پیدا کرد و نه پیش از آن. هدف این طرح، دادن پیشنهادهای دقیق و روشن برای همه جنبه‌های این مبارزه نیست، بلکه خواست عمده ما طرح این مسئله در کنگره نهم "بحث و دقت در آن" و دادن پیشنهادهای حداقلی است که می‌تواند ما را در جهت احیاء، تحکیم و گسترش رابطه ارگانیک کمک کند. پیش از طرح پیشنهادهای مشخص اولیه باید به این مسئله توجه کرد که عدم این رابطه دقیق و همه جانبه بین بخش خارجی و داخلی جنبش، معلول سلسله عواملی است که تا این عوامل ترمز کننده برطرف نشوند، تحکیم و گسترش رابطه درون و برون کشور نیز عملی نخواهد بود.

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

همراه با این حرکت روشنگرانه همانطور که گفتیم باید در زمینه تشکیلات نیز آشکال اول این ارتباط را پیدا کرد. در این زمینه پیشنهاد می‌کنیم که کمیسیونی مرکب از چند نفر به نام کمیسیون ایران از طرف هیئت دبیران تعیین گردد. وظیفه این کمیسیون همچنین باید مطالعه مسائل مشخص روز به دست آوردن اطلاعات از ایران "دانشگاه‌های ایران" وضع دانشجویان، مبارزات و خواسته‌های آنان باشد. این کمیسیون از طرف هیئت دبیران و با تشخیص آنان اطلاعات به دست آمده را در اختیار واحدها قرار می‌دهد. وظیفه دیگر این کمیسیون باید پیدا کردن راه‌های ارتباط اولیه با ایران و مبارزان دانشگاه‌های ایران به منظور ایجاد زمینه اولیه گسترش و تحکیم این رابطه سازمانی باشد.

در اینجا چنین کمیسیونی باید به مسایل زیر توجه شود.

۱ - اعضای این کمیسیون باید ناشناخته بمانند.

۲ - برنامه این کمیسیون فقط تا حدودی که به امنیت مبارزان داخل ایران لطمه نزند در اختیار واحدها قرار خواهد گرفت.^۱

۳ - این کمیسیون در مقابل هیئت دبیران و هیئت دبیران در مقابل کنگره مسئول خواهد بود.

۴ - این کمیسیون موظف به گزارش‌دهی منظم به هیئت دبیران است.

۵ - اعضای این کمیسیون باید وقت خود را به طور دائم در خدمت این امر قرار دهند.

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

برنامه این کمیسیون فقط تا حدودی که به امنیت مبارزان داخل ایران لطمه نزند در اختیار واحدها قرار خواهد گرفت.

^۱ - سال‌ها بعد، بعد از اینکه پرونده سیروس نیاوندی عضو هیات مرکزی "سازمان انقلابی" حزب توده ایران بر ملا شد و معلوم گشت که وی سال‌ها با ساواک همکاری می‌کرده و برای مبارزان دام می‌نهاد است، چه خطری از بیخ گوش کنفدراسیون و این کمیسیون مخفی برای کار در ایران گذشته است. سیروس نیاوندی می‌توانست نام تمام این مبارزان داخل کشور را در اختیار ساواک قرار دهد و کنترل کار کمیسیون ایران در خارج از کشور را از راه دور در دست بگیرد و از طریق این کمیسیون به تماس‌های جبهه ملی ایران، سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و حتی خود "سازمان انقلابی" و بعداً گروه "کادر" ها در ایران پی ببرد.

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (تزه‌های "چپ" روانه و انحرافی سمینار آکسبورگ و افشاءگری سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان)

طرح پیشنهادی خط‌مشی کنفدراسیون، هیات نمایندگی سازمان آمریکا به کنگره دهم

۹- فوریه - ۱۹۷۰

دایره انتشارات و فرهنگی
کنفدراسیون ایتالیسا

(طرح پیشنهادی خط‌مشی کنفدراسیون)

هیئت نمایندگی
سازمان مرکزی آمریکا

صفت دانشجوی بمثابة بخشی از قشر روشنفکر، بطور کلی توده جوانان را در بر میگیرد که شکل عمده طرز زندگی آنها، نسه داشتن حرفه‌ای موضع تولیدی مشخص، بلکه یادگیری حرفه‌های معین و یا آماده کردن خود برای موضع تولیدی مشخص می‌باشد و همراه با گسترش مدارس، آموزشگاهها و مراکز علمی بوجود آمده‌اند.

توده دانشجویان در ایران همانند همه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره - نیمه فئودال، اگرچه دارای تعلقات طبقاتی گوناگون هستند، ولی اکثر آنها از طبقات متوسط ایران، یعنی خرد بورژوازی (کارمندان ادارات، پیشه‌وران، کسبه، بازاریان کوچک، همفازه داران و روشنفکران و غیره) و بورژوازی متوسط (سواپه‌داران ملی) آمده‌اند، طرز زندگی و موضع اجتماعی دانشجویان، بطور کلی، در مطابقت با طرز زندگی و موضع اجتماعی خرد بورژوازیست.

خصلت جنبش دانشجویی:

۱- توده دانشجویان از يك طرف به طور عمده از طبقاتی می‌آیند که در تضاد با فئودالیسم بومی ایران و امپریالیسم جهانی بوده و در نتیجه، خود نیز منعکس‌کننده این تضادند، از طرف دیگر، توده دانشجویان، با کسب دانش و آگاهی بسیطر از شرایط اجتماعی به درك سرمشتی از مسائل پیرامون خود و خواسته‌های اجتماعی و سیاسی میرسد.

۲- توده دانشجویان، همچنین به مثابه بخشی از قشر روشنفکر، تا حدودی از لحاظ اقتصادی مورد استثمار و از لحاظ اجتماعی و فکری در معرض ترور و اختناق فئودالیسم و امپریالیسم قرار گرفته‌اند.

بنابراین، دانشجویان بمثابة بخشی از توده مردم خواسته‌هایی متضاد با حکومت ضد مولاتیک و ضد ملی ایران، که در واقع، حکومت فئودالها و سرمایه‌داران وابسته با امپریالیسم است داشته و جنبش دانشجویی را بوجود آورده است، این جنبش علیه امپریالیسم و فئودالیسم است و در نتیجه دارای خصلت ضد امپریالیستی و ضد فئودالی می‌باشد.

محتوی توده‌های جنبش:

۱- از آنجا که مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی دانشجویان، اساسی ترین خواسته‌های توده دانشجویان را بیان میکند و نیز از آنجا که جنبش تنها از طریق در برگزیدن فعالانه توده دانشجویان میتواند علیه امپریالیسم و فئودالیسم مبارزه کند، بنابراین این جنبش ضد امپریالیستی و ضد فئودالی دانشجویی از حرکت توده‌ای دانشجویان ناشی شد. و بدینسان پیش میرود.

۲- از آنجا که جنبش دانشجویی بخشی از جنبش عمومی خلق علیه امپریالیسم و فئودالیسم است و نیز از آنجا که توده دانشجویان تنها در رابطه مستقیم با جنبش خلق ایران، میتواند در جهت حل بنیادی تضادهای اصلی جامعه قرار گیرد، بنابراین، تحت تأثیر جذر و طغای جنبش ضد امپریالیستی و ضد فئودالی خلق ایران و جزئی از حرکت توده‌ای مبارزه مردم است.

بنابراین، جنبش دانشجویی، بمثابة بخشی از حرکت توده‌ای خلق، و با الزام محتوی توده‌ای خود جنبشی است توده‌ای

سمت جنبش دانشجویی:

۱- نیروی عمده جنبش ضد امپریالیستی و ضد فئودالی مردم ایران را توده‌های کارگران و دهقان تشکیل میدهند، و از آنجا که حرکت توده‌ای مردم در جهت حل بنیادی تضادهای اصلی جامعه، بطور عمده، حرکت توده‌ای کارگران و دهقانان ایران است در نتیجه، جنبش دانشجویی هنگامی قادر به حفظ و توسعه محتوی توده‌ای خود است که در جهت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران قرار گیرد.

۲- گرچه طرز زندگی دانشجویان با طرز زندگی کارگران و دهقانان یکی نیست، ولی دانشجویان در تضاد اقتصادی و استثمار با توده کارگران و دهقانان ایران نبوده و حتی تا حدودی مورد استثمار اقتصادی فئودالها و امپریالیست‌ها نیز قرار میگیرند و در نتیجه دارای وجه مشترک با توده کارگران و دهقانان ایران اند، در نتیجه، جنبش دانشجویی میتواند و باید در جهت پیوستن و خدمت زحمتکشان قرار گیرد.

بنابراین سمت جنبش دانشجویی، پیوستن و خدمت به کارگران و دهقانان می‌باشد.

بنا بر حقایق فوق، جنبش دانشجویی کنفدراسیون ایران، جنبشی است با خصایص تضاد امپریالیستی و ضد فئودالی، با محتوی توده‌ای، و با سمت پیوستن. جنبش کارگران و دهقانان ایران تبصره:

۱- غیر از امپریالیسم، سرمایه‌داری انحصاری، یعنی سرمایه‌داری در دوران زوال و در آخرین مرحله خود است
۲- امپریالیسم عبارت است از، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و سوسیال امپریالیسم بسرکردگی سوسیال-امپریالیسم روسیه "شوروی" - یعنی، امپریالیسم بهر شکل و در هر لباس

۳- غیر از فئودالیسم، مناسبات استثمار مالک و دهقان در روستای ایران است، خصیصه ضد فئودالی جنبش، حمل خصیصه دموکراتیک جنبش میباشد

۴- غیر از سمت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان، یعنی حرکت در جهت برانداختن کامل فئودالیسم و امپریالیسم از طریق حرکت کارگران و دهقانان ایران، و قبول این حرکت بمثابة نیروی عمده و تعیین کننده، و در نتیجه، کک به ایجاد، رشد و توسعه چنین حرکتی

با توجه شناخت نوین ما از جنبش دانشجویی، و درک ژرفتر از امپریالیسم و فئودالیسم و مناسبات جنبش دانشجویی بسا جنبش خلق ایران، مبانی و وظایف زیر نتیجه‌گیری میشود:

الف - کار در جهت ایران

۱- محور اصلی فعالیت‌های کنفدراسیون را در این مرحله از جنبش دانشجویی در خارج از کشور، کار در جهت ایران تشکیل میدهد. محتوی کار در جهت ایران بر مبنای سمت جنبش دانشجویی تعیین میگردد، از آنجا که سمت جنبش دانشجویی پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران است، بنابراین کار در جهت ایران در حقیقت، معنی دیگری مگر کار در جهت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران را نتواند داشت

۲- جدائی جنبش دانشجویی در خارج از کشور از جنبش دانشجویی در داخل کشور، از لحاظ تاریخی و بطور عمده بعلت رکود جنبش مردم ایران بطور اعمو جنبش زحمتکشان بطور اخص بوده است، بنابراین، پیوند جنبش دانشجویی در خارج و داخل ایران تنها در رشد دوباره و شکوفان شدن جنبش مردم، و خصوصاً جنبش زحمتکشان ایران امکان پذیر است، از این نقطه نظر، تنها با کار در جهت پیوستن و خدمت به کارگران و دهقانان و کک برشد دوباره و شکوفان شدن جنبش توده‌های زحمتکش است، که در دراز مدت پیوند، میان جنبش دانشجویی در داخل و خارج بواقفیت خواهد پیوست.

۳- جنبش خلق ایران، و در درجه اول جنبش کارگران و دهقانان ایران، در دوران حاضر، در مرحله تدارکی خود بسر میبرد، بنابراین، کار مشخص در جهت ایران، در دوران حاضر یعنی کار مشخص در کک به چنین تدارکی، بهر وسیله ممکن و بر مبنای خط مشی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی کنفدراسیون، محتوی و شکل کلیه فعالیت‌های کنفدراسیون بایستی دارای آنچنان جهت و برنامه‌ای باشد که در جهت پیوند و خدمت بتوده‌های کارگر و دهقان ایران، به روشنگری در میان توده دانشجویی بپردازد، بدینسان محتوی اصلی فعالیت‌های فرهنگی، انتشاراتی، و غیره را تعیین کند

ب: وظایف دفاعی کنفدراسیون

۱- با توجه به رشد مبارزات مردم از یکسو و تشدید خشونت رژیم از سوی دیگر، مبارزات دفاعی باید از جنبه صرفاً دفاعی لحظه‌ای و عکس العملی خارج شده و به دفاع فعال از زندانیان سیاسی و حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی و ضد فئودالی مردم ایران، با برنامه مشخص دراز مدت تبدیل گردد.

۲- محور وظایف دفاعی کنفدراسیون که بدور شعار "دفاع از زندانیان سیاسی ایران" است باید تغییر کند و محور وظایف دفاعی خود را، به شعار دفاع و حمایت از مبارزین ضد امپریالیست و ضد فئودال ایران قرار دهد

ج: وحدت درون کنفدراسیون

۱- وحدت درون کنفدراسیون باید بر اساس خط مشی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی کنفدراسیون باشد، یعنی، وحدت،

بدور محور ضد فئودالیسم، ضد امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ضد سوسیال امپریالیسم روسیه "شوروی"

۲ - برای استحکام وحدت، مواضع بین المللی و تماس های بین المللی کنفدراسیون، شعارها و همه فعالیت های کنفدراسیون باید از خط مشی پیروی کند، و بر مبنای دقیق مرز بندی میان خلق و ضد خلق انجام پذیرد.

۳ - وحدت اصولی بر مبنای مبارزه بوجود می آید، در پروسه مبارزه برای ایجاد وحدت، باید از اصل انتقاد و انتقاد از خود منی خود های و برخورد اصولی بیگانه و بساطل پیروی کرد

ب- پایه های تشکیلاتی کنفدراسیون

۱ - اصل تشکیلاتی کنفدراسیون، مرکزیت دموکراتیک است - یعنی دموکراسی توده های در لوای مرکزیت واحد، اصل مرکزیت، دموکراتیک از "منی توده های" پیروی میکند - یعنی وحدت مرکزیت دموکراتیک چیزی نیست مگر بعمل در آوردن جمع بندی نظرات صحیح توده ها در مرحله مشخص

۲ - اقلیت میتواند با نظرات اکثریت مخالفت ورزد، ولی حق ندارد برخلاف خط مشی و مصوبات کنگره و در فواصل کنگره هیئت دبیران عمل کند

د - متحدین بین المللی و دراز مدت کنفدراسیون

۱ - از آنجا که امپریالیسم، سرمایه داری انحصاری، یعنی سرمایه داری در دوران زوال خود است، در نتیجه، دموکراسی امپریالیستی، متحدین دراز مدت کنفدراسیون را طبقه کارگر آن ممالک تشکیل میدهد. کنفدراسیون باید بر مبنای خط مشی خود از جنبش های کارگری کشورهای سرمایه داری بدفاع و پشتیبانی برخیزد، در رابطه با سازمان های دانشجویی در ممالک امپریالیستی، کنفدراسیون متحدین دراز مدت و اصلی خود را در سازمان های دانشجویی هواخواه طبقه کارگر جستجو میکند، در مورد ممالک - سوسیال - امپریالیستی، باید از همان منی بالا پیروی کرد

۲ - در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره - نیمه فئودال، متحدین دراز مدت کنفدراسیون را، توده های خلق و در درجه اول، توده کارگران و دهقانان آن ممالک تشکیل میدهند

۳ - بطور کلی، کنفدراسیون در برخورد با متحدین خود باید مرز بندی دقیقی میان خلق و ضد خلق بکند، کنفدراسیون میتواند از یک موضع تاکتیکی از تضاد درون ضد خلق در ممالک سرمایه داری استفاده کند، ولی تنها با درک این مسئله که این استفاده، استفاده تاکتیکی از دشمن است و بنا براین باید با فداکاری کامل و وسیع همراه باشد.

* - نوشته فوق یکی از طرح های پیشنهادی خط مشی مطروحه در کنگره کنفدراسیون میباشد که از طرف دایره انتشارات کنفدراسیون ایتالیا تکثیر شده است، طبیعتاً چاپ این نوشته دلیل بر قبول یا عدم قبول مواضع فوق از طرف این دایره نمیشد و تنها بخاطر بحث در واحد ها و بخاطر کمک به بهتر انجام شدن برنامه مرکزی کنفدراسیون (دقیقتر کردن خط مشی، کنفدراسیون) مصوبه جلسه چهارم شورای عالی در سازمانها میباشد.

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: "چپ" روانه و انحرافی سمینار آگسبورگ و افشاءگری سازمان مارکسیستی-لنینیستی (توفان)
طرح پیشنهادی خطمشی کنفدراسیون، هیات نمایندگی سازمان آمریکا به کنگره دهم

۹- فوریه - ۱۹۷۰

دایره انتشارات و فرهنگی (طرح پیشنهادی خط مشی کنفدراسیون)
هیئت نمایندگی
فدراسیون ایتالیا
سازمان مرکزی آمریکا

صنف دانشجوی به مثابه بخشی از قشر روشنفکر، به طور کلی توده جوانان را در بر می گیرد که شکل عمده طرز زندگی آنها، نه داشتن حرفه یا موضع تولیدی مشخص، بلکه یادگیری حرفه های معین و یا آماده کردن خود برای موضع تولیدی مشخص می باشد و همراه با گسترش مدارس، آموزشگاه ها و مراکز علمی بوجود آمده اند.

توده دانشجوی در ایران همانند همه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره- نیمه فئودال، اگرچه دارای تعلقات طبقاتی گوناگون هستند، ولی اکثراً از طبقات متوسط ایران، یعنی خرده بورژوازی (کارمندان ادارات، پیشه وران، کسبه، بازاریان کوچک، مغازه داران و روشنفکران و غیره) و بورژوازی متوسط (سرمایه داران ملی) آمده اند، طرز زندگی و موضع اجتماعی دانشجویان، بطور کلی، در مطابقت با طرز زندگی و موضع اجتماعی خرده بورژوازیست.

خصلت جنبش دانشجویی:

۱- توده دانشجوی از یک طرف به طور عمده از طبقاتی می آیند که در تضاد با فئودالیسم بومی ایران و امپریالیسم جهانی بوده و در نتیجه، خود نیز منعکس کننده این تضادند، از طرف دیگر، توده دانشجوی، با کسب دانش و آگاهی بسیط تر از شرایط اجتماعی به درک سریعی از مسائل پیرامون خود و خواسته های اجتماعی و سیاسی می رسد.

۲- توده دانشجوی، هم چنین به مثابه بخشی از قشر روشنفکر، تاحدودی از لحاظ اقتصادی مورد استثمار، و از لحاظ اجتماعی و فکری در معرض ترور و اختناق فئودالیسم و امپریالیسم قرار گرفته اند.

- بنابراین، دانشجویان به مثابه بخشی از توده مردم خواسته هایی متضاد با حکومت ضددمکراتیک و ضدملی ایران، که در واقع، حکومت فئودال ها و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است داشته و جنبش دانشجویی را به وجود آورده است، این جنبش علیه امپریالیسم و فئودالیسم است و در نتیجه دارای خصلت ضدامپریالیستی و ضدفئودالی می باشد.

محتوی توده ای جنبش:

۱- از آنجا که مبارزه ضدامپریالیستی و ضدفئودالی دانشجویان، اساسی ترین خواسته های توده دانشجوی را بیان می کند و نیز از آنجا که جنبش تنها از طریق در بر کشیدن فعالانه توده دانشجوی می تواند علیه امپریالیسم و فئودالیسم مبارزه کند، بنابراین جنبش ضدامپریالیستی و ضدفئودالی دانشجویی از حرکت توده ای دانشجویان ناشی شده و بدانسان پیش می رود.

۲- از آنجا که جنبش دانشجویی بخشی از جنبش عمومی خلق علیه امپریالیسم و فئودالیسم است و نیز از آنجا که توده دانشجوی تنها در رابطه مستقیم با جنبش خلق ایران، می تواند در جهت حل بنیادی تضادهای اصلی جامعه قرار گیرد، بنابراین، تحت تاثیر جذر و مدهای جنبش ضدامپریالیستی و ضدفئودالی خلق ایران و جزئی از حرکت توده ای مبارزه مردم است.

- بنابراین، جنبش دانشجویی، به مثابه بخشی از حرکت توده ای خلق، و با الزام محتوی توده ای خود جنبشی است توده ای.

سمت جنبش دانشجویی:

۱- نیروی عمده جنبش ضدامپریالیستی و ضدفئودالی مردم ایران را توده های کارگر و دهقان تشکیل می دهد، و از آنجا که حرکت توده ای مردم در جهت حل بنیادی تضادهای اصلی جامعه، به طور عمده، حرکت توده ای کارگران و دهقانان ایران است در نتیجه، جنبش دانشجویی هنگامی قادر به حفظ و توسعه محتوی توده ای خود است که در جهت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران قرار گیرد.

۲- گرچه طرز زندگی دانشجویان با طرز زندگی کارگران و دهقانان یکی نیست، ولی دانشجویان در تضاد اقتصادی و، استتماری با توده کارگر و دهقان ایران نبوده و حتی تا حدودی مورد استثمار اقتصادی فئودال ها و امپریالیست ها نیز قرار می گیرند و در نتیجه دارای وجه مشترک با توده کارگران و دهقانان ایران اند، در نتیجه جنبش دانشجویی می تواند و باید در جهت پیوستن و در خدمت زحمتکشان قرار گیرد.

- بنابراین سمت جنبش دانشجویی، پیوستن و خدمت به کارگران و دهقانان می باشد.

بنا بر حقایق فوق، جنبش دانشجویی کنفدراسیون ایران، جنبشی است با خصلت ضدامپریالیستی و ضدفئودالی، با محتوی توده‌ای، و با سمت پیوستن به جنبش کارگران و دهقانان ایران.

تبصره:

۱- غرض از امپریالیسم؛ سرمایه‌داری انحصاری، یعنی سرمایه‌داری در دوران زوال و در آخرین مرحله خود است.
۲- امپریالیسم عبارت است از، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم به سرکردگی سوسیال‌امپریالیسم روسیه "شوروی" - یعنی، امپریالیسم به هر شکل و در هر لباس.

۳- غرض از فئودالیسم، مناسبات استثمار مالک و دهقان در روستای ایران است، خصلت ضدفئودالی جنبش، همان خصلت دموکراتیک جنبش می‌باشد.

۴- غرض از سمت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان، یعنی حرکت در جهت برانداختن کامل فئودالیسم و امپریالیسم از طریق حرکت کارگران و دهقانان ایران، و قبول این حرکت به مثابه نیروی عمده و تعیین‌کننده، و در نتیجه، کمک به ایجاد، رشد و توسعه چنین حرکتی. با توجه به شناخت نوین ما از جنبش دانشجویی، و درک ژرف‌تری از امپریالیسم و فئودالیسم و مناسبات جنبش دانشجویی با جنبش خلق ایران، مبانی و وظائف زیر نتیجه‌گیری می‌شود:

الف- کار در جهت ایران

۱- محور اصلی فعالیت‌های کنفدراسیون را در این مرحله از جنبش دانشجویی در خارج از کشور، کار در جهت ایران تشکیل می‌دهد، محتوی کار در جهت ایران بر مبنای سمت جنبش دانشجویی تعیین می‌گردد، از آنجا که سمت جنبش دانشجویی پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران است، بنا بر این کار در جهت ایران در حقیقت، معنی دیگری مگر کار در جهت پیوستن و خدمت به جنبش کارگران و دهقانان ایران نتواند داشت.

۲- جدائی جنبش دانشجویی در خارج از کشور از جنبش دانشجویی در داخل کشور، از لحاظ تاریخی و به طور عمده به علت رکود جنبش مردم ایران به طور اعم و جنبش زحمتکشان به طور اخص بوده است، بنابراین، پیوند جنبش دانشجویی در خارج و داخل ایران تنها در رشد دوباره و شکوفان شدن جنبش مردم، و خصوصاً جنبش زحمتکشان ایران امکان پذیر است، از این نقطه نظر، تنها با کار در جهت پیوستن و خدمت به کارگران و دهقانان و کمک به رشد دوباره و شکوفان شدن جنبش توده‌های زحمتکش است، که در دراز مدت پیوند، میان جنبش دانشجویی در داخل و خارج به واقعیت خواهد پیوست.

۳- جنبش خلق ایران، در درجه اول جنبش کارگران و دهقانان ایران، در دوران حاضر، در مرحله تدارکی خود به سر می‌برد، بنابراین کار مشخص در جهت ایران، در دوران حاضر یعنی کار مشخص در کمک به چنین تدارکی، به هر وسیله ممکن و بر مبنای خط مشی ضدامپریالیستی و ضدفئودالی کنفدراسیون، محتوی و شکل کلیه فعالیت‌های کنفدراسیون بایستی دارای آنچنان جهت و برنامه‌ای باشد که در جهت پیوند و خدمت به توده‌های کارگر و دهقان ایران، به روشنگری در میان توده دانشجو بپردازد، بدینسان محتوی اصلی فعالیت‌های فرهنگی، انتشاراتی، و غیره را تعیین کند.

ب: وظائف دفاعی کنفدراسیون

۱- با توجه به رشد مبارزات مردم از یک سو و تشدید خشونت رژیم از سوی دیگر، مبارزات دفاعی باید از جنبه صرفاً دفاعی لحظه‌ای و عکس‌العملی خارج شده و به دفاع فعال از زندانیان سیاسی و حمایت از مبارزات ضدامپریالیستی و ضدفئودالی مردم ایران، با برنامه مشخص درازمدت تبدیل گردد.

۲- محور وظائف دفاعی کنفدراسیون که به دور شعار "دفاع از زندانیان سیاسی ایران" است باید تغییر کند و محور وظائف دفاعی خود را، شعار "دفاع و حمایت از مبارزین ضدامپریالیست و ضدفئودال ایران" قرار دهد.

ج: وحدت درون کنفدراسیون

۱- وحدت درون کنفدراسیون باید بر اساس خط‌مشی ضدامپریالیستی و ضدفئودالی کنفدراسیون باشد، یعنی، وحدت به دور محور ضد فئودالیسم، ضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ضد سوسیال‌امپریالیسم روسیه "شوروی".

۲- برای استحکام وحدت، مواضع بین‌المللی و تماس‌های بین‌المللی کنفدراسیون، شعارها و همه فعالیت‌های کنفدراسیون باید از خط‌مشی پیروی کند؛ و بر مبنای دقیق مرزبندی میان خلق و ضدخلق انجام پذیرد.

۳- وحدت اصولی بر مبنای مبارزه به وجود می‌آید، در پروسه مبارزه برای ایجاد وحدت، باید از اصل انتقاد و انتقاد از خود مشی توده‌ای و برخورد اصولی به یکدیگر و به مسائل پیروی کرد.

د: پایه‌های تشکیلاتی کنفدراسیون

۱- اصل تشکیلاتی کنفدراسیون، مرکزیت دموکراتیک است - یعنی دموکراسی توده‌ای در لوای مرکزیت واحد، اصل مرکزیت، دموکراتیک از "مشی توده‌ای" پیروی می‌کند - یعنی محتوی مرکزیت دموکراتیک چیزی نیست مگر به عمل در آوردن جمع‌بندی نظرات صحیح توده‌ها در مرحله مشخص.

۲- اقلیت می‌تواند با نظرات اکثریت مخالفت ورزد، ولی حق ندارد بر خلاف خطامشی و مصوبات کنگره و در فواصل کنگره هئیت دبیران عمل کند.

ه: متحدین بین‌المللی و درازمدت کنفدراسیون

۱- از آنجاکه امپریالیسم، سرمایه‌داری انحصاری، یعنی سرمایه‌داری در دوران زوال خود است، در نتیجه، در ممالک امپریالیستی، متحدین درازمدت کنفدراسیون را طبقه کارگر آن ممالک تشکیل می‌دهد، کنفدراسیون باید بر مبنای خطامشی خود از جنبش‌های کارگری کشورهای سرمایه‌داری به دفاع و پشتیبانی برخیزد، در رابطه با سازمان‌های دانشجویی در ممالک امپریالیستی، کنفدراسیون متحدین درازمدت و اصلی خود را در سازمان‌های دانشجویی هواخواه طبقه کارگر جستجو می‌کند، در مورد ممالک - سوسیال - امپریالیستی، باید از همان مشی بالا پیروی کند.

۲- در کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره - نیمه‌فئودال، متحدین درازمدت کنفدراسیون را، توده‌های خلق و در درجه اول، توده کارگران و دهقانان آن ممالک تشکیل می‌دهند.

۳- به طور کلی، کنفدراسیون در برخورد با متحدین خود باید مرزبندی دقیقی میان خلق و ضدخلق بکند، کنفدراسیون می‌تواند از یک موضع تاکتیکی از تضاد درون خلق در ممالک سرمایه‌داری استفاده کند، ولی تنها با درک این مسئله که این استفاده تاکتیکی از دشمن است و بنا بر این باید با افشاگری کامل و وسیع همراه باشد.

*- نوشته فوق یکی از طرح‌های پیشنهادی خطامشی مطروحه در کنگره دهم کنفدراسیون می‌باشد که از طرف دایره انتشارات، فدراسیون ایتالیا تکثیر شده است، طبیعتاً چاپ این نوشته دلیل بر قبول یا عدم قبول مواضع فوق از طرف دایره نمی‌باشد و تنها به خاطر بحث در واحدها و به خاطر کمک به بهتر انجام شدن برنامه مرکزی فدراسیون (دقیق‌تر کردن خطامشی، کنفدراسیون) مصوبه جلسه چهارم شورایی در سازمان‌ها می‌باشد.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (نظریه "تضاد شکل با محتوی" بهانه‌ای برای نفی ماهیت توده‌ای کنفدراسیون جهانی و قبضه کردن رهبری آن)

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی دائره تشکیلات ماینس

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

دائره تشکیلات

ماینس

طرح پیشنهادی برای رفم تشکیلاتی تقدیم به کنگره دهم در کالسروهه ۱۹۷۰/۶۹

جنبش دانشجویی ما بمثابة بخشی از جنبش خلق ایران تا بحال درچار چوب رسالت خود يك مرحله از رشد را پشت سر گذشته و تا كنون به موفقیت‌های شایسته‌ای نائل گردیده است.

این جنبش در پروسه رشد خود شكل تشکیلاتی بخود گرفت و همانطور يکه در این دوره تاریخی لازم بود بیک جنبش ضد امپریالیستی تبدیل گشت.

هم اکنون توده‌های تشکیل دهنده جنبش دانشجویی کم و بیش باین نتیجه رسیده‌اند که دیگر شكل تشکیلاتی موجود جوابگوی خواسته‌های طبیعی آنها نیست و تغییراتی در جهت از بین بردن موانع لازم بنظر میرسد.

کنگره نهم کنفدراسیون و سمینارهای مختلف فدراسیونی و کنفدراسیونی اکثرا شاهد ضروری بودن تخییراتی در فرم تشکیلاتی جنبش بوده‌اند. بطور کلی اشکالات فرم سازمانی کنفدراسیون را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱- فرم تشکیلاتی واحد ها جوابگوی احتیاجات نبوده و میبایست تخییرات اساسی پیدا کند.

۲- شورای عالی يك ارگان بدون فونکسیون میباشد.

۳- حجم کار هیئت دبیران زیاد شده و انجام کارها از عهده پنج نفر خارج است.

۴- فرم تشکیلاتی جنبش با محتوی توده‌ای آن در تضاد است.

۵- فدراسیونها بیک ارگان بورکراتیک تبدیل شده‌اند.

بنا بر این بمنظور تطبیق فرم سازمانی جنبش با محتوی آن بایستی ارگانهای زائد را از میان برداشت و ارگانهای بورکراتیک را با تخییر فرم به ارگانهای خلاق تبدیل کرد و شرایط لازم را برای توده‌ای کردن فرم تشکیلاتی جنبش فراهم نمود. در زیر موارد ذکر شده بالا يك بیک تحلیل خواهد شد.

۱- واحد های شهری با فرم فعلی خود در بسیاری از موارد تبدیل به محفل های بحث بدون ثمر و بعضی مواقع حتی سر شده‌اند، بجز بحثهاییکه در زمینه فرهنگی انجام میگیرد. در نتیجه تشکیل کمیسیونهای مختلف در واحد ها در سالهای اخیر تا حدودی بر خلاقیت سازمانها افزوده شده است. ایجاد کمیسیونهای مستمر و مختلف در رفع این احتیاج کمک فراوان نموده و از طرف دیگر نفوذ بعضی از عوامل مخرب وابسته به ارتجاع را حتی الامکان کمتر خواهد کرد. بطور کلی بایستی شرایینی را فراهم نمود که جلسات تشکیلاتی مجمع عمومی کمتر تشکیل شده و بجای آن بیشتر کارها به کمیسیونها واگذار گردد.

تشکیل کمیسیونها، اعضا را وادار به کار خلاق خواهد نمود و به عده بیشتری از توده های دانشجویان امکان شرکت مستقیم در تصمیمات سازمانی و اجرای آنها خواهد داد.

۲- شورای عالی عملا تا بحال فقط به اعتبار نامه های نمایندگان رسیده گی کرده است که البته رسیده گی به اعتبار نامه ها بوسیله شورای عالی کنونی همواره وقت زیادی از کنگره را گرفته است و لذا انجام اینکار نیز از عهده این ارگان خارج است و بایستی این وظیفه را به ارگان دیگری محول کرد. نتیجتا اینکه شورای عالی بفرم فعلی خود بعنوان ارگان ضرورتی ندارد.

۳- بدیهی است که با رشد جنبش و ازدیاد وظایف عمومی آن بر حجم کار رهبری نیز افزوده گشته است و هیئت دبیران پنج نفری نیز تا بحال عملا بتمنهایی موفق به انجام وظایف خود نمی شده‌اند و ناچار با تشکیل کمیسیون ها عده ای همکاری میکرده‌اند. چرا که با رسمیت بخشیدن کادر رهبری از طریق سازمانی به این احتیاج فایده مند جواب مثبت ندیم.

مسئله دیگری که در حال حاضر مطرح است نا هماهنگی فعالیتها و اختلاف سطح آگاهی توده های تشکیل دهنده کنفدراسیون در واحد های فدراسیونی مختلف میباشد . علت اصلی عقب ماندگی برخی از فدراسیون ها را میتوان در این دید که اعضا هیات دبیران تا بحال بجز در مورد استثنائی اکثر از يك یا حد اکثر دو واحد فدراسیونی انتخاب می شدند طبعاً دامنه فعالیت هیات دبیران در اولین حله در محل اقامت و سپس در واحد فدراسیونی گسترش پیدا نموده است . این موضوع سبب خواهد شد که اختلاف سطح فعالیت و سطح آگاهی بیشتر شده و در ضمن از اینکه اکثر واحد های فدراسیونی تا بحال مسئولیتی در سطح رهبری کنفدراسیون نداشته اند کم کم به بخشهای گند روی جنبش دانشجویی تبدیل شده اند . پس بنا برین بایستی ترتیبی داده شود که واحد های فدراسیونی همگی در رهبری کنفدراسیون شرکت جسته و بمنظور تقسیم کار منطقی و هماهنگ سا ختن واحد ها در سطح جهانی بهمه واحد های فدراسیونی مسؤلیت بخشی از کارهای رهبری واگذار گردد .

اصولاً تقسیم کار رهبری کنفدراسیون و تشکیل کمیسیونهای مختلف بر مبنای شرایط واحد های مختلف فدراسیونی يك تقسیم کار کشوری بایستی باشد نه اینکه مسؤلیت انجام کارهای کنفدراسیون به يك یا دو واحد فدراسیونی محدود شود . تقسیم کار رهبری بصورت کشوری (فدراسیونی) واحد های فدراسیونی را هماهنگ خواهد نمود . دامنه فعالیت کنفدراسیون را همه جا نبه تر و وسیع تر میکند و در تقویت کار در تئوری کنفدراسیونی اثر بسزائی خواهد داشت .

۴ - فورم تشکیلاتی کنفدراسیون متاسفانه دچار این ضعف بوده است که مصوبات و تئوریهای آن اکثر با زگو کننده نظریات عده معدودی از فعالان کنفدراسیون بوده و بهمین دلیل هم بسیاری از مصوبات و نظریات فقط بر روی کاغذ آورده شده و بعمل در نیا مده اند . ما من تبدیل تئوری بعمل این است که تئوری در نتیجه تجربیات توده ها کسب شده و بوسیله خود آنها بمرحله عمل در آید . زیرا فقط در این صورت است که توده تئوری را بر مبنای درک خود میپذیرد و آنرا نیز لازم میدانند و لذا آنرا بعمل هم تبدیل خواهند کرد .

البته در اینجا بایستی درک صحیحی از توده ها داشت . و آنرا در چهار چوب جنبش دانشجویی و سا زمان آن کنفدراسیون فهمید . کنفدراسیون بمثابة يك سا زمان دمکراتیک و توده ای دانشجویی که متاسفانه دامنه فعالیت وسیع آن بحالت شرایط اختناق در ایران بخارج از کشور محدودی شود نبایستی با شبهه ملی ملت در داخل ایران عوضی گرفت . چنانچه کسی دچار چنین اشتباهی شود در عالم ذهنیگری غرق خواهد شد . وبدون شك هم بنتایج انحرافی درباره کل جنبش دانشجویی خواهد رسید . (برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهات لازم به تذکرست که روشن فکران ایرانی در پروسه انقلابی خلق در ایران و تحت شرایط کاملاً جدا گانه ای وظایف حساس و مهمی خواهند داشت ولی این را هم نیز بایستی بوضوح دید که ما تا زمانیکه در خارج هستیم و شرایط عینی و ذهنی محیط کار ما کاملاً متفاوت است دنیا له رو مبارزات خلق هستیم و نه هدایت کننده آن . وظایف ما هم در این چار چوب قابل فهم میباشد . توده های متشکل در کنفدراسیون عبارتند از دانشجویان علاقمند و فعال جنبش دانشجویی وابسته به خلق (و نه ضد خلق) که دارای مسلکهای متفاوت بوده و درباره پدیده ها نظریات یکسان ندارند ولی در حدود مرزهای تعیین شده ویا تعد فحای مشترک و در کنار یکدیگر مبارزه می کنند . جنبش دانشجویی ما بمنظور وسعت بخشیدن دامنه فعالیت خود چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی باید فرم تشکیلاتی داشته باشد . که شرکت هر چه بیشتر توده ها را در تقسیم درباره خلوط عمومی جنبش امکان پذیر نماید .

در کنگره سالانه کنفدراسیون هر سال تعداد بیشتری از اعضا شرکت میکنند در سالیکه کنگره و فرم فعلی آن امکان شرکت مستقیم این توده ها را در تصمیمات آنان نمیدهد . رشد کنفدراسیون بیش از آنست که بتوان تمام مسائل مربوط به جنبش را در يك کنگره همگانی (با شرکت بهمه واحد ها) مطرح سا خته و راه حلهای پیدا نمود که مورد تأیید توده ها باشند .

در کنگره ای که پنجاه واحد شرکت میکنند و در کمیسیونهای تعیین کننده خطوط عمده نهضت بیست و پنج نفر شرکت میکنند ، هنوز تنها عده معدودی در بخشها بطور وسیع شرکت جسته و اکثریت بطور مضرب کنند . باقی میمانند . اینکه بعضی معتقدند که بایستی همه اعضا شرکت کنند در کمیسیونهای کنگره . (حتی اگر نمایند . هم نباشند) حق رأی داشته باشند . فرم قضیه است و حق فوق العاده ای را برای شرکت کنندگان غیر نماینده بوجود نمیآورد . آنچه مسلم است خلافت در رأی دادن نبوده بلکه با تفکر و دقت بمسائل نهضت بر خورد نمودن و مشکلات جدید را مطرح ساختن . در واقع تنها در نتیجه برخورد عقاید و آراء احتیاجات نهضت با دقت بیشتری کشف شده و راه حل آنها آسانتر بدست میآید . شرکت در بخشهای کمیسیونهای کنگره کنفدراسیون تا بحال نیز برای همه آزاد بوده ، لیکن عملاً انجام نگرفته است . بنظر ما بحث خلاق و همه جانبه و شرکت مستقیم توده ها در تصمیمات فقط در پایه های کنفدراسیون یعنی واحدی شدن و حد اکثر واحد های فدراسیون نی امکان پذیر بوده و در یک کنگره وسیع و درست در اینجا است که میتوان بصرف تشکیلاتی جنبشی پی برد ، بدین معنی که کنگره های فدراسیونها یعنی ارگانهایی که امکان شرکت عده بیشتری را در تصمیم و اظهار می دهند تسخیر نموده ایم و در عین و بطور مکانیکی کنفدراسیون توسعه بی پایان بخشیده ایم ، در حالیکه این ارگان توسعه یافته توده ای ساختن کنگره کنفدراسیون را نامیسر میسازد . تحلیل دقیق این پدیده از حوصله این مقاله خارج است ، کافی است اشاره شود که در ابتدای پروسه رشد جنبش دانشجویی باطل مرکزیت اهمیت فوق العاده داده شده است ، در حالیکه در مقطع زمانی فعلی جنبش ما با خصلت توده ای دموکراتیک خود با مرکزیت سازمانی قوی در تضاد قرار گرفته است . و لذا رشد جنبش ایجاب مینماید که این تضاد را بنفع دموکراتیزه و توده ای کردن حل کنیم . نتیجتاً سروری خواهد بود که مرکز ثقل وظایف بکنگروه های واحد های فدراسیونی انتقال داده شود و در عین بر تعداد سمینار های وسیع در سطح کنفدراسیونی - افزوده گردد ، در این صورت صرف نظر از اینکه از ارگانهای فدراسیونی از حالت بروکراتیک به خلاق تبدیل میشود . پایه های توده ای کنفدراسیون تقویت شده و بطور نسبی عده بیشتری میتوانند در کمیسیونها شرکت نموده و خلا قانه شرکت نمایند ، زیرا تعداد شرکت کنندگان در کنگره هر واحد فدراسیونی بمراتب کمتر از کنگره - کنفدراسیون خواهد بود . در حالیکه کنگره های فدراسیونها صلاحیت بیشتری را خواهند یافت . البته این بدان معنی نیست که کنگره کنفدراسیون وظیفه عمده ایرا نخواهد داشت . بلکه بعکس کنگره کنفدراسیون بلا ترین مرجع تصمیم گیرنده و تعیین کننده خطوط عمومی جنبش خواهد ماند . لیکن از آنجا که خطوط کلی جنبش نمیتوانست در ساله تعیین یابد ، در قدرت نهضت دانشجویی است که بتواند خطوط عمومی و - عمده فعالیت خود را برای چند سال آینده (مثلاً هر سه سال یکبار) تعیین کند . در این صورت وظیفه واحد های فدراسیونی این خواهد بود که با تبادل نظر و وسیع خطوط عمومی جنبش را بشرايط مکانی خود تطبیق داده و آنرا ویژه تر گردانند . نظریات موجود در جهت تغییر و تکمیل خطوط عمومی جنبش در داخل کنگره ها فدراسیونها (صرف نظر از واحد ها و سمینار ها) مورد بحث قرار گرفته و برای تصمیم نهائی بکنگروه کنفدراسیون ارائه میشوند . لذا متذکر است که در صورت فاصله زمانی تشکیل کنگره های فدراسیونی بایستی بمراتب کمتر از کنگره های کنفدراسیونی باشد . بدیهی است که انتخاب رهبری کل کنفدراسیون هم از طریق کنگره فدراسیونها انجام پذیر خواهد بود . و این درست مکمل فرم صحیح تقسیم کار رهبری در سطح تمام واحد های فدراسیونی میباشد . بعلاوه انتخاب هیئت دبیران (شورای اجراییه مرکزی) در کنگره های کنفدراسیون که هر سال یکبار تشکیل میشود ، با این اصل که کنفدراسیون بعنوان یک سازمان توده ای نمیتواند و نباید فونکسیون تربیت کند مغایرت دارد و بطور کلی نمیتوان از یک دانشجو که برای گذراندن دوره تحصیلات خود در خارج که احتمالاً ۷ الی ۸ سال طول میکشد توقع داشت که سه سال آن در کادر رهبری کنفدراسیون بگذراند . با کوتاه بردن مدت مسئولیت ، اضافه کردن اعضا کادر رهبری و مجبور ساختن عده ای دانشجو که بطور مصنوعی سالهای زیادی را در کادر رهبری کنفدراسیون بسر ببرند ، بر کار آزمودگی عده بیشتری - افزوده شده ، از ایجاد اختلاف عمیق - در سطح آگاهی و چه در فعالیت بین کادر رهبری و اعضا - جلوگیری خواهیم نمود . بطور کلی کنفدراسیون را در طی یک پروسه طولیل بیک جنبش توده ای و خلاف تبدیل خواهیم نمود .

۵- از آنجا که در باره بروکراتیزه شدن فدراسیون ها در بالا بحث کافی بحث شده از تکرار این مقوله خود - داری میشود .

در زیر بر مبنای تحلیل فوق از حاجت کنونی نهضت دانشجویی طرح فرم جدید سازمانی پیشنهاد میشود :
امید است تا شروع کنگره کنفدراسیون با بحث همه جانبه در واحد ها ، نکات صحف احتمالی آنرا شناخته و در کنگره به ترمیم و تکمیل آن بپردازیم .

ارگانهای کنفدراسیون جهانی عبارتند از :

واحد شهری ، کنگره فدراسیون ، هیئت دبیران فدراسیون ، شورای اجرائیه مرکزی کنفدراسیون و کنگره کنفدراسیون جهانی .

الف - واحد های شهری - ۱- هر واحد شهری باید حد اقل ۱۵ نفر عضو داشته باشد ، والی بصورت واحد وابسته خواهد بود .

۲- هر واحد شهری به پنج کمیسیون تقسیم میشود . کمیسیونها عبارتند از :

فرهنگی - دفاع - انتشارات و تحقیق - ورزشی و هنری - تشکیلات و مالی .

تبصره - در صورتیکه اعضا یک واحد برای تشکیل پنج کمیسیون فوق کافی نباشند ، میبایست حد اقل سه کمیسیون فرهنگی - دفاع - تشکیلات و مالی تشکیل شوند .

۳- وظایف کمیسیونها

کمیسیونها فرهنگی - دفاع - انتشارات و تحقیق مصوبات کنگره را در واحد ها با توجه به مشخصات ویژه ای هر واحد پیاده میکنند . کمیسیون ورزشی و هنر موظف به تنظیم برنامه های ورزشی و هنری برای دانشجویان مقیم در محل واحد و همچنین برگزاری جشنهای عید نوروز ، مهرگان و غیره میباشد .

کمیسیونهای فرهنگی - انتشارات و تحقیقات - دفاع - ورزشی و هنری - مسئولیت خود را از ۱ تا ۲ نفر انتخاب نموده و مجموع این مسئولین کمیسیون تشکیلات و مالی را تشکیل میدهند ، کمیسیون تشکیلات و مالی در واقع وظایف هیئت کارداران محلی را بعهده خواهد داشت .

کمیسیون تشکیلات و مالی موظف است بین کمیسیونهای دیگر هماهنگی بوجود آورده و با کنترل ، اجرای مصوبات کنگره در کمیسیونها را تضمین کند . بعلاوه بحث در باره خط و مشی کنفدراسیون و اساسنامه کنفدراسیون و واحد محلی در مواقع لزوم از وظایف این کمیسیون میباشد .

اعضا کمیسیونها میتوانند در کنگره شرکت نموده و در کمیسیون مربوطه ثبت نام نمایند و با شرکت مستقیم در بحث خلافت در تدوین برنامه کمیسیونهای کنگره سهیم باشند .

۴- مجمع عمومی (جلسات تشکیلاتی)

در موارد لزوم و تحت نظر هیئت کارداران واحد (کمیسیون تشکیلات و مالی) تشکیل خواهد شد . وظایف مجمع عمومی عبارتست از بررسی مواردی که به تمام کمیسیونها و اعضا مربوط است و همچنین انتخاب نماینده یا نماینده گان واحد برای شرکت در کنگره و یا کمیسیونهای منطقه ای و امثال آنها .

مجمع عمومی کاندیدها را به ترتیب زیر جهت کنگره انتخاب میکند :

۱- به نسبت هر ۱۵ نفر عضو واحد یک نماینده می تواند انتخاب شود .

۲- چنانچه واحدی بیش از یک نماینده داشته باشد ، نمایندگان بایستی از کمیسیونهای مختلف انتخاب شوند

۳- سازمانیکه تعداد اعضا آنها بیش از ۱۵ نفر است و اعضا اضافی آن مقیاس ده نفر را پر نمیکند ، با داشتن بیش از ده (۱۰) نفر عضو اضافی حق یک نماینده اضافی دارند .

تبصره ۱- چنانچه سازمانی بتواند بیش از پنج نماینده بدهد ، نمایندگان دیگر نیز میبایست از کمیسیونهای مختلف انتخاب شوند .

ب- کنگره فدراسیون *

کنگره کلیه واحدهای فدراسیونی عضو کنفدراسیون در ساله یکبار و در زمان واحد (در ظرف یکماه) تشکیل میشود *

۱- وظایف کنگره واحدهای فدراسیون • کنگره هر واحد فدراسیونی علاوه بر رسیدگی به کار یکساله - مسئولین میبایست با تصویب برنامه های جدید اسکا لات و تضاد های موجود را رفع نموده و برنامه جدیدی را تدوین نماید • چنانچه تخیراتی در فرم و محتوی جنبش لازم بنظر میرسد میبایست ابتدا در کنگره های فدراسیونها در این زمینه با تصویب پیشنهادات مشخص زمینه را برای طرح تخیرات لازم در کنگره کنفدراسیون آماده نمایند *

۲- از وظایف مهم کنگره فدراسیون انتخاب هیات دبیران فدراسیون و نمایندگان کشوری جهت شورای اجراییه مرکزی کل (هیات دبیران فعلی) کنفدراسیون میباشد • هر یک از واحدهای فدراسیونی موظف اند حد اقل دو نفر را بعنوان نماینده فدراسیونی برای شرکت در شورای اجراییه مرکزی انتخاب نمایند • چنانچه یک واحد فدراسیونی بیش از ده واحد عضو دارد میبایست در مقابل هر پنج واحد بعدی یک نماینده جهت عضویت در شورای اجراییه مرکزی انتخاب نمایند • بدین ترتیب مثلاً از فدراسیونهای اطریش • ایتالیا و ترکیه هر یک دو نماینده و از فدراسیونهای آلمان و امریکا مقدار - بینتری در شورا عضویت خواهند داشت • فدراسیون امریکا بحالت فاصله زیاد از اروپا اجباری به - انتخاب بیش از دو نماینده جهت شرکت در هیات دبیران ندارد ولی می تواند در مقابل هر پنج واحد - اضافی از ده واحد اصلی یک نماینده انتخاب کند *

تبصره - چنانچه در کشوری فدراسیون وجود ندارد ولی یک واحد عضو کنفدراسیون موجود است - واحد مذکور می تواند در مجمع عمومی خود که همزمان با کنگره بقیه واحدهای فدراسیونی تشکیل میشود در صورتیکه بیش از پنجاه عضو داشته باشد یک نفر را برای شرکت در رهبری کنفدراسیون انتخاب نماید • در غیر اینصورت واحد مزبور موظف است در کنگره نزدیکترین کشور محل یک فدراسیون شرکت نماید • و بدیهی است که این واحد از تمام حقوق واحدهای عضو فدراسیون برخوردار خواهد بود *

ج - شورای اجرایی مرکزی کنفدراسیون - شورای مرکزی از نمایندگان منتخب کنگره های فدراسیونها تشکیل خواهند شد • و مدت یکسال مسئول انجام امور و وظایف محوله خواهند بود • تذکر - با توجه به شرایط فعلی کنفدراسیون و طریق تعیین اعضاء شورای اجراییه مرکزی حد اقل سیزده نفر و حد اکثر بیست و نفر خواهند بود *

۱- وظایف شورای اجراییه مرکزی مختلف است هر چهار ماه حد اقل یکبار جلسه عمومی تشکیل دهد • شرکت اعضاء در جلسه عمومی شورا اجباری خواهد بود • در صورت لزوم و تقاضای دو پنجم از اعضاء شورا جلسه عمومی فوق العاده شورا تشکیل خواهد شد • برنامه کار جلسات عمومی شورای اجراییه مرکزی را این قرار است •

۱- مشخص کردن خطوط عمومی کار چهار ماه آینده بر مبنای خدمتی کل کنفدراسیون و مداخلات فدراسیونها شورای اجراییه مرکزی در زمینه وظایف مشترک مسئولیت مشترک دارند •

۲- برنامه کار چهار ماهه شورای اجراییه مرکزی از خطوط عمومی کار ریاستی چاپ و بنام واحد ارسال گردد •

۳- طرح پیشنهادی داتی در جهت هماهنگی ساختن مداخلات کنگره فدراسیونها طبق خدمتی کل کنفدراسیون

۴- تقسیم کار - شورای اجراییه مرکزی موظف است شش کمیسیون تشکیلات • دفاع • فرهنگی • انتشارات و تحقیق • امور بین المللی و مالی را تشکیل دهد • نمایندگان هر یک از واحدهای فدراسیونی موظف اند حد اقل یک کمیسیون را بر مبنای شرایط واحد خود تقبل کنند • با توجه باینکه در حال حاضر پنج واحد فدراسیونی عضو کنفدراسیون میباشد کمیسیون ششم را فدراسیونی قبول میکنند که حد اقل چهار نماینده در شورای اجراییه مرکزی داشته باشد • (طبق شرایط موجود فدراسیون آلمان و یا احتمالاً امریکا - مسئولیت دو کمیسیون را بعهده خواهند داشت •)

چنانچه واحد کشور غیر فدراسیونی (لندن و پاریس) حریک مستقیماً نماینده در شورای مرکزی داشته باشد با سند نمایندگی واحد ها با کمیسیون نزدیکترین واحد فدراسیونی همکاری خواهند کرد.

مسئولیت کارهای کمیسیونها جداگانه بوده و بعهده مسئولین کمیسیونهاست. کمیسیونها در برابر مسئولیت دوگانه خود یعنی از یکطرف کارهای کمیسیونی و از طرف دیگر شرکت در تعیین خطوط عمومی کار شورای اجرائیه مرکزی در کنگره های سالانه فدراسیونها بجا بگر خواهند بود.

کمیسیونها موظف اند گزارش کارهای خود را یکماه قبل از تشکیل کنگره واحد های فدراسیونی تهیه و به نام واحد ها ارسال دارند.

د - کنگره کنفدراسیون

۱- کنگره عالی ترین مرجع تصمیم گیرنده کنفدراسیون جهانی است و حداقل هر سه سال یکبار تشکیل میشود با تقابلی سه پنجم از واحد های کنفدراسیون کنگره فوق العاده تشکیل خواهد شد.

تدارک کنگره بعهده شورای اجرائیه مرکزی وقت خواهد بود.

۲- نمایندگان واحد ها جهت شرکت در کنگره کنفدراسیون مانند کنگره فدراسیون انتخاب خواهند شد.

۳- وظایف کنگره کنفدراسیون

۱- انجام کارهای تسکلاتی از قبیل رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان. تشکیل جلسات کنگره و غیره اعتبارنامه نمایندگان قبلاً وسیده شورای عالی مرکزی رسیدگی خواهد شد.

۲- بحث عمومی را به محله عملکرد کنفدراسیون از درکل از تشکیل آخرین کنگره به بعد.

۳- تقسیم کمیسیونهای ششگانه.

تسکلات، دفاع، فرهنگی، انتشارات و تحقیق، امور بین المللی و مالی و تقسیم بندی نمایندگان جهت شرکت در کمیسیونها. در کمیسیونها تمام علافندان و کنفدراسیون بخدمت اعیای کمیسیونهای مربوطه در واحد ها میتوانند در بحث شرکت کنند. ولی حق رای فقط با نمایندگان خواهد بود.

۴- ترویج یار د پیشنهادات کمیسیونها و بدین ترتیب تعیین خدمت و مشی جدید کنفدراسیون جهانی

۵- تمام پیشنهادات مربوط به اساسنامه و خدمت و مشی کنفدراسیون بایستی ماه قبل از صرف واحد ها به شورای اجرائیه مرکزی واصل شده باشد و شورای مرکزی پیشنهادات را چاپ و ما بین واحد ها توزیع کرد. بدشد - تذکر - بدیهی است که پس از رفع نکات ضعف و تسهیب این طرح کنگره یک هیات دبیران موقت انتخاب خواهد کرد. تا اینکه کنگره واحد های فدراسیون نمایندگان خود را معرفی نمایند.

رفقهای عزیز

در رابطه با بخشنامه ۱۵ نوامبر ۱۹۶۹ دبیرخانه تسکلات کنفدراسیون جهانی بدینوسیله شرح پیشنهادی دایره تسکلات فدراسیون آلمان به کنگره دهم را در اختیار واحد های کنفدراسیون قرار میدیم. از کلیه واحد ها میخواهیم شرح ها و نصرات پیشنهادی خود را برای بحث در سالانها هرچه زودتر به دبیرخانه کنفدراسیون ارسال دارند.

دبیرخانه تسکلات کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (نظریه "تضاد شکل با محتوی" بهانه‌ای برای نفی ماهیت توده‌ای کنفدراسیون جهانی و قبضه کردن رهبری آن)

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

دائرة تشکیلات

ماینس

طرح پیشنهادی برای رفرم تشکیلاتی- تقدیم به کنگره دهم در کارلسروهه ۱۹۷۰/۶۹

جنبش دانشجویی ما به مثابه بخشی از جنبش خلق ایران تا به حال در چارچوب رسالت خود یک مرحله از رشد را پشت سر گذاشته و تا کنون به موفقیت‌های شایسته‌ای نائل گردیده است.

این جنبش در پروسه رشد خود شکل تشکیلاتی به خود گرفت و همانطوریکه در این دوره تاریخی لازم بود به یک جنبش ضدامپریالیستی تبدیل گشت.

هم اکنون توده‌های تشکیل دهنده جنبش دانشجویی کم و بیش به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر شکل تشکیلاتی موجود جوابگوی خواسته‌های طبیعی آنها نیست و تغییراتی در جهت از بین بردن موانع لازم به نظر می‌رسد.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

جنبش دانشجویی ما به منظور وسعت بخشیدن دامنه فعالیت خود چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی باید فرم تشکیلاتی داشته باشد. که شرکت هر چه پیش‌تر توده‌ها را در تصمیم در باره خطوط عمومی جنبش امکان پذیر نماید.

در کنگره سالیانه کنفدراسیون هر سال تعداد بیش‌تری از اعضای شرکت می‌کنند در حالی که کنگره و فرم فعلی آن امکان شرکت مستقیم این توده‌ها را در تصمیمات به آنان نمی‌دهد. رشد کنفدراسیون بیش از آنست که به توان تمام مسائل مربوط به جنبش را در یک کنگره همگانی (با شرکت همه واحدها) مطرح ساخته و راه حل‌هایی پیدا نمود که مورد تأیید توده‌ها باشند.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

۳- پدیده‌ای است که با رشد جنبش و ازدیاد وظایف عمومی آن بر حجم کار رهبری نیز افزوده گشته است و هیئت دبیران پنج نفری نیز تا به حال عملاً به تنهایی موفق به انجام وظایف خود نمی‌شده‌اند و ناچار با تشکیل کمیسیون با عده‌ای همکاری می‌کرده‌اند. چرا که با رسمیت بخشیدن کادر رهبری از طریق سازمانی به این احتیاج قابل لمس جواب مثبت ندهیم.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

پس بنابراین بایستی ترتیبی داده شود که واحدهای فدراسیونی همگی در رهبری کنفدراسیون شرکت جسته و به منظور تقسیم کار منطقی و هماهنگ ساختن واحدها در سطح جهانی به همه واحدهای فدراسیونی، مسئولیت بخشی از کارهای رهبری واگذار گردد. اصولاً تقسیم کار رهبری کنفدراسیون و تشکیل کمیسیون‌های مختلف بر مبنای شرایط واحدهای مختلف فدراسیونی یک تقسیم کار کشوری بایستی باشد نه اینکه مسئولیت انجام کارهای کنفدراسیون به یک یا دو واحد فدراسیونی محدود شود. تقسیم کار رهبری به صورت کشوری (فدراسیونی) واحدهای فدراسیونی را هماهنگ خواهد نمود. دامنه فعالیت کنفدراسیون را همه جانبه‌تر و وسیع‌تر می‌کند و در تقویت کادرهای فدراسیونی اثر به سزائی خواهد داشت.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

۱- واحدهای شهری با فرم فعلی خود در بسیاری از موارد تبدیل به محفل‌های بحث بدون ثمر و بعضی مواقع حتی مضّر شده‌اند، به جز بحث‌هایی که در زمینه فرهنگی انجام می‌گیرد. در نتیجه تشکیل کمیسیون‌های مختلف در واحدها در سال‌های اخیر تا حدودی بر خلاقیت سازمان‌ها افزوده شده است. ایجاد کمیسیون‌های مستمر و مختلف در رفع این احتیاج کمک فراوان نموده و از طرف دیگر نفوذ بعضی از عوامل مخرب وابسته به ارتجاع را حتی الامکان کم‌تر خواهد کرد. به طور کلی بایستی شرایطی را فراهم نمود که جلسات تشکیلاتی مجمع عمومی کم‌تر تشکیل شده و به جای آن بیش‌تر کارها به کمیسیون‌ها واگذار گردد.

تشکیل کمیسیون‌ها، اعضای را وادار به کار خلاق خواهد نمود و به عده بیش‌تری از توده‌های دانشجویی امکان شرکت در تصمیمات سازمانی و اجرای آنها خواهد داد.

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (ادامه و پافشاری سیاست انحرافی "چپ" روها در نفی خصلت‌های کنفدراسیون جهانی)

رساله خط سیاسی جنبش و مسئله وحدت از سمینار منطقه‌ای مرکز

مجلس شورای اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رساله خط سیاسی جنبش و مسئله وحدت از سمینار منطقه‌ای مرکز
این سمینار در روزهای ۷ و ۸ ماه بهمن در شهر فراه برگزار گردید *

۱۳۷۰/۱۲/۹

رساله ای که ذیل خوانده می‌شود یکی از کتب و نوشته‌های انجمن فرهنگی شهر کارلوس و همکاران
انجمن فرهنگی فراه است که از آنجا که در همین بحث و روشن شدن که در مورد این رساله اشتقاق در
ما می‌بینیم و با این جهت این رساله در میان کارشناسان کارلوس و همکاران رساله یکی از کتب
های انجمن فرهنگی است *

دبیر مطبوعه فسیونکی و انتشارات فدراسیون محلی و دانشجویان ایرانی در آلمان

بسمولین مطبوعه ۱۳۷۰

که از طریق آن گفت و راسیون بدون تغییر محتوی مبارزه خود از درگیری حاد با رژیم در امان خواهند ماند . این راه برای خلع سلاح کردن کامل رژیم پیشنهاد میکند که :

" اگر در خط مشی قید شود که کنفدراسیون بنا به اصل متمم قانون اساسی که آزادی جمعیتها را مبارز میسازد و ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر که ترمیم دارد حق تشکیل جمعیت و اتحادیه برای افراد متبر است، بوجود آمده و از قوه، دانشجویان دفاع میسازد، آیا سؤال مامور سازمان امنیت بشود او برنمیگردد که آیا دولت شما این در ماده را قبول دارد ؟ "

توجه به همین چند سطر از مقدمه سخن چندین نکته را روشن میسازد :

در این ادبیر از خواستهای منفی و یا دار در چهار چوب قانون اساسی خبری نیست، بلکه خواستهای انحرافی بوده است. مورد قبول و اقرار میشوند و دفاع و مبارزه در جهت آنها تایید میگردند، تنها چند تاکتیک همراه (یا) ارائه میشود که در زیر سایه آنها میتوان کارها را بدون درد سر پیش برد و درست در همین جا است که خط سازشکاری آشکارا تبلی میگذرد. باید رفرومای شاه را در مجموعی قبول کرد. باید قبول کرد که رژیم و حتی مامورین سازمان امنیت قوانین اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر را میشناهند و بآن احترام میگذارند. تنها باید برای آنها روشن ساخت که ما هم رفتار این رفرومایا و قوانین مستقیم و تنها در اینجا و آنجا رژیم را بد قول میدانیم زیرا قادر به عملی ساختن برنامه پیشنهادی خود نشده است. - ارج دیگری نیز از طرف سازمان پاریس در کنگره خوانده شد که متأسفانه نه پیش از کنگره و نه پس از آن تکثیر نشده است. و با وجود اینکه نداشتن تابل بحث فراوان در این ارج وجود دارند، برخورد به آنها به بدب از انتشار آن واکتار خواهیم کرد.

اشاره‌ای به شرایط سیاسی مرحله کنونی

جنبشهای انقلابی خلقهای ویتنام، فلسطین، لائوس، تایلند، هندوستان و بسیاری از کشورهای عقب نگه داشته شده دیگر که یا در مرحله اوج گیری مبارزه و یا در حال تدارک آنند، نشاندهنده قطعی شدن سریع جهان در زمان ما است. این قطعی شدن دائما روشنتر میسازد که کلید حل تضادهای دوران ما در مرحله فعلی در درون این بخش از کشورهای جهان یعنی کشورهای متعلقه، اوقافی قرار دارد. کشور ما ایران یکی از کشورهای این منطقه است ولی اعضاء کنفدراسیون در اثر شرایط خاص خارج از کشور عدم امکان برخورداری از تماس مستقیم با مردم و رفتن بمیان آنان، عدم دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق از مسائل جامعه قادر به شناخت نسبتا دقیق جامعه امروزی ایران نیستند. مشک اساسی جنبش دانشجویی برای کشور در مرحله کنونی در همین نکته نهفته است.

این نکته را چندین امر دیگر نیز تشدید میکنند :

الف : تا کون از طرف کنفدراسیون، واحد ها و اعضاء آن بجای شناخت جامعه ایران، شرایط توده های غده آن کارگران و دهقانان و دیگر قشرهای آن یک کار سیستماتیک و برنامه انجام نگرفته، مطالقه و گوشش بخاطر یافتن راههای دیگر خبریایی تنها در این اواخر مورد توجه قرار گرفته اند.

ب : پائین بودن سطح آگاهی تئوریک اعضاء کنفدراسیون باضافه مشک کم اطلاعی، دیدهای گوناگونی در باره جامعه ایران در درون کنفدراسیون بوجود آورده است. نزدیک شدن این دیدها در سطح کنفدراسیون تنها در طی یک پروسه طولانی مطالعه و برخورد نظرات گوناگون امکان پذیر خواهد بود.

ج : کمبود اساسی در این جهت اینست که سازمان رهبری خلق و یا حداقل سازمانهای جنبی خلقی درون کشوری که کنفدراسیون از آنها مطلع بوده و با آنها رابطه داشته باشند وجود ندارند.

د : البته شناخت دقیق، تحلیل و ارزیابی جامعه ایران در شرایط فعلی نه وظیفه کنفدراسیون و نه در امکان آنست. مقصود از شناخت جامعه ایران در شرایط فعلی در چهار چوب کنفدراسیون آن چنان شناخت و تحلیل است که با کنفدراسیون امکان بهر بر پایه آن خط مشی خود را تدوین کند و وظائف مرحله ای خود را روشن سازد.

ه : مسلم است که اگر سازمان رهبری کننده خلق بوجود آید و از جامعه ایران ارزیابی دقیق بعمل آورد، شرایط دیگری بوجود میآید که ما را از بسیاری از فالیته ها و برنامه ریزیهای کنونی بی نیاز خواهد ساخت.

ولی با وجود کلیه کمبود ها، کم امکانش و نا دقیقیه ها، همین اطلاعات کنونی کافی است که بعضی از تضادهای اساسی جامعه ایران را تبیین نمود. کنگره دهم کنفدراسیون تضاد با امپریالیسم را بصورت یکی از تضادهای اساسی جامعه ما

شناخت. تضاد اساسی دیگر جامعه ما تضاد با قوای اسیستم است که هنوز در درون کشور راجسیون بر زمین آن بنواشی نرسیده ایم ولی کنگره کنگره راه یون دموکراتیک بودن را بعنوان یکی از خط های اساسی جنبش شناخته است و آنرا از اصول سه گانه آیه ایشنا می داند. اما خطی بر آمده از این خط خطی نظریه توده ها گریز یک برداشت تشکیلاتی و در جهت روابط دیون سازمانی بوده است و این در حالی که دموکراتیک بودن در واقع نه تنها خطی اساسی جنبش خلق ایران و مبارزات توده های مستکین آن است. و حتی که میگوئیم دموکراتیک بودن خطی جنبش است. این بدان معنی است که این جنبش در منافع توده های عده جامعه یعنی کارگران و دهقانان و در جهت رشد تاریخ و طبقات رشد یافته آن است. این جهت تنها میتواند حرکت بسیمت یک جنبش انقلابی همراه با صنعتی شدن ایران، مکانیزه کردن کشاورزی و در این مرحله مبارزه با قوای اسیستم باشد. اما طرح کردن اینکه گویا در اثر رفاههای شاه قوای اسیستم در ایران در حال نابودی است و ایران در حال نوعی صنعتی شدن است و وابسته است به صنعت اسیستم. صنعت اسیستم و پایه های اساس ارتجاع داخلی است. ساختن چند کارخانه و مونتاز و بعضی صنایع مصرف در ایران امری است که در رابطه با رشد جهانی صنعت و احتیاج اسیستم به رشد محدود و جوامع عقب افتاده و کمبختی آن در یافتن نیروی ارزان کار کاملاً طبیعی و عادی است و نباید تصور کرد که این تغییرات ساختاری قادر به تغییرات بنیادی در جامعه ما هستند. این تغییرات نه قادر به منتهی کردن کشور و نه از بین بردن قوای اسیستم در جامعه ما هستند. باید توجه داشت که تا هنگامیکه اکثریت عظیم مردم میهن ما در شرایط روستا و مناسبات ویژه آن زیست میکنند تضاد قوای اسیستم بصورت یکی از تضادهای اصلی جامعه ما باقی میماند. در اینجا نباید دچار انجماد فکری شد و تحت عنوان قوای اسیستم همان مردم کاسیک اوزبائی آنرا فبیرد. رفاههای شاه بطور عمده نشاند داده اینست که در روستای ایران شیک مالکیت تنها در سطح و آنهم بصورت دست بست شدن املاک و یا در مراحل بعدی دولتی شدن حاملخیز ترین آنها و حتی انتظام آنها بصورت پلانتاژهای عظیم در دست سرمایه داران خارجی است و بهیچ وجه نمیتواند بمنهای از بین رفتن قوای اسیستم و مناسبات خاص اقتصادی آن و بخصوص صنعتی شدن کشور باشد. آمریکای لاتین، کشورهای آسیای جنوب شرقی و کشورهای روستا اسیستم مناسبات تولید ملی در شگ بظاهر غیر قوای اسیستم آن است. صنعتی شدن کشور، رفاه و صنعتی شدن آنرا گریز از یک تضاد اساسی است که در اثر رفاه اسیستم و صنعتی شدن وابسته به تضاد های جامعه تغیر میکند، تضادهای تضاد های جدیدی بسته میشوند که به خاطر رسید به مرحله انفجاری بزرگ دوران چندین ساله و حتی چندین دهه محاله نیاز دارند و بنا بر این در این دوران رژیم قادر خواهد بود از طریق ایجاد کار و شلیفات و سیستم روی آن از وقوع فوری انقلاب و تغییر بنیادی جامعه جلوگیری نماید. در اینجا است که ما بازنویجی تجلی خود سازشکارانه برخورد میکنیم. زیرا با قالب شدن احتمالی این دید، مسلماً جریس محتو مبارزه جوی خود را از دست خواهد داد و با آنکه حد اقل کار که اردن آنرا برای مدتی ضروری خواهد دانست، زیرا جنبش و نیروهای مبارز آن چهاره ای جز در انتظار رشد تضاد های جدید مانند را نخواهند داشت. اینکه به این رفوها و سیاست جدید اسیستم و سیستم و از برای شرق و تاثیر هر چند سطحی آن در جامعه ایران باید از طرف کنفدراسیون نیز برخورد شود امری دیگر است که مورد تأیید نیروهای درون نهضت است و در رابطه با کار در جهت ایران، حتی بصورت وایفه میهم ما در می آید. مسلماً مطرح کردن این نظرات در کنفدراسیون اکثراً از موارد استثنائاً عادی آن که بگذریم. بیش از هر چیز در اثر کم اطلاعی ما از شرایط و مسائل جامعه ایران و اشکالات دیگری است که در غرض بر شمردیم و درست در همین جا است که سئاله "کار در جهت ایران" برانی گلیه جنبش بصورت امری شدیداً آهیاتی مطرح میگردد و مطرح ساختن هر طرح خطی و بهیچ وجه آن ناقص بوده و شناختن کار در این جهت شناختن درجه اهمیت این بخش حیاتی از فعالیت کنفدراسیون در مرحله فعلی است.

مسئله کار در جهت ایران

جنبش و انشجایی ایران بخشی از جنبش جهانی مردم ما را باید تصور را در خدمت مبارزه مردم بهیژه زحمتکشان میهن ما قرار دهد. (از دمویات کنگره مردم در باره کار در جهت ایران)

بنابر این در این زمینه باید توجه کرد که مقصود از قرار دادن جنبش و انشجایی در خدمت مردم فعالیت سازمانی دانشجویان و تشکیک در جذب بیشتر مردم و توده های گریز هر چه بیشتر است. بنا بر این شرکت مستقیم فرد و یا افرادی از دانشجوین و یا روشنفکران را نباید با فعالیت سازمانی روشنفکران و یا دانشجویان بصورت کل اشتباه کرد.

- ۴ -

روشن است که اگر کفدراسیون در طی یک کار سیستماتیک و دلولانی دید و شناخت نسبتاً دقیق نسبت به مسائل جامعه ایران در اعضا، خود ایجاد کند. این اعضا در هنگام بازگشت به ایران سادتر قادر به شرکت مستقیم در مبارزات مردم خواهند بود و این میتواند بهر حال یکی از نتایج با ارزش کار در جهت ایران باشد ولی باید توجه نمود که مبارزه یک عضو سابق کفدراسیون در نهضت درون کشور در سطحی بالاتر و در خارج از چهارچوب کفدراسیون صورت میگیرد و دیگر جزو فعالیتهای کفدراسیون و یا نهضت دانشجویی ایران بحساب نخواهد آمد. در حالیکه کفدراسیون باید بصورت سازمان تشکیل دهنده دانشجویان در خارج از کشور یاد رنظر گرفتن امکانات خارج از کشور و احتیاجات جنبش در درون کشور بر نامه ای در جهت مبارزه مردم تدوین و پیاده کند و در درجه اول در رابطه با این کار سازمانیست که باید هنوز مسائلی را روشن ساخت. جنبش دانشجویان ایران در اثر شرایط خاص بعد از کودتای ۲۸ مرداد بدو بخش خارج و داخل کشور تقسیم شده است. هر یک از این دو بخش دارای محیط و شرایط ویژه ای از مبارزه است. مردم ایران بدنیال شکست اوناکامیهای گذشته با استفاده از دستاوردهای گذشته نهضت در حال تدارک مبارزه نوینی بر ضد امپریالیسم و ستیاریان داخلی آن هستند.

ایجاد یک مشت تشکیلات و گروهها اولین گام در این جهت است. در طی چند سال گذشته بسیاری از این گروهها لورفته و دستگیر شده و از طریق دادگاههای فرمایشی و بزدانان افکندن در تحفه خفه شده اند. ولی لورفتن این گروهها بهیچ وجه دلیل بر از بین رفتن کلیه تلافی و بویژه شرایط ایجاد آنها نیست بلکه برعکس برخورد بیرحمانه رژیم به آنها، کوشش در پنهان داشتن این فعالیتها دلیل وحشت و آگاهی رژیم از وجود این زمینه عینی و ذهنی در جامعه ایران است. رویدادهای دستگیریها و مبارزات مردم کشور ما در طی چند سال گذشته نشان میدهند که این تلافیها تنها در میان یک قشر و یا یک طبقه بوجود نیامده. بلکه در درون کلیه طبقات و قشرهای خلق شکل میگیرند. گواه این مسئله مبارزات کارگران، دهقانان، روحانیون و روشنفکران در سالهای اخیر است. تشکیلات بخش خارجی جنبش در اثر شرایط نسبتاً مساعد خارج از کشور موجب رشد سازمانی این بخش از دانشجویان گشته است و امکان ایجاد کفدراسیون، سازمان واحد آنها را فراهم آورده است. امکانات نسبی کشورهای غربی، برای دانشجویان دست یافتن به گنجینه آثار انقلابی جهان و استفاده از آنها به نحو بارزی ساده میکند. از سوی دیگر کم امکانی سازمان امنیت در خارج از کشور برای این بخش وجود فعالیت در شرایط علنی را میسر میسازد.

در درون کشور برعکس دانشجویان نیز نایر دیگر قشرها و طبقات مردم هنوز قادر به ایجاد سازمان واحدی برای خود نگشته اند، ولی مسلماً گروههای پراکنده ای بصورتهای شدیداً مخفی مشغول تدارک فعالیت های آینده خود هستند. این گروهها به نحو بارزی در اثر نزدیک بودن با شرایط عینی کشور از رشد کیفی بیشتری برخوردارند و باور حتم این تلافیها نه فقط برای کفدراسیون بلکه برای همه یگر نیز ناشناخته اند و در نتیجه رابطه های بین آنها موجود نیست زیرا وجود سازمان امنیت و تسلا نسبی رژیم بر انواع امکان هر گونه فعالیت وسیع و رابطه متقابل و دبیتا ارگانیک را از آنها گرفته است. در اثر وجود این شرایط ناممکن محیط و بدو بخش داخل و خارج کشور نهضت دانشجویی گرچه در سالهای نخستین پایه گذاری کفدراسیون از طرف دانشجویان دانشگاه تهران نماینده گانی به کنگره های کفدراسیون فرستاده میشوند، ولی امروز در عمل این بخش از نهضت، بصورت دو بخش جدا از هم وجود دارند. روشن که گرچه هر یک از این بخشها میتوانند عملکرد ویژه خود را در نهضت عمومی مردم داشته باشند، ولی نقش آنها در جهت خدمت به جنبش عمومی مردم محدود است.

شرایط نهضت دانشجویی ایران را خلاصه میکنیم:

۱- نهضت مردم ایران هنوز بهر حال شگوفانه نرسیده و سازمان رهبری خلق بوجود نیامده است. در درون کشور در جهت تدارک مبارزه تلافیهای پراکنده ای در حال پسته شدن هستند. این تلافیها در شرایط مخفی و بدون اطلاع از همه یگر در حال تدارک فعالیت خود هستند.

۲- نهضت دانشجویی ایران به دو بخش خارج و داخل کشور تقسیم شده است. بخش خارجی آن دارای سازمان واحدی است و در شرایط علنی مبارزه میکند. بخش داخلی در شرایط مخفی بسر میبرد و قادر به ایجاد سازمان واحد خود نگشته است.

۳- سمت جنبش را این دو بخش و بدو آن یکسان است ولی محیط فعالیت و عملکرد آنها گوناگون و شکل فعالیت آنها مختلف است.

- ۵ -

بر پایه این واقعیات و با در نظر گرفتن اینکه اطلاعات ما از شرایط مشخص ایران بسیار ناچیز است باید برنامه کار در جهت ایران را قدم به قدم تدوین و تکمیل کرد. گام نخستین در این جهت غالب کردن این بینش است که وظیفه ما در این مرحله از مبارزه کوشش در جهت شناخت شرایط جامعه ایران تا آن حد که در شرایط خارج از کشور امکان پذیر است، میباشد و سپس باید سعی در یافتن کلیه امکانات و راههای بدست آوردن اطلاعات از مسائل کشور نمود.

مرحله بعدی بهر روش روشن ساختن امکانات و وظائف هر بخش از نهضت در خدمت جنبش عمومی مردم ایران است.

* * *

" کار در جهت ایران " هنوز برای کفدراسیون بصورت یک مسئله مطرح بوده و محتوی آن برای اکثریت توده های کفدراسیون ناروشن و جانیافته است. ایجاد یک بینش صحیح کار در جهت ایران نیاز به طرح صحیح مسئله، دقیق کردن آن و سپس روشن ساختن و تبلیغ آن در سطوح مختلف کفدراسیون دارد.

مسئله نا مگوئی شرایط محیط فعالیت، شکل سازمانی و عملکرد و بخش نهضت دانشجویی ایران و هدف اصلی جنبش یعنی قرار گرفتن در خدمت مبارزات مردم، از همان ابتدا کوشش در مطالعه امکانات ایجاد نوعی وحدت سازمانی دانشجویان داخل و خارج از کشور را مورد توجه قرار داد و در این رهرو بود که راههای مختلفی باور مشخص و یا پراکنده در کفدراسیون مطرح گشته اند.

ایجاد پیوند ارگانیک با در نظر گرفتن شرایط سیاسی کشور، رشد کفدراسیون و مبارزه علنی وحاد آن بر علیه رژیم ضد خلقی ایران با حفظ محتوی کفدراسیون در مرحله فعلی امکان پذیر نیست. بنا بر این ایجاد پیوند تشکیلاتی با بخش دانشجویی درون کشور تنها میتواندست از دو راه تحقق پذیرد، یا اینکه میبایستی سطح محتوی و شعارهای کفدراسیون را تا درجه مورد قبول رژیم پائین آورد و یا اینکه این رابطه ارگانیک را بصورت مخفی تحقق بخشید. راه اول یعنی عقب نشینی در برابر رژیم بخاطر فعالیت علنی در درون کشور یعنی انتخاب خط سازشکاری از طریق فعالیت مخفی است.

چنین راهی دانشجویان را از مردم و مبارزات آنها جدا کرده و آنها را در عمل مجبور به قیام هر نوع پیوندی با مردم نموده و نه عکس آن که هدف اساسی کفدراسیون و کار در جهت ایران است. این کار از طرف باقیمانده حزب توده تبلیغ میشود ولی از طرف توده های کفدراسیونی مورد ستاد است.

ایجاد پیوند ارگانیک با بخش درون کشور در ضمن حفظ خط مبارزه جویانه کفدراسیون در شرایط فعلی به دو دلیل اساسی امکان پذیر نیست:

- ۱- عدم وجود سازمان متشکل دانشجویان درون کشور.
 - ۲- عدم امکان هر نوع مبارزه علنی پیگیر دانشجویان در درون کشور با حفظ محتوی مبارزه جویانه کفدراسیون در شرایط فعلی
- دلیل اساسی عدم وجود سازمان واحد دانشجویان درون کشور شکوفان نبودن جنبش زحمتکشان بعنوان پشتهای خلقی مبارزات آنها در مرحله فعلی است. ایجاد پیوند بین کفدراسیون و جنبش عمومی مردم و پیوند ارگانیک با دانشجویان درون کشور، پیوندی به معنای وحدت تشکیلاتی سیاسی تنها با شکوفان شدن جنبش مردم و از طریق سازمان رهبری کننده آن امکان پذیر است. تنها در آن مرحله است که کفدراسیون میتواند بعنوان سازمان تشکیلی دهنده دانشجویان خارج از کشور از طریق پیوند ارگانیک با جنبش مردم و وظائف تعیین شده خود را در جهت خدمت به خلق و مبارزات آن انجام دهد. در مرحله فعلی وظیفه ما کوشش در جهت شناخت بیشتر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، سعی در شناختن و پژوهش زندگی، مشکلات و مبارزات مردم کشور و بطور عمده ایجاد بینش پیوند با نیروهای خلقی و کوشش در جهت یافتن راههای پشتیبانی فعال از مبارزات آنها است.
- بنا بر این وظیفه اساسی نهضت دانشجویی ایران " در خدمت مبارزه مردم و بویژه زحمتکشان میهن قرار گرفتن است و بر این پایه هرگز نهضت در مرحله تدارک و مبارزه مردم سعی در ایجاد بینش پیوند با زحمتکشان و مشغول کردن راههای پیوند و دقیق کردن شناخت از شرایط و امکانات خویش در چهارچوب این عملکرد است. ایجاد پیوند ارگانیک بین جنبش دانشجویی و مردم تنها در مرحله شکوفائی مبارزات مردم و از طریق سازمان رهبری کننده خلق امکان پذیر خواهد بود.
- شکل و طریق ایجاد این پیوند را از هم اکنون نمیتوان تعیین کرد و تنها با گسترش شناخت ما از جنبش و در طی پراتیک آینده روشن خواهد گشت. مشروط کردن امکان هر نوع شناخت ما به پیوند با دانشجویان درون کشور بصورت مطلق نادرست است، زیرا از سوئی هر گونه مطالعه و سعی در تحلیل مسائل جامعه ایران را قبل از ایجاد پیوند نفی میکند و از سوئی

- ۶ -

دیگر تصورات نادرستی نسبت به حدود امکانات هسته های دانشجویی درون کشور ایجاد ننماید. شناخت همه جا و ارزیابی شرایط کشور نه وظیفه و نه در امکان نهیست دانشجویی اقم از بخش داخلی و یا خارجی آن است. باور حسیم دانشجویان درون کشور در اثر تماس روزمره با مردم و زندگی کردن در شرایط داخل کشور قادر به شناخت بیشتری از مردم و مسائل آنها بوده و از امکانات مبارزه در کشور برداشتی نسبتی عینی دارند. ولی در اثر پراکندگی هسته های دانشجویی و عدم امکان تبادل نظر بین آنها و کمبود سازمان واحد، از امکانات آنها نیز گاسته میشود. در اینجا مقصود رد کوشش در جهت ایجاد تماس و یا رابطه با هسته های پراکنده درون کشور و سعی در کمک گرفتن از آنها بجا از شناخت مسائل جامعه مان نیست. بلکه هدف از بین بردن تصورات نادرست از امکانات این رابطه است. آن چنانکه گویا با ایجاد رابطه با چند هسته دانشجویی درون کشور از امکانات بی نهایتی در جهت شناخت مردم برخوردار خواهیم بود و این شرط اولیه شروع هر شناخت از جامعه ایران در محیط خارج از کشور است. مسلماً ایجاد رابطه با هسته های دانشجویی درون کشور امر ساده ای نیست. هنگامیکه خود این هسته ها در شرایط ترور و اختناق کشور از وجود همدیگر و ایجاد رابطه متقابل با هم امتنع میکنند، ایجاد پیوند از خارج از کشور امر بس مشکلتری خواهد بود. ولی در هر صورت تحقق چنین امری در جهت وظائف کنفدراسیون و در خدمت کار در جهت ایران است. ولی این تصور که گویا کنفدراسیون از خارج از کشور قادر به متشکل کردن دانشجویان درون کشور خواهد بود و یا سهم عمده ای در آن خواهد داشت، پربها دادن بی نهایت به جنبش دانشجویی خارج از کشور و در واقع قبول این نکته است که دانشجویان خارج از کشور از شرایط مبارزه درون کشور پیش از خود دانشجویان داخل کشور اطلاع دارند. چنین تصویری منجر به پراکندگی و شکست و کنفدراسیون را در عمل بسط باجراجویی میکشید. این نوعی انحراف از خط مبارزه جویانه کنفدراسیون است.

تعیین این مسئله در مرحله فعلی که باید ابتدا با بخش دانشجویی درون کشور پیوند برقرار کرد و پیوند با جنبش مردم مشروطه به این پیوند است؛ مسئله است نادرست و بدون پایه های عینی و بی تعیین تکلیف عجولانه و بیدلیل است. وظیفه ما در این مرحله استفاده از کلیه امکانات بخاطر بدست آوردن شناختی نسبی از شرایط جامعه ایران، مبارزات مردم و دفاع از آنها است. بدیهی است که در صورت امکان باید از طریق ایجاد تماس با دانشجویان درون کشور و دیگر تشکرها و هیئات جامعه در جهت این شناخت استفاده کرد. اینکه اینکه در هنگام شکوفان شدن مبارزات مردم پیوند با جنبش درون کشور چه شکلی خواهد داشت، امری که تعیین آن در مرحله فعلی نه آنچنان مبرم و نه امکان پذیر است.

خلاصه میکنیم:

۱- "جنبش دانشجویی ایران بعنوان بخشی از جنبش ملی مردم، باید خود را در خدمت مبارزه مردم بویژه زحمتکشان همین ما قرار دهد. این وظیفه تاریخی جنبش است."

۲- پیوند ارگانیک بین جنبش دانشجویی و جنبش مردم تنها در مرحله شکوفانی مبارزات زحمتکشان و از طریق سازمان زحیری تشنه خلق امکان پذیر خواهد بود.

۳- شکل مشخص این پیوند را تنها در آن مرحله از مبارزه میتوان تعیین کرد.

۴- وظیفه ما در این مرحله استفاده از کلیه امکانات بخاطر مطالعه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و شناخت زندگی مردم و مبارزات آنها است. در این جهت باید بخاطر مطالعه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور از کلیه امکانات از منابع دولتی گرفته تا ایجاد تماس با هسته های ملی درون کشور اقم از دانشجویی و یا غیر دانشجویی استفاده کرد. این تماسها در رابطه با این وظیفه مرحله ای مایعنی شناخت شرایط کشور است.

- توده ای بودن کنفدراسیون -

درک صحیح مشی توده ای کنفدراسیون تنها در رابطه با خصلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک بودن کنفدراسیون و در جهت حفظ خط مبارزه جویانه آن امکان پذیر است. تحت عنوان توده ای بودن باید از سوئی پیوند توده ای و بازتاب کردن خواسته ها، توده های عظیم زحمتکشان را فهمید و از سوی دیگر با مطرح کردن و روشن ساختن خصلت های ضد امپریالیستی و دمکراتیک جنبش برای توده ها، تعداد هر چه بیشتری از آنها را به هدفهای کنفدراسیون جلب و فعالین

- ۷ -

آنها را متشکل ساخت. بنا بر این در حین اینک سعی در جلب کلیه دانشجویان به جنبش در خدمت توده ای کردن آن است؛ متشکل کردن همه آنها در دنیرون سازمانها بصنوان عده ای به خط مبارزه جویانه کفدراسیون زیان وارد آورده و خط سازشکارانه را در کفدراسیون غالب خواهد کرد. توده های بودن کفدراسیون جهانی از خط سیاسی جامه هایران و مبارزات مردم بر علیه امپریالیسم و همسو بودن مبارزه کفدراسیون با آن ناشی میشود. یعنی در مرحله فعلی تنها سازمانی قادر به بسیج توده ها خواهد بود که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی منافع مردم مبارزه کند. این تصور غلطی است اگر خیال کنیم که مترادف کردن همه دانشجویان فقط به صرف دانشجوی بودن آنها قادر به توده ای کردن سازمان شود شده ایم. زیرا تجربه سازمانهای دولتی نشان داده است که در شرایط مرحله فعلی جامعه ما سازمانهای با عیار بالا یعنی پیچیده قادر به جلب توده های دانشجوی نخواهند شد. یعنی در یک کلام توده ای بودن هر سازمان در شرایط فعلی کشور ما تنها در جهت تهاجمات و استیلاهای محلی مردم و در رابطه با تضادهای اساسی جامعه ما امکان پذیر است. کفدراسیون بمثابة یک سازمان دانشجویی از منافع صنفی دانشجویان نیز دفاع نمیشد. ولی مطرح کردن این خواستها تنها در رابطه با خواستهای مرحله ای خلق و در جهت پیوند با زحمتکشان است. بنابراین توده ای بودن کفدراسیون دارای سه خصوصیت اصلی است.

۱ - بسیج توده ها به آثار تحقق منافعهای نهضت دانشجویی در خدمت به مبارزات مردم.

۲ - جلب و متشکل ساختن عناصر فعال و آگاه دانشجویان به سازمان.

۳ - تبلیغ و روشنگری در بین عناصری که هنوز جلب نشده اند.

۱- اتحاد عمل در کفدراسیون

عناصر متشکل در کفدراسیون دارای دیدهای متفاوت و نظرات گوناگون هستند. این دیدهای متفاوت در همه حال دلیل بر گرایش این افراد به این و یا آن تشکیک سیاسی نیست. برعکس بسیاری از اعضای کفدراسیون علیرغم تمایلات یا آن جنبش دارای دید گونه وابستگی سیاسی نیستند. این عناصر هنگامی در کفدراسیون قادر به همکاری متقابل خواهند بود که بین آنها بر اساس توافق بر روی اصول کفدراسیون در پایه و بر روی یک خط مشی ویر بامه در رمتداع زمانی مشخص اتحادی بخاطر عمل مشترک ایجاد گردد، نه بر پایه دید واحد سیاسی. بلکه بر عکس از آنها که در کفدراسیون و جنبش سیاسی وجود ندارد مبارزه بین دیدهای متفاوت درون کفدراسیون امری طبیعی و ضروری است. بنابراین اتحاد در کفدراسیون بر روی سطح مقطع مشترک و مبارزه بین سطوح غیر مشترک و بخاطر گسترش دادن سطح مشترک است. بدین ترتیب است که اتحاد و مبارزه بین جنبشهای درون کفدراسیون لازم و ملزوم یکدیگرند. مبارزه تداومی بین آنها همیشه در خدمت نزدیک کردن این دیدها به یکدیگر و ایجاد پایه های عالیترا اتحاد در مرحله بعدی است. بر این پایه است که میتوان گفت هر مبارزه تدارک اتحاد عالیترا و هر اتحاد بخاطر رشد کل سازمانها و در جهت تدارک برخورد مشخص و تدریجی ترین جنبشهای درون سازمان است. در طی رشد نهضت و محتوی مبارزات آن دیدهای درون آن نیز تدقیق تر شده و تکامل مییابند؛ ولی مسلما در طول این تکامل برخی از عناصر و جنبشها قادر به تداوم دادن خود با رشد سازمان نگشته و بر روی منفرد گشته و ارد خواهند شد و بدین ترتیب روشن است که از اتحاد دائم و همیشگی و متحد بین ملتوه نمیتوان سخن گفت.

اتحاد در کفدراسیون در پایه و بین عناصر تشکیل دهنده آن انجام میگیرد و این اتحاد از طریق مبارزه بین دیدهای متفاوت بوجود آمده و رشد میکند. این مبارزه و اتحاد باید در کلیه سلوح کفدراسیون و از طریق قابل درک کردن آن برای توده ها، دانشجویان با آگاهی و شرکت آنها انجام گیرد. اتحاد در بالا باضمی توده های کفدراسیون مخایرت دارد و باعث در ماندن توده های دانشجویان از کفدراسیون خواهد شد.

بدیهی است که اتحاد عمل تنها بین آن بینر حائ انجام پذیر است که خط مبارزه جویانه کفدراسیون را تأیید میکنند. زیرا این خط نمیتواند با هیچیک از گرایشهای سازشکارانه سطح مقطع مشترکی داشته باشد. بنابراین هر نوع همکاری هر چند کوچک با خط سازشکارانه کمک به ادامه حیات باز مانده های این خط ایجاد فضایی جدید برای آن و در یک دید در فزادت تقویت و احیای آن است. طرفداران خط سازشکارانه بخوبی آگاهند که در مرحله فعلی امکان غالب شدن این خط و تبلیغ بدین پرده آن وجود ندارد و از آنجاکه توده های آگاه و مرقی کفدراسیون در طی یک مبارزه طولانی قادر به منفرد کردن تنها و از بین بردن هر گونه فضای عمل برای ایشان نگشتاند. بنابراین همکاری و کمک آنها به بعضی از طرفداران خط مبارزه جویانه در کفدراسیون یک همکاری تاکتیکی و موقتیانه بقصد ایجاد زمینه برای سود جویی

- ۸ -

بای آتی و در جهت وارد کردن قدم قدم خط خویش است .
بدین ترتیب سادگی میتوان دید که مبارزه با این خط تا طرد کامل و جلوگیری از هرگونه احیای آن در صورتی
موفقیت آمیز خواهد بود که کلیه نیروهای مبارزه جوی نهضت از هر گونه اتحاد و همکاری و هر چند پاسیف
با آن دوری جسته و شیکری و مبارزه با آن را بی امان ادامه دهند .

خلاصه میکنیم .

- ۱ - عناصر تشکیل دهنده کنفدراسیون دارای بینشهای متفاوت هستند .
- ۲ - اتحاد در کنفدراسیون بین عناصر مدافع خط مبارزه جویانه کنفدراسیون و دارای گرایشهای گوناگون تنها
برای مدتی مدد دهد و برپایه یک خط مشی انجام میگیرد .
- ۳ - بین بینشهای درون سازمانی مبارزه و اتحاد بطور مداوم وجود خواهد داشت .
- ۴ - اتحاد در کنفدراسیون در پایه و میان عناصر آن و در همه سطوح انجام میگیرد .
- ۵ - اتحاد در کنفدراسیون تنها بین آن بینشهایی امکان پذیر است که از خط مبارزه جویانه آن پشتیبانی کنند
و هر گونه همکاری حتی پاسیف با خط سازشکاری در تحلیل نهائی تقویت گرایشهای سازشکارانه است .

* * *

همراه با دقیق کردن خط سیاسی نهضت دانشجویی ایران باید وظیفه عمده را تعیین نمود .
در شرایط فعلی باید نظر گرفتن آنچه که گفته شد " کار در جهت ایران " مسئله مرکزی کنفدراسیون است و
ایجاد دید کار در جهت ایران مبرم ترین وظیفه ما در این رابطه است . تنها با شناختن و تحقق بخشیدن به این
وظیفه خواهیم بود که کنفدراسیون قادر خواهد شد خط مبارزه جویانه خود را حفظ کند ، محتوی مبارزه خود را غنی تر
سازد و از رشد هر دید سازشکارانه در درون جنبش به طور قاطع جلوگیری کرده توده های دانشجویان را به سمت پیوند
با جنبش خلق رهبری کند .

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (ادامه و پافشاری سیاست انحرافی "چپ" روها در نفی خصلت‌های کنفدراسیون جهانی)

اتحاد

پیروزی

مبارزه

رساله خط سیاسی جنبش و مسئله وحدت از سمینار منطقه‌ای مرکز

این سمینار در روزهای ۷ و ۸ ماه مارس در شهر فرانکفورت برگزار گردید.

۱۹۷۰/۷/۹

رساله‌ای که ذیلا خوانده می‌شود از طرف یکی از کمیسیون‌های انجمن فرهنگی شهر کارلسروهه تهیه و در جلسه انجمن فرهنگی قرائت گردید. از آنجائی که در حین بحث روشن شد که در مورد این رساله اختلاف نظرهایی وجود دارد به این جهت این رساله سازمان کارلسروهه نبوده، بلکه رساله یکی از کمیسیون‌های انجمن فرهنگی است.

....

دبیرخانه فرهنگی و انتشارات فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان

برلن ماه مه ۱۹۷۰

خط سیاسی نهضت دانشجویی ایران

سمینارهای اخیر و کنگره دهم کنفدراسیون گواه جدیدی بر این مسئله است که در داخل نهضت دانشجویی مبارزه بین دو خط مبارزه‌جویانه و سازشکارانه همواره وجود خواهد داشت. در سرتاسر دوران زندگی کنفدراسیون مبارزه بین این دو خط به صورت‌های گوناگون و در سطوح مختلف در جریان بوده است. کلیه بینش‌های که در کنفدراسیون مطرح گشته و یا می‌شوند انحرافی از این دو خط هستند که در این و یا آن مرحله از مبارزه به وجود آمده‌اند. اگر در برخورد اول چنین به نظر می‌آید که گویا خطی جدید با هدف‌های دراز مدت و مشی پیگیر در حال ایجاد است، ولی همواره پس از یک دوره مبارزه و روشن شدن محتوی و ریشه‌های آن - متعلق بودن این بینش‌ها به یکی از این دو خط آشکار می‌گردد. بنابراین از هیچیک از این انشعابات که تنها در مرحله مشخص و محدودی از مبارزه به نحوی تجلی می‌کنند - نمی‌توان به عنوان یک خط جدید اسم برد. وظیفه ما در هر مرحله از مبارزه از سوئی دقیق کردن هدف‌ها و اصول کنفدراسیون و تعیین وظائف مبرم آن مرحله از مبارزه و از سوی دیگر مبارزه با بینش‌های انحرافی و دفاع از خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون است. بنابراین نباید تصور نمود که با غالب شدن خط سیاسی در برابر صنفی‌گری و خارج شدن قریب به تمام حاملین آن از جنبش خط سازشگری برای همیشه از بین رفته است.

مطرح کردن شعار سازمان صنفی یکی از اولین تجلیات خط سازشکاری در درون نهضت بود. مرحله بعدی این تجلی حرکت در جهت فعالیت در چهارچوب قانون اساسی کشور بود. امروز دیگر این مشی‌های انحرافی به طرزی قاطع از درون نهضت طرد شده‌اند. کنگره نهم کنفدراسیون نشان پیروزی بارز خط مبارزه‌جویانه در برابر خط سازشکاری بود.

بر طبق خط‌مشی مصوبه این کنگره، خواست‌های اکثریت عظیم دانشجویان ایرانی از خواست‌های عمومی مردم میهن ما جدائی‌ناپذیر است. ارضاء این خواست‌ها از طرف حکومت ضدملی و دست نشانده‌ای مانند رژیم فعلی ایران غیرممکن است. در نتیجه قشر دانشجو به مثابه بخشی از مردم همراه با توده‌های زحمتکش با رژیم موجود در تضاد بوده و جنبشی را به وجود آورده است. این جنبش - جنبشی دمکراتیک، ضدامپریالیستی و

توده‌ای است - سازمان از موضع ضدامپریالیستی و توده‌ای حرکت می‌کند و در جهت حل بنیادی این تضاد در مبارزات توده‌ای مردم شرکت می‌نماید. "بنابراین طبیعی است که نهضت دانشجویی ایران مستقیم تحت تاثیر جذر و مدهای نهضت ملی قرار می‌گیرد...".

ولی خط سازشکارانه هنوز هم به نوعی به زندگی خود ادامه می‌دهد و با تکامل مبارزه خط سازشکاری نیز پیچیده‌تر گشته و بازشناختن آن بفرنجتر می‌گردد.

در اینجا است که تنها با دقیق کردن بینش خود از وظائف کنفدراسیون این خط را نیز مجبور به آشکار شدن خواهیم کرد و این در کلیه بخش‌های عمده کنفدراسیون دیده می‌شود. در طی این نوشته ما سعی خواهیم کرد در هر قسمت با روشن کردن خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون برخوردهای سازشکارانه را نیز در هر مورد آشکار سازیم.

در کنگره دهم از طرف سازمان گراتس طرحی برای خط‌مشی کنفدراسیون ارائه داده شد کنگره تصمیم گرفت این طرح را همراه با دو طرح دیگر پیشنهادی آمریکا و پاریس بدون بحث تکثیر کرده و به خاطر طرح در سمینارهای آینده در اختیار مسئولین قرار گیرد. در مقدمه طرح گراتس خط سازشکاری به وضوح دیده می‌شود. در این مقدمه از جمله چنین می‌خوانیم:

"تشکیل و تجهیز توده‌ها علیه ستمگری هئیت حاکمه مستلزم افشای آن مواردی است که هئیت حاکمه در باره آن تبلیغ می‌کند ولی به آن عمل نمی‌کنند... آیا ساده‌تر نیست که در چهارچوب همین قوانین خواست‌های انقلابی توده‌ها را مطرح کرد که اولاً بسیج توده‌ها آسان‌تر و ثانیاً فشار هئیت حاکمه ضعیف‌تر خواهد بود".

طرح کنندگان این خط‌مشی قصد دارند از سوئی نشان دهند که طرفدار "خواست‌های انقلابی" توده‌ها و طرح آن هستند و خواستار حفظ مشی مبارزه‌جویانه کنفدراسیون می‌باشند و از سوی دیگر طرح کنندگان راه زیرکانه‌ای می‌شناسند (!) که از طریق آن کنفدراسیون بدون تغییر محتوی مبارزه خود از درگیری حاد با رژیم در امان خواهد ماند. این طرح برای خلع سلاح کردن کامل رژیم پیشنهاد می‌کند که:

"اگر در خط‌مشی قید شود که کنفدراسیون بنا به اصل متمم قانون اساسی که آزادی جمعیت‌ها را مجاز می‌شمرد و ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر که تصریح دارد حق تشکیل جمعیت و اتحادیه برای هر فرد معتبر است به وجود آمده و از حقوق دانشجویان دفاع می‌نماید. آیا سؤال مامور سازمان امنیت به خود او بر نمی‌گردد که آیا دولت شما این دو ماده را قبول دارد؟".

توجه به همین چند سطر از مقدمه طرح چندین نکته را روشن می‌سازد:

در اینجا دیگر از خواست‌های صنفی و یا کار در چهارچوب قانون اساسی خبری نیست، بلکه خواست‌های انقلابی توده‌ها مورد قبول واقع می‌شود و دفاع و مبارزه در جهت آنها تأیید می‌گردد، تنها چند تاکتیک ماهرانه (!) ارائه می‌شود که در زیر سایه آنها می‌توان همه کارها را بدون دردسر پیشبرد و درست در همین جا است که خط سازشکاری آشکارا تجلی می‌کند: (باید رفرم‌های شاه را در مجموع قبول کرد. باید قبول کرد که رژیم و حتی مامورین سازمان امنیت قوانین اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر را می‌شناسند و به آن احترام می‌گذارند. تنها باید برای آنها روشن ساخت که ما هم طرفدار این رفرم‌ها و قوانین هستیم و تنها در اینجا و آنجا رژیم را بد قول می‌دانیم زیرا قادر به عملی ساختن برنامه پیشنهادی خود نشده است) - طرح دیگری نیز از طرف سازمان پاریس در کنگره خوانده شد که متأسفانه پیش از کنگره و نه پس از آن تکثیر نشده است، و با وجود اینکه نکات قابل بحث فراوان در این طرح وجود دارند، برخورد به آنرا به بعد از انتشار آن واگذار خواهیم کرد.

اشاره‌ای به شرایط سیاسی مرحله کنونی

جنبش‌های انقلابی خلق‌های ویتنام، فلسطین، لاتوس، تایلند، هندوستان و بسیاری از کشورهای عقب نگهداشته شده دیگر که یا در مرحله اوج‌گیری مبارزه و یا در حال تدارک آنند، نشاندهنده قطعی شدن سریع جهان دوران ما است. این قطعی شدن دائماً روشنتر می‌سازد که کلید حل تضادهای دوران ما در مرحله فعلی در درون این بخش از کشورهای جهان یعنی کشورهای منطقه طوفانی قرار دارد. کشور ما ایران یکی از کشورهای منطقه است ولی اعضاء کنفدراسیون در اثر شرایط خاص خارج از کشور عدم امکان برخورداری از تماس مستقیم با مردم، رفتن به میان آنان، عدم دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق از مسائل جامعه قادر به شناخت نسبتاً دقیق جامعه امروزی ایران نیستند. مشکل اساسی جنبش دانشجویی خارج کشور در مرحله کنونی در همین نکته نهفته است

این نکته را چندین امر دیگر نیز تشدید می‌کنند:

الف: تاکنون از طرف کنفدراسیون، واحدها و اعضاء آن به خاطر شناخت جامعه ایران، شرایط توده‌های عمده آن، کارگران و دهقانان و دیگر قشرهای آن یک کار سیستماتیک و با برنامه انجام نگرفته، مطالعه و کوشش به خاطر یافتن راه‌های دیگر خبریابی تنها در این اواخر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ب: پائین بودن سطح آگاهی تئوریک اعضای کنفدراسیون به اضافه مشکل کم اطلاعاتی، دیدهای گوناگونی در باره جامعه ایران در درون کنفدراسیون به وجود آورده است. نزدیک شدن این دیدها در سطح کنفدراسیون تنها در طی یک پروسه طولانی مطالعه و برخورد نظرات گوناگون امکان پذیر خواهد بود.

خ: کمبود اساسی در این جهت اینست که سازمان رهبری خلق و یا حداقل سازمان‌های جنبی خلقی درون کشوری که کنفدراسیون از آنها مطلع بوده و با آنها رابطه داشته باشد، وجود ندارند.

البته شناخت دقیق، تحلیل و ارزیابی جامعه ایران در شرایط فعلی نه وظیفه کنفدراسیون و نه در امکان آنست. مقصود از شناخت جامعه ایران در شرایط فعلی در چهارچوب کنفدراسیون آن چنان شناخت و تحلیل حداقلی است که به کنفدراسیون امکان دهد بر پایه آن خطمشی خود را تدوین کند و وظائف مرحله‌ای خود را روشن سازد.

مسلم است که اگر سازمان رهبری کننده خلق به وجود آید و از جامعه ایران ارزیابی دقیق به عمل آورد، شرایط دیگری به وجود می‌آید که ما را از بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های کنونی بی‌نیاز خواهد ساخت.

ولی با وجود کلیه کمبودها، کم امکاناتی‌ها و نادقیقی‌ها، همین اطلاعات کنونی کافی است که بعضی از تضادهای اساسی جامعه ایران را تعیین نمود. کنگره دهم کنفدراسیون تضاد با امپریالیسم را به صورت یکی از تضادهای اساسی جامعه ما شناخت. تضاد اساسی دیگر جامعه ما تضاد با فئودالیسم است که هنوز در درون کنفدراسیون بر روی آن به توافق نرسیده‌ایم، ولی کنگره کنفدراسیون دموکراتیک بودن را به عنوان یکی از خصلت‌های اساسی جنبش شناخته است و آنرا از اصول سه‌گانه آن می‌شناسد. اما [ناخوانا] برداشت از این خصلت به طور عمده تاکنون یک برداشت تشکیلاتی و در جهت روابط درون سازمانی بوده است. ولی در حالیکه دموکراتیک بودن در حله نخست خصلت اساسی جنبش خلق ایران و مبارزات توده‌های ستمکش آن است. وقتی که می‌گوئیم دموکراتیک بودن خصلت جنبش است، این بدان معنی است که این جنبش در منافع توده‌های عمده جامعه یعنی کارگران و دهقانان و در جهت رشد تاریخ و طبقات رشد یابنده آن است. این جهت تنها می‌تواند حرکت به سمت یک جنبش انقلابی همراه با صنعتی شدن ایران، مکانیزه کردن کشاورزی و در این مرحله مبارزه با فئودالیسم باشد. مطرح کردن اینکه گویا در اثر رفم‌های شاه فئودالیسم در ایران در حال نابودی است و ایران در حال نوعی صنعتی کردن وابسته است، به علت عدم شناخت امپریالیسم و پایه‌های اساسی ارتجاع داخلی است. ساخته شدن چند کارخانه موتاژ و بعضی صنایع مصرفی در ایران امری است که در رابطه با رشد جهانی صنعت و احتیاج امپریالیسم به رشد محدود جوامع عقب افتاده و کوشش آن در یافتن نیروی ارزان کار کاملاً طبیعی و عادی است و نباید تصور کرد که این تغییرات سطحی قادر به تغییرات بنیادی در جامعه ما هستند. این تغییرات نه قادر به صنعتی کردن کشور و نه از بین بردن فئودالیسم در جامعه ما هستند. باید توجه داشت که تا هنگامیکه اکثریت عظیم مردم میهن ما در شرایط روستا و مناسبات ویژه آن زیست می‌کنند، تضاد با فئودالیسم به صورت یکی از تضادهای اصلی جامعه ما باقی می‌ماند. در اینجا نباید دچار انجماد فکری شد و تحت عنوان فئودالیسم همان مفهوم کلاسیک اروپائی آنرا فهمید. رفم‌های شاه به طور عمده نشاندهنده اینست که در روستای ایران شکل مالکیت تنها در سطح و آنهم به صورت دست به دست شدن املاک و یا در مراحل بعدی دولتی شدن حاصلخیزترین آنها و حتی افتادن آنها به صورت پلانتاژهای عظیم در دست سرمایه‌داران خارجی است و بهیچ وجه نمی‌تواند به معنای از بین رفتن فئودالیسم و مناسبات خاص اقتصادی آن و به خصوص صنعتی شدن کشور باشد. آمریکای لاتین، کشورهای آسیای جنوب شرقی نمونه‌های روشن این زیست مناسبات فئودالی در شکل به ظاهر غیرفئودالی آن است.

صنعتی شدن کشور بطور وابسته می‌تواند این گرایش را بوجود آورد که در اثر رفم ارضی و حرکت در سمت صنعتی شدن وابسته، تضادهای جامعه تغییر می‌کنند. تطفلهای تضادهای جدیدی بسته می‌شوند که به خاطر رسیدن به مرحله انفجاری به یک دوران چندین ساله و حتی چندین دهساله نیاز دارند و بنابراین درین دوران رژیم قادر خواهد بود از طریق ایجاد کار و تبلیغات وسیع روی آن از وقوع فوری انقلاب و تغییر بنیادی جامعه جلوگیری نماید. درد اینجاست که ما باز به نوعی تجلی خط سازشکارانه برخورد می‌کنیم. زیرا با غالب شدن احتمالی این دید، مسلماً جنبش محتوی مبارزه‌جوی خود را از دست خواهد داد و یا آنکه حداقل کنار گذاردن آنرا برای مدتی ضروری خواهد دانست، زیرا جنبش و نیروهای مبارز آن چاره‌ای جز در انتظار رشد تضادهای جدید ماندن را نخواهند داشت. اینکه به این رفم‌ها و سیاست جدید امپریالیسم و دستیاران اروپای شرقی و تاثیر هر چند سطحی آن در جامعه ایران باید از طرف کنفدراسیون نیز برخورد شود امر دیگری است که مورد تأیید نیروهای درون نهضت است و در رابطه با کار درجهت ایران، حتی به صورت وظیفه مبرم ما در می‌آید. مسلماً مطرح کردن این نظرات در کنفدراسیون اکثراً (از موارد استثنائات عمده آن که بگذریم) بیش از هر چیز در اثر کم اطلاعاتی ما از شرایط مسائل جامعه ایران و اشکالات دیگری است که در فوق بر شمرديم و درست در همین جا است که مسئله "کار درجهت ایران" برای کلیه جنبش به صورت امری شدیداً حیاتی مطرح می‌گردد و مطرح ساختن هر طرح خطمشی بدون توجه به آن ناقص بوده و شناختن کار در این جهت نشناختن درجه اهمیت این بخش حیاتی از فعالیت کنفدراسیون در مرحله فعلی است.

"مسئله کار در جهت ایران"

"جنبش دانشجویی ایران بخشی از جنبش ملی مردم ما باید خود را در خدمت مبارزه مردم به ویژه زحمتکشان میهن ما قرار دهد". (از مصوبات کنگره دهم در باره کار در جهت ایران).

به خاطر دقیق کردن مسئله باید توجه کرد که مقصود از قرار دادن نهضت دانشجویی در خدمت مردم، فعالیت سازمانی دانشجویان متشکل در جنب نهضت عمومی مردم و توده‌ای کردن هرچه بیش‌تر آنست. بنابراین شرکت مستقیم یک فرد و یا افرادی از دانشجویان و یا روشنفکران را نباید فعالیت سازمانی روشنفکران و یا دانشجویان به صورت کل اشتباه کرد.

روشن است که اگر کنفدراسیون در طی یک کار سیستماتیک و طولانی دید و شناخت نسبتاً دقیقی نسبت به مسائل جامعه ایران در اعضاء خود ایجاد کند، این اعضاء در هنگام بازگشت به ایران ساده‌تر قادر به شرکت مستقیم در مبارزات مردم خواهند بود و این می‌تواند به هرحال یکی از نتایج با ارزش کار در جهت ایران باشد. ولی باید توجه نمود که مبارزه یک عضو سابق کنفدراسیون در نهضت درون کشور در سطحی بالاتر و در خارج از چهارچوب کنفدراسیون صورت می‌گیرد و دیگر جزو فعالیت‌های کنفدراسیون و یا نهضت دانشجویی ایران به حساب نخواهد آمد. در حالیکه کنفدراسیون باید به صورت سازمان تشکیل دهنده دانشجویان در خارج از کشور با در نظر گرفتن امکانات خارج از کشور و احتیاجات جنبش در درون کشور برنامه‌ای در جهت مبارزه مردم تدوین و پیاده کند و در درجه اول در رابطه با این کار سازمانیست که باید هنوز مسائلی را روشن ساخت . جنبش دانشجویان ایران در اثر شرایط خاص بعد از کودتای ۲۸ مرداد به دو بخش خارج و داخل کشور تقسیم شده است. هر یک از این دو بخش دارای محیط و شرایط ویژه‌ای از مبارزه است. مردم ایران به دنبال شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته با استفاده از دستاوردهای گذشته نهضت در حال تدارک مبارزه نوینی بر ضد امپریالیسم و دستیاران داخلی آن هستند.

ایجاد یک مشت تشکلهای و گروه‌ها اولین گام در این جهت است. در طی چند سال گذشته بسیاری از این گروه‌ها لو رفته، دستگیر شده و از طریق دادگاه‌های فرمایشی و به زندان افکندن در نطفه خفه شده‌اند. ولی لو رفتن این گروه‌ها بهیچوجه دلیل بر از بین رفتن کلیه نطفه‌ها و به ویژه شرایط ایجاد آنها نیست، بلکه برعکس برخورد بیرحمانه رژیم به آنها، کوشش در پنهان داشتن این فعالیت‌ها دلیل وحشت و آگاهی رژیم از وجود این زمینه عینی و ذهنی در جامعه ایران است.

رویدادها، دستگیری‌ها و مبارزات مردم کشور ما در طی چند سال گذشته نشان می‌دهند که این نطفه‌ها تنها در میان یک قشر و یا یک طبقه به وجود نیامده، بلکه در درون کلیه طبقات و قشرهای خلق شکل می‌گیرند. گواه این مسئله مبارزات کارگران، دهقانان، روحانیون و روشنفکران در سال‌های اخیر است. تشکل بخش خارجی جنبش در اثر شرایط نسبتاً مساعد خارج از کشور موجب رشد سازمانی این بخش از دانشجویان گشته است و امکان ایجاد کنفدراسیون، سازمان واحد آنها را فراهم آورده است. امکانات نسبی کشورهای غربی، برای دانشجویان، دست یافتن به گنجینه آثار انقلابی جهان و استفاده از آنها به نحو بارزی ساده می‌کند. از سوی دیگر کم امکاناتی سازمان امنیت در خارج از کشور برای این بخش وجود فعالیت در شرایط علنی را میسر می‌سازد.

در درون کشور بر عکس دانشجویان نیز نظیر دیگر قشرها و طبقات مردم، هنوز قادر به ایجاد سازمان واحدی برای خود نگشته‌اند، ولی مسلماً گروه‌های پراکنده‌ای به صورت‌های شدیداً مخفی مشغول تدارک فعالیت‌های آینده خود هستند. این گروه‌ها به نحو بارزی در اثر نزدیک بودن با شرایط عینی کشور از رشد کیفی بیش‌تری برخوردارند و به طور حتم این نطفه‌ها نه فقط برای کنفدراسیون، بلکه برای همدیگر نیز ناشناخته‌اند و در نتیجه رابطه‌ای بین آنها موجود نیست، زیرا وجود سازمان امنیت و تسلط نسبی رژیم بر اوضاع امکان هرگونه فعالیت وسیع و رابطه متقابل و طبیعتاً ارگانیک را از آنها گرفته است. در اثر وجود این شرایط ناهمگون محیط دو بخش داخل و خارج کشور نهضت دانشجویی گرچه در سال‌های نخستین پایه‌گذاری کنفدراسیون از طرف دانشجویان دانشگاه تهران نمایندگانی به کنگره‌های کنفدراسیون فرستاده می‌شدند، ولی امروز در عمل این بخش از نهضت، به صورت دو بخش جدا از هم وجود دارند. ولی نقش آنها در جهت خدمت به جنبش عمومی مردم همسو و هم هدف است.

شرایط نهضت دانشجویی ایران را خلاصه می‌کنیم:

۱- نهضت مردم ایران هنوز به مرحله شکوفائی نرسیده و سازمان رهبری خلق به وجود نیامده است. در درون کشور در جهت تدارک مبارزه نطفه‌های پراکنده‌ای در حال بسته شدن هستند. این نطفه‌ها در شرایط مخفی و بدون اطلاع از همدیگر در حال تدارک فعالیت خود هستند.

۲- نهضت دانشجویی ایران به دو بخش خارج و داخل کشور تقسیم شده است. بخش خارجی آن دارای سازمان واحدی است و در شرایط علنی مبارزه می‌کند. بخش داخلی در شرایط مخفی بسر می‌برد و قادر به ایجاد سازمان واحد خود نگشته است.

۳- سمت جنبش این دو بخش و هدف آن یکسان است، ولی محیط فعالیت و عملکرد آنها گوناگون و شکل فعالیت آنها مختلف است.

بر پایه این واقعیات و با در نظر گرفتن اینکه اطلاعات ما از شرایط مشخص ایران بسیار ناچیز است باید برنامه کار در جهت ایران را قدم به قدم تدوین و تکمیل کرد. گام نخستین در این جهت غالب کردن این بینش است که وظیفه ما در این مرحله از مبارزه کوشش در جهت شناخت شرایط

جامعه ایران تا آن حد که در شرایط خارج از کشور امکان پذیر است، می‌باشد و سپس باید سعی در یافتن کلیه امکانات و راه‌های به دست آوردن اطلاعات از مسائل کشور نمود.

مرحله بعدی به مرور روشن ساختن امکانات و وظائف هر بخش از نهضت در خدمت جنبش عمومی مردم ایران است

"کار در جهت ایران" هنوز برای کنفدراسیون به صورت یک مسئله مطرح بوده و محتوی آن برای اکثریت توده‌های کنفدراسیون ناروشن و جا نیافتاده است. ایجاد یک بینش صحیح کار در جهت ایران نیاز به طرح صحیح مسئله، دقیق کردن آن و سپس روشن ساختن و تبلیغ آن در سطوح مختلف کنفدراسیون دارد.

مسئله ناهمگونی شرایط محیط فعالیت، شکل سازمانی و عملکرد دو بخش نهضت دانشجویی ایران و هدف اصلی جنبش یعنی قرار گرفتن در خدمت مبارزات مردم، از همان ابتدا کوشش در مطالعه امکانات ایجاد نوعی وحدت سازمانی دانشجویان داخل و خارج از کشور را مورد توجه قرار داد و در این رهرو بود که راه‌های مختلفی بطور مشخص و یا پراکنده در کنفدراسیون مطرح گشته‌اند.

ایجاد پیوند ارگانیک با در نظر گرفتن شرایط سیاسی کشور، رشد کنفدراسیون و مبارزه علنی و حاد آن بر علیه رژیم ضد خلقی ایران با حفظ محتوی کتونی کنفدراسیون در مرحله فعلی امکان پذیر نیست. بنابراین ایجاد پیوند تشکیلاتی با بخش دانشجویی درون کشور تنها می‌توانست از دو راه تحقق پذیرد، یا اینکه می‌بایستی سطح محتوی و شعارهای کنفدراسیون را تا درجه مورد قبول رژیم پائین آورد و یا اینکه این رابطه ارگانیک را به صورت مخفی تحقق بخشید. راه اول یعنی عقب‌نشینی در برابر رژیم به خاطر فعالیت علنی در درون کشور یعنی انتخاب خط سازشکاری از طریق فعالیت صنفی است. چنین راهی دانشجویان را از مردم و مبارزات آنها جدا کرده و آنها را در عمل مجبور به قطع هر نوع پیوندی با مردم نموده و نه عکس آن که هدف اساسی کنفدراسیون و کار در جهت ایران است. این کار از طرف باقیمانده حزب توده تبلیغ می‌شود، ولی از طرف توده‌های کنفدراسیون طرد شده است.

ایجاد پیوند ارگانیک با بخش درون کشور در ضمن حفظ خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون در شرایط فعلی به دو دلیل اساسی امکان پذیر نیست:

۱- عدم وجود سازمان متشکل دانشجویان درون کشور.

۲- عدم امکان هر نوع مبارزه علنی پیگیر دانشجویان در درون کشور با حفظ محتوی مبارزه‌جویانه کنفدراسیون در شرایط فعلی.

دلیل اساسی عدم وجود سازمان واحد دانشجویان درون کشور شکوفان نبودن جنبش زحمتکشان به عنوان پشتوانه خلقی مبارزات آنها در مرحله فعلی است. ایجاد پیوند بین کنفدراسیون و جنبش عمومی مردم و پیوند ارگانیک با دانشجویان درون کشور، پیوندی به معنای وحدت تشکیلاتی سیاسی تنها با شکوفان شدن جنبش مردم و از طریق سازمان رهبری کننده آن امکان پذیر است. تنها در آن مرحله است که کنفدراسیون می‌تواند به عنوان سازمان تشکل دهنده دانشجویان خارج از کشور از طریق پیوند ارگانیک با جنبش مردم وظائف تعیین شده خود را در جهت خدمت به خلق و مبارزات آن انجام دهد. در مرحله فعلی وظیفه ما کوشش در جهت شناخت بیش‌تر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، سعی در شناختن و پژوهش زندگی، مشکلات و مبارزات مردم کشور و به طور عمده ایجاد بینش پیوند با نیروهای خلقی و کوشش در جهت یافتن راه‌های پشتیبانی فعال از مبارزات آنها است.

بنابراین وظیفه اساسی نهضت دانشجویی ایران "در خدمت مبارزه مردم و به ویژه زحمتکشان میهن"، قرار گرفتن است و بر این پایه هر بخش از نهضت در مرحله تدارک و مبارزه مردم سعی در ایجاد بینش پیوند با زحمتکشان و مشخص کردن راه‌های پیوند و دقیق کردن شناخت از شرایط و امکانات خویش در چهارچوب این عملکرد است. ایجاد پیوند ارگانیک بین جنبش دانشجویی و مردم تنها در مرحله شکوفائی مبارزات مردم و از طریق سازمان رهبری کننده خلق امکان پذیر خواهد بود. شکل و طریق ایجاد این پیوند را از هم اکنون نمی‌توان تعیین کرد و تنها با گسترش شناخت ما از جنبش و در طی پراتیک آینده روشن خواهد گشت. مشروط کردن امکان هر نوع شناخت ما به پیوند با دانشجویان درون کشور به صورت مطلق نادرست است، زیرا از سویی هرگونه مطالعه و سعی در تحلیل مسائل جامعه ایران را قبل از ایجاد پیوند نفی می‌کند و از سوی دیگر تصورات ذهنی نادرستی نسبت به حدود امکانات هسته‌های دانشجویی درون کشور ایجاد می‌نماید. شناخت همه جانبه و ارزیابی شرایط کشور نه وظیفه و نه در امکان نهضت دانشجویی اعم از بخش داخلی و یا خارجی آن است. به طور حتم دانشجویان درون کشور در اثر تماس روزمره با مردم و زندگی کردن در شریط داخل کشور قادر به شناخت بهتری از مردم و مسائل آنها بوده و از امکانات مبارزه در کشور برداشتی نسبتاً عینی دارند. ولی در اثر پراکندگی هسته‌های دانشجویی و عدم امکان تبادل نظر بین آنها و کمبود سازمان واحد، از امکانات آنها نیز کاسته می‌شود.

در اینجا مقصود رد کوشش در جهت ایجاد تماس و یا رابطه با هسته‌های پراکنده درون کشور و سعی در کمک گرفتن از آنها به خاطر شناخت مسائل جامعه ما نیست، بلکه هدف از بین بردن تصورات نادرست از امکانات این رابطه است، آن چنانکه گویا با ایجاد رابطه با چند هسته دانشجویی

اتحاد عمل در کنفدراسیون

عناصر متشکل در کنفدراسیون دارای دیدهای متفاوت و نظرات گوناگون هستند. این دیدهای متفاوت در همه حال دلیل بر گرایش این افراد به این و یا آن تشکل سیاسی نیست. برعکس بسیاری از اعضای کنفدراسیون علیرغم تمایل به این یا آن بیش دارای هیچگونه وابستگی سیاسی نیستند. این عناصر هنگامی در کنفدراسیون قادر به همکاری متقابل خواهند بود، که بین آنها بر اساس توافق بر روی اصول کنفدراسیون در پایه و بر روی خطامشی و برنامه در هر مقطع زمانی مشخص اتحادی به خاطر عمل مشترک ایجاد گردد، نه بر پایه دید واحد سیاسی، بلکه برعکس از آنجا که در کنفدراسیون وحدت بینش سیاسی وجود ندارد مبارزه بین دیدهای متفاوت درون کنفدراسیون امری طبیعی و ضروری است. بنابراین اتحاد در کنفدراسیون بر روی سطح مقطع مشترک و مبارزه بین سطوح غیر مشترک و به خاطر گسترش دادن سطح مشترک است. بدین ترتیب است که اتحاد و مبارزه بین بینش‌های درون کنفدراسیون لازم و ملزوم یکدیگرند. مبارزه تداومی بین آنها همیشه در خدمت نزدیکتر کردن این دیدها به همدیگر و ایجاد پایه‌های عالی‌تر اتحاد در مرحله بعدی است.

براین پایه است که می‌توان گفت هر مبارزه تدارک اتحاد عالی‌تر و هر اتحاد به خاطر رشد کل سازمان‌ها و در جهت تدارک برخورد مشخص تر و دقیق‌تر بین بینش‌های درون سازمان است. در طی رشد نهضت و محتوی مبارزات آن دیدهای درون آن نیز دقیق‌تر شده و تکامل می‌یابند، ولی مسلماً در طول این تکامل برخی عناصر و بینش‌ها قادر به تطابق دادن خود با رشد سازمان نگشته و به مرور منفرد گشته و طرد خواهد شد و بدین ترتیب روشن است که از اتحاد دائم و همیشگی و متحدین بالقوه نمی‌توان سخن گفت.

اتحاد در کنفدراسیون در پایه و بین عناصر تشکیل دهنده آن انجام می‌گیرد و این اتحاد از طریق مبارزه بین دیدهای متفاوت بوجود آمده و رشد می‌کند. این مبارزه و اتحاد باید در کلیه سطوح کنفدراسیون و از طریق قابل درک کردن آن برای توده‌های دانشجوی با آگاهی و شرکت آنها انجام گیرد. اتحاد در بالا با مشی توده‌ای کنفدراسیون مغایرت دارد و باعث دور شدن توده‌های دانشجویان از کنفدراسیون خواهد شد.

بدیهی است که اتحاد عمل تنها بین آن بینش‌هایی انجام پذیر است که خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون را تأیید می‌کنند. زیرا این خط نمی‌تواند با هیچیک از گرایش‌های سازشکارانه سطح مقطع مشترکی داشته باشد. بنابراین هر نوع همکاری هر چند کوچک با خط سازشکارانه کمک به ادامه حیات بازمانده‌های این خط ایجاد فضای حیاتی جدید بر ای آن و در یک دید دراز مدت تقویت و احیاء آن است. طرفداران خط سازشکارانه به خوبی آگاهند که در مرحله فعلی امکان غالب شدن این خط و تبلیغ بدون پرده آن وجود ندارد و از آنجا که توده‌های آگاه و مترقی کنفدراسیون در طی یک مبارزه طولانی قادر به منفرد کردن آنها و از بین بردن هرگونه فضای عمل برای ایشان گشته‌اند. بنابراین همکاری و کمک آنها به بخشی از طرفداران خط مبارزه‌جویانه در کنفدراسیون یک همکاری تاکتیکی و مودبانه به قصد ایجاد زمینه برای سودجویی‌های آتی و در جهت وارد کردن قدم به قدم خط خویش است.

بدین ترتیب به سادگی می‌توان دید که مبارزه با این خط تا طرد کامل و جلوگیری از هرگونه احیاء آن در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که کلیه نیروهای مبارزه‌جوی نهضت از هر گونه اتحاد و همکاری هر چند پاسیف با آن دوری جسته، روشنگری و مبارزه با آن را بی‌امان ادامه دهند. خلاصه می‌کنیم:

۱۰- عناصر تشکیل دهنده کنفدراسیون دارای بینش‌های متفاوت هستند.

۲- اتحاد در کنفدراسیون بین عناصر مدافع خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون و دارای گرایش‌های گوناگون تنها برای مدتی محدود و بر پایه خطامشی انجام می‌گیرد.

۳- بین بینش‌های درون سازمانی مبارزه و اتحاد بطور مداوم وجود خواهد داشت.

۴- اتحاد در کنفدراسیون در پایه و میان عناصر آن و در همه سطوح انجام می‌گیرد.

۵- اتحاد در کنفدراسیون تنها بین آن بینش‌هایی امکان پذیر است که از خط مبارزه‌جویانه آن پشتیبانی می‌کنند، و هرگونه همکاری حتی پاسیف با خط سازشکاری در تحلیل نهائی تقویت گرایش‌های سازشکارانه است.

همراه با دقیق کردن خط سیاسی نهضت دانشجویی در ایران باید وظیفه عمده را تعیین نمود.

در شرایط فعلی با در نظر گرفتن آنچه که گفته شد، "کارد در جهت ایران"، مسئله مرکزی کنفدراسیون است و ایجاد دید کار در جهت ایران مبرم‌ترین وظیفه ما در این رابطه است. تنها با شناختن و تحقق بخشیدن به این وظیفه خواهد بود که کنفدراسیون قادر خواهد شد خط مبارزه‌جویانه خود را حفظ کند، محتوی مبارزه خود را غنی‌تر سازد و از رشد هر دید سازشکارانه در درون جنبش بطور قاطع جلوگیری کرده توده‌های دانشجویان را به سمت پیوند با جنبش خلق رهبری کند.

درون کشور از امکانات بی‌نهایتی در جهت شناخت مردم برخوردار خواهیم بود و این شرط اولیه شروع هر شناخت از جامعه ایران در محیط خارج از کشور است.

ایجاد رابطه متقابل با هم امتناع می‌کنند، ایجاد پیوند از خارج از کشور امر بس مشکلتری خواهد بود. ولی در هر صورت تحقق چنین امری در جهت وظائف کنفدراسیون و در خدمت کار در جهت ایران است. ولی این تصور که گویا کنفدراسیون از خارج از کشور قادر به مشکل کردن دانشجویان درون کشور خواهد بود و یا سهم عمده‌ای در آن خواهد داشت، پر بها دادن بی‌نهایت به جنبش دانشجویی خارج از کشور و در واقع قبول این نکته است که دانشجویان خارج از کشور از شرایط مبارزه درون کشور بیش از خود دانشجویان داخل کشور اطلاع دارند. چنین تصویری منجر به چپ روی شده و کنفدراسیون را در عمل به سمت ماجراجویی می‌کشید. این نوعی انحراف از خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون است. تعیین این مسئله در مرحله فعلی که باید ابتدا با بخش دانشجویی درون کشور پیوند برقرار کرد و پیوند با جنبش مردم مشروط به این پیوند است، مسئله‌ایست نادرست و بدون پایه‌های عینی و یک تعیین تکلیف عجولانه و بی‌دلیل است. وظیفه ما در این مرحله استفاده از کلیه امکانات به خاطر به دست آوردن شناختی نسبی از شرایط جامعه ایران، مبارزات مردم و دفاع از آنها است. بدیهی است که در صورت امکان باید از طریق ایجاد تماس با دانشجویان درون کشور و دیگر قشرها و طبقات جامعه در جهت این شناخت استفاده کرد. اینکه در هنگام شکوفان شدن مبارزات مردم پیوند با جنبش درون کشور چه شکلی خواهد داشت، امری که تعیین آن در مرحله فعلی نه آنچنان مبرم و نه امکان‌پذیر است.

خلاصه می‌کنیم:

۱- "جنبش دانشجویی ایران به عنوان بخشی از جنبش ملی مردم، باید خود را در خدمت مبارزه مردم به ویژه زحمتکشان میهن قرار دهد. این وظیفه تاریخی جنبش است."

۲- پیوند ارگانیک بین جنبش دانشجویی و جنبش مردم تنها در مرحله شکوفایی مبارزات زحمتکشان و از طریق سازمان رهبری کننده خلق امکان‌پذیر خواهد بود.

۳- شکل مشخص این پیوند را تنها در آن مرحله از مبارزه می‌توان تعیین کرد.

۴- وظیفه ما در این مرحله استفاده از کلیه امکانات به خاطر مطالعه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و شناخت زندگی مردم و مبارزات آنها است. در این جهت باید به خاطر مطالعه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور از کلیه امکانات از منابع دولتی گرفته تا ایجاد تماس با هسته‌های مخفی درون کشور اعم از دانشجویی و یا غیر دانشجویی استفاده کرد. این تماس‌ها در رابطه با این وظیفه مرحله‌ای ما یعنی شناخت شرایط کشور است.

توده‌ای بودن کنفدراسیون

درک صحیح مشی توده‌ای کنفدراسیون تنها در رابطه با خصلت ضدامپریالیستی و دمکراتیک بودن کنفدراسیون و در جهت حفظ خط مبارزه‌جویانه آن امکان‌پذیر است. تحت عنوان توده‌ای بودن باید از سوئی پیوند توده‌ای و بازتاب کردن خواسته‌های توده‌های عظیم زحمتکشان را فهمید و از سوی دیگر با مطرح کردن و روشن ساختن خصلت‌های ضدامپریالیستی و دمکراتیک جنبش برای توده‌ها، تعداد هر چه بیش‌تری از آنها را به هدف‌های کنفدراسیون جلب و فعالین آنها را متشکل ساخت. بنابراین در حین اینکه سعی در جلب کلیه دانشجویان به جنبش در خدمت توده‌ای کردن آن است، متشکل کردن همه آنها در درون سازمان‌ها به عنوان هدف به خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون زیان وارد آورده و خط سازشکارانه را در کنفدراسیون غالب خواهد کرد. توده‌ای بودن کنفدراسیون جهانی از خصلت اساسی جامعه ایران و مبارزات مردم بر علیه امپریالیسم و همسو بودن مبارزه کنفدراسیون با آن ناشی می‌شود. یعنی در مرحله فعلی تنها سازمانی قادر به بسیج توده‌ها خواهد بود که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و به خاطر منافع مردم مبارزه کند. این تصور غلطی است، اگر خیال کنیم که متراکم کردن همه دانشجویان فقط به صرف دانشجو بودن آنها قادر به توده‌ای کردن سازمان خود شده‌ایم. زیرا تجربه سازمان‌های دولتی نشان داده است که در شرایط مرحله فعلی جامعه ما سازمان‌های به اصطلاح صنفی بهیچوجه قادر به جلب توده‌های دانشجو نخواهند شد. یعنی در یک کلام توده‌ای بودن هر سازمان در شرایط فعلی کشور ما تنها در جهت خواست‌های عمومی مردم و در رابطه با تضادهای اساسی جامعه امکان‌پذیر است. کنفدراسیون به مثابه یک سازمان دانشجویی از منافع صنفی دانشجویان نیز دفاع می‌کند. ولی مطرح کردن این خواست‌ها تنها در رابطه با خواست‌های مرحله‌ای خلق و در جهت پیوند با زحمتکشان است. بنابراین توده‌ای بودن کنفدراسیون دارای سه خصوصیت اصلی است:

۱- بسیج توده‌ها به خاطر تحقق هدف‌های نهضت دانشجویی در خدمت به مبارزات مردم.

۲- جلب و متشکل ساختن عناصر فعال و آگاه دانشجو به سازمان.

۳- تبلیغ و روشنگری در بین عناصری که هنوز جلب نشده‌اند.

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (جهاد مقدس انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی شهر آخن، چماق "چپ" روها)

انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی شهر آخن

انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی
شهر آخن

آخن، بیست و هشتم نوامبر ۱۹۶۹

جمعیتی برخوردار مجمع عمومی انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی شهر آخن بمقاله ماهنامه توفان تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده ای کنفدراسیون"

انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن وظیفه خود میداند در حلقه مسائل نهضت دانشجویان ایران بطور فعال شرکت نموده و همراه با تمام واحدهای کنفدراسیون برای از بین بردن مشکلات و موانع پیشرفت نهضت مترقی دانشجویی ایران بکوشد. در این رابطه است که مجمع عمومی انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم آخن در تاریخ بیست و هشتم نوامبر ۱۹۶۹ با مقاله ماهنامه توفان شماره ۲۳ (ورقه سوم تیرماه ۱۳۴۸) تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده ای کنفدراسیون"، اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون بتاريخ سپتامبر ۱۹۶۹ در باره "مقاله ماهنامه توفان" و همچنین اضهاریه گردانندگان توفان آبان ۱۳۴۸ تحت عنوان "در باره اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی" برخوردار نموده و طی تجزیه و تحلیل مشخص از این اسناد بجمعیت زیر رسیده و موضع خود را اعلام میدارد.

رفقای دانشجو

اولین سؤالی که از بررسی مقاله ماهنامه "توفان" تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده ای کنفدراسیون" مطرح میشود اینست که "عناصر چپ" و خطا کاری که میخواهند کنفدراسیون را به گروهی "آوانگارد" تبدیل کنند" و "... آنها خواسته یا تلخواسته، دانسته یا نادانسته گام بر میدارند و در جهت گام بر میدارند که بسود اقلیت حاکم ملی و ضد دموکراسی نیست مسا و همواران بیگانه و خودی آنست". چه کسانی و چه گروهی هستند؟ هیئت دبیران کنفدراسیون در اطلاعیه سپتامبر ۶۹ در این مورد چنین اظهار نظر میکنند:

"... با اندکی تعمق میتوان دریافت که منظور ماهنامه مزبور (توفان) از عدای که نغمه ناموزن سر میدهند، کسانی جز هیئت دبیران کنفدراسیون نیست"

گردانندگان "توفان" در اضهاریه آبان ۱۳۴۸ این نظریه هیئت دبیران را رد میکنند و ادعا مینمایند "هیئت دبیران میخواهد محملی برای حمله به ماهنامه توفان داشته باشد" و اضافه میکنند که منظور آنها از "نغمه سرایان ناموزن" هیئت دبیران نبوده و اشاره میکنند "البته اگر هیئت دبیران اصرار داشته باشد که خود را در شمار سرایندگان نغمه ناموزن در آورد کاری از ما ساخته نخراند بود ولی چنانچه مبینیم در ماهنامه توفان کمترین اشاره به هیئت دبیران وجود ندارد (تکیه روی کلمات از ما است) تفسیر هیئت دبیران از عبارت ماهنامه توفان تفسیری است خودسرانه و متأسفانه باید گفت منفرضانه"

برای قضاوت در این مورد باید مقاله "توفان" را دقیقاً بررسی کنیم تا سیه روی شود هر که در او غر باشد در ماهنامه گروه توفان می خوانیم:

"رئیس مائوتسه دون می آموزد: "این ماجراجویی است اگر وقتی که توده ها هنوز آگاه نشده اند ما بتعرض دست زنییم. چنانچه ما در رهبری توده ها در کاری که مخالف اراده آنهاست اصرار ورزیم سرانجام با شکست روبرو خواهیم شد." (تکیه روی کلمات از ما است) مفهوم این نقل قول کاملاً روشن و احتیاج به تفسیر ندارد. که وظیفه رهبران نهضت را در مقابل توده ها گوشزد میکند. گردانندگان "توفان" از این نقل قول نتیجه زیر میروند:

"اینها حقایق مسلم و انکارناپذیر است، پیروی از آنها ضامن بقا و ادامه مبارزه کفدراسیون است." مائینامه "توفان" با بیان این جمله میخواید رهبری کفدراسیون را در برابر توده‌های دانشجوی یادآور شود، بنابراین تا اینجا توجه مقاله "توفان" به هیئت دبیران کفدراسیون است. مائینامه "توفان" پس از نتیجه گیری از نقل قول فوق و گوشزد کردن وظیفه رهبران کفدراسیون در مقابل توده‌های دانشجوی برای اینکه ثابت کند در این رابطه بعضی از اصول زیر پا گذاشته شده‌اند چنین ادامه می‌دهد:

"معدالت کسانی گاه و بیگاه بمنظور پیش بردن مقاصد سیاسی و گروهی خود هر مسئله‌ای را که رای آنها بر آن تعلق میگیرد و بهر شیوه و بیانی که خود درست تشخیص می‌دهند در سازمانهای کفدراسیون مطرح میکنند و با اصرار میخوایند نظر خود را بر سازمانها تحمیل کنند"

در اینجا از کسانی با مقاصد سیاسی و گروهی صحبت میشود که بلاواسطه پس از نقل قول و نتیجه گیری از آن که نتیجه رهبری کفدراسیون است آورده میشود. اگر منظور از این کسانی که مقاصد سیاسی و گروهی دارند و آنها تحمیل میکنند رهبری کفدراسیون نیست در آن صورت چه رابطه بین این کسان و نقل قول بالا و دستورالعمل شما وجود دارد؟ پس منظور کدام گروه و سیاست است که میخواید بواقعیت درون کفدراسیون توجه نکرده و عقاید سیاسی خود را تحمیل کند؟! گردانندگان "توفان" در ارگان خود چنین ادامه می‌دهند:

"گاهی این نغمه سروده میشود که اکنون کفدراسیون در دست عناصر "چپ" است و اینها حق دارند شعارها و نظریات خود را مطرح سازند چنانکه در سابق جبهه ملی که زمام امور کفدراسیون را در دست داشت همین شیوه را اعمال میکرد و شعارها و نظریات خود را از پیش میرود" (تکیه روی کلمات از مائست) گردانندگان "توفان" در این مقاله "نغمه سرایی" عناصر "چپ" را که مدعی هستند کفدراسیون را در دست دارند و حق خود میدانند که عقایدشان را تحمیل کنند نقل میکند، نتیجه گیری کرده و ادامه می‌دهند: "استدلال عجیبی است، چون دیگری راه ناصواب میپیماید من نیز چنین راهی بیروم! اگر در این استدلال پیگیر باشیم چه اعمال ناصوابی که از ما سر نخواهد زد!"

بنا بر این روشن است که گردانندگان "توفان" در حالیکه از استدلال نغمه سراییان چپ‌نما که کفدراسیون را در دست دارند تعجب میکنند خطوناک بودن این استدلال را گوشزد کرده و ادامه می‌دهند:

"در واقع صحیح آن بود که در همان موقع جبهه ملی بمناسبت شیوه کارش مورد انتقاد قرار میگرفت و براه راست دعوت میشد، نه اینکه امروز همان شیوه غلط اعمال گردد به بهانه اینکه دیروز جبهه ملی بدان توسل جسته است" (تکیه روی کلمات از مائست) ما سؤال میکنیم بیان جملاتی از این قبیل چه معانی میتواند داشته باشد؟ آیا فقط منظور ایجاد افشاش فکری در کفدراسیون و نفاق افکنی بین دانشجویان نیست؟ آیا هدف، قرار دادن توده‌های دانشجوی در مقابل رهبری کفدراسیون نیست؟ آیا این حمله مستقیم به رهبری کفدراسیون نیست؟

گردانندگان "توفان" که طبق معمول بازیکجانبه‌گری کرده‌اند و نقش خود را نقش بر آب دیده و با معترض دانشجویان رویو میشوند ناچاراً دست بانتشار اظهاریه‌ای میزنند و ادعا میکنند که اصلاً اشاره‌ای در مائینامه "توفان" به هیئت دبیران کفدراسیون نشده است و این هیئت دبیران اسلحه عمداً برای حمله کردن بآنها محملی می‌تراشد و گستاخانه و مغرضانه مقاله آنها را تفسیر کرده است. حقا که گردانندگان "توفان" دست نویسندگان مائینامه مردم را از پشت بستفاند. این مائینامه مرا با حقیقت کو که همه مطالب را با وجدانی آسوده و پاک و قلبی صاف بررسی کرده است! برای کسانی که به رهبری نهضت دانشجویی و توده‌های دانشجوی چنین ادامه می‌دهد:

"تکیه را بر روی اقلیت گذاشتن و اکثریت را نادیده انگاشتن، مسائلی را که در انطباق با ماعیت کفدراسیون و خصلت توده‌ای آن نیست به پیش کشیدن برای کفدراسیون جز زیان در بر ندارد و باید از آن دوری جست" گردانندگان "توفان" در اینجا هم طبق معمول بدون اینکه مشخص صحبت کنند که در کجا تکیه روی اقلیت شده و در کجا اکثریت نادیده گرفته شده است نتیجه گیری مینمایند و

رهبر خود را برای رهبران نهضت دانشجویی صادر می‌نمایند: "این است آنچه که عناصر آگاه پیشرو رهبران سازمانهای دانشجویی و رهبران کفدراسیون باید پیوسته در مد نظر داشته باشند". گردانندگان "توفان" میتوانند هر اراجیفی را که مایل هستند زیر نقاب طوفان‌داری از اصول و طوفان‌داری از خصلت توده‌های کفدراسیون و غیره بیان نمایند ولی آنها باید بدانند که توده‌های دانشجویی نیز قادر هستند این نقاب تزویر را پاره و هدف واقعی آنها را درک نمایند.

رفقای عزیز دانشجوی بطوریکه ملاحظه می‌کنید انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن در این جمعیت برای روشن کردن سفت حمله گردانندگان "توفان" ناچار است قسمت زیادی از مقاله "توفان" را بازگو کند تا رفقای دانشجوی بتوانند مشخص قضاوت نمایند که مغرض و خود سر چه کسانی هستند، گردانندگان "توفان" که علناً برای ایجاد افتشاش و نفاق کمر همت بسته مغرض و خود سر هستند یا رهبری کفدراسیون که حتی این آقایان نتوانسته‌اند یک ایراد مشخص ولو در سطح پایین در تومار اتهامات خود بیابند؟ مغرض و خود سر چه کسانی هستند؟

آنهایکه ادعا میکنند رهبری کفدراسیون می‌خواهد کفدراسیون را بیک اقلیت "آوانگارد" تبدیل کند (بدون ارائه مدرک و دلیلی) یا رهبری کفدراسیون که مجری صدیق صوت کنگره نهم کفدراسیون است؟ مغرض و خود سر چه کسانی هستند؟

آنهایکه صدیقانه جنبش دفاع از زندانیان سیاسی را در مقیاس جهانی رهبری میکنند یا آنهایکه با اشاره با اصول درست، آگاهانه نتایج نادرست می‌گیرند و می‌خواهند نفاق و افتشاش ایجاد کنند و چنین وانمود میکنند که گویا این اصول وسیله رهبری کفدراسیون زیر پا گذاشته شده است؟ (باز هم بدون برخورد مشخص و ارائه دلیل و مدرک) مغرض و خود سر چه کسانی هستند؟

آنهایکه مستقیم و غیر مستقیم سعی میکنند هیئت دبیران کفدراسیون را در ردیف مأمورین سازمان امنیت و همکار ارتجاع داخل و خارج قرار دهند یا هیئت دبیران کفدراسیون و آنهایکه نتوانسته‌اند جنبش وسیع علیه رژیم نیکت بار محمد رضا شاه را رهبری کنند؟

گردانندگان "توفان" که خصلتاً فقط میتوانند منافع آتی خود را تشخیص دهند و در رابطه با آن اظهار نظر نمایند، در زیر قبای باصطلاح انتقاد و راهنمایی اظهار نگرانی میکنند و بسبب خاص خود تنبیه‌گیری مینمایند و رهبری نهضت دانشجویی را متهم می‌سازند که گویا برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود به روشیهای متوسل میشوند تا نظریات گروهی خود را تحمیل نمایند، در واقع گردانندگان "توفان" که فقط تا نون دانشان را میتوانند ببینند یا انتشار این نوع مقالات، خجولانه ادعای رهبری کل جنبش را دارند و از همین دیدارسته امر و نهی و دستورالعمل صادر مینمایند و البته وظیفه خود میدانند جلوی عناصر خطاکار را هم بگیرند چون این آقایان یگانه مقام بدون خطا هستند. گردانندگان "توفان" از انتشار این نوع مقالات فقط میخواهند به توده‌ها بقبولانند (البته فقط توده‌های دانشجویی) که هنوز زنده هستند و از آنهایکه قادر نیستند این ضعف درونی خود را که ناشی از خصلتشان است بپوشانند بهر وسیله‌ای دست می‌زنند. درست بهمین علت است که هیئت دبیران را متهم می‌سازند و مینویسند:

"این آقایان خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته در جهت تلاشی کفدراسیون گام برمیدارند، در جهت گام برمیدارند که بسود اقلیت حاکمه ضد ملی و ضد دموکراتیک میهن ما و عوادران بیگانه و خودیست و در یک کلام هیئت دبیران کفدراسیون را در ردیف مأمورین سازمان امنیت و ارتجاع قرار میدهند تا بدینوسیله بتوانند ثابت کنند آنها نه تنها زنده هستند بلکه مرفی نیز هستند چون گردانندگان این ماهنامه خصلتاً راه دیگری برای اثبات زنده بودن و مرفی بودن خود نمی‌شناسند و چنانچه میشناختند در پراتیک آنها دیده میشد. گردانندگان "توفان" که خود را رهبران جنبش مرفی ایران میدانند هنوز نتوانسته‌اند این واقعیت را درک کنند که هیئت دبیران کفدراسیون از طریق عالیتوبین نوع دموکراسی توسط نمایندگان دانشجویان انتخاب میشوند و آنها رهبران خود انتصابی از نوع شما نیستند. این آقایان هنوز درک نکرده‌اند که خط سیاسی و شعارهای کفدراسیون را کنگره کفدراسیون مشخص میکند نه یک

گروه مشخص و هیئت دبیران مجری مصوبات نگزیده هستند. ما متکبران نیستیم که در نهضت دانشجویی ایران اشتباهاتی رخ داده و یا خواهد داد و نکات ضعفی وجود دارد ولی ما معتقدیم که این نکات اولاً جنبه عده نداشته و ندارد ثانیاً این ضعف و اشتباهات نمیتوانند فقط از رهبران جنبش دانشجویی سرچشمه گرفته باشند بلکه مربوط به مجموعه جنبش است که باید قدم به قدم آنها پیدا کرد و در رفع آن کوشید. در اینجا نیز چند نکته دیگر لازم است:

تا کنون از جهت های مختلفی به هیئت دبیران کفدراسیون حمله شده که برای تشخیص موقعیت نسبی جنبش دانشجویی ما بآن اشاره میشود. برای نمونه مقاله مذکور در ستون آزاد شانزده آذر مهرداد ۱۳۵۷ را بررسی میکنیم. نویسنده مقاله که در حقیقت همان هدف گردانندگان "توفان" را منتهی از جهت دیگرونیال میکند ادعا مینماید که در انتشارات کفدراسیون از "موضع ایدئولوژیک معین بمسائل برخورد میسر" بدون اینکه نویسنده مقاله مشخص کند که این "موضع ایدئولوژیک معین" چیست و کدامست. نویسنده این مقاله مدعی روی این واقعیت خط میکند و آنرا نادیده میگیرد که انتشارات کفدراسیون در اختیار تمام اعضای کفدراسیون قرار دارد و هر عضو کفدراسیون میتواند مقالات و نظریات خود را که منافی خط مشی کفدراسیون نباشد انتشار دهد همانطوریکه خود نویسنده مقاله بحث آزاد توانسته است نظریاتش را در شانزده آذر درج نماید و از تریبون کفدراسیون برای انتشار نظریات خود استفاده کند. با توجه باین واقعیت آیا میتوان قبول کرد که ادعای نویسنده مقاله بحث آزاد ناشی از حسن نظر و بخاطر انتقاد بوده است؟

نویسنده بحث آزاد از کیل برای اثبات نظریه خود بمقاله سی تیر مذکور در شانزده آذر برخورد میکند و ضمن ایرادات غیر اصولی چنین مینویسد: "... خوب بود نویسنده گرامی (نویسنده مقاله سی تیر) تیر میسر استم نقش اتحاد جماهیر شوروی و رهبر آن استالین را فراموش نمیکرد و توضیح میداد که در کنار محاصره اقتصادی ایران که توسط دنیای غرب صورت گرفت اتحاد جماهیر شوروی نیز همان روش امپریالیسم را در قبال حکومت ملی دکتر مصدق در پیش میگیرد." نویسنده مقاله بحث آزاد با گرفتن ایراداتی از این نوع در حقیقت کفدراسیون را متهم میکند که چرا در مقاله سی تیر نقش امپریالیستی اتحاد شوروی استالین را بیان نکرده است!! در حقیقت نویسنده مقاله بحث آزاد از کیل در تضاد با گفته خود قرار میگیرد، چون انتظار دارد که در انتشارات کفدراسیون از موضع ایدئولوژیک خاص ایشان بمسائل برخورد و برخورد با رهبران کفدراسیون و متصدیان شانزده آذر سخن کرده اند که از موضع ایدئولوژیک خاصی بمسائل برخورد نکنند مورد حمله نویسنده مقاله بحث آزاد قرار میگیرند و خطاکار معرفی میشوند.

گروه کمیته مرکزی حزب توده نیز در گذشته رهبران کفدراسیون را متهم به همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا کردند اگر در این موارد اندکی عینی شویم وجه مشترک عناصر و گروه های حمله کننده به رهبری کفدراسیون را میتوانیم پیدا کنیم. اولاً همه آنها زیر نقاب طرفداری از اصول و برای "کمک" به کفدراسیون حمله را آغاز میکنند، ثانیاً سمت حمله آنها رهبری کفدراسیون است. این وجه مشترک این عناصر میباشد. نتیجتاً میتوان هدف مشترک آنها را براحتی تشخیص داد که منظور این عناصر ایجاد افتشاش و آشوب در درون کفدراسیون میباشد تا بدینوسیله رهبری کفدراسیون را غصب نمایند و برای رسیدن باین منظور بهر وسیله نامشروع توسل میشوند. حمله به رهبری کفدراسیون پدیده جدیدی نیست و جنبش ترقی دانشجویی ایران همواره با این پدیده برخورد آگاهانه نموده و سر نوشت حمله کنندگان چنانچه در گذشته دیده شد جز رسوایی نخواهد بود. ما بدینوسیله موضع هیئت دبیران را در برخورد با گردانندگان "توفان" و عناصری چون نویسنده مقاله بحث آزاد (و سایر حمله کنندگان) تایید مینماییم و حملات این عناصر و گروه ها را از هر جناح که باشند محکوم میکنیم و معتقدیم که نتیجه این حملات به رشد جنبش دانشجویی ایران بیش از پیش کمک خواهد کرد چون این حملات مشخص کننده این واقعیت اند که خط سیاسی و راه کفدراسیون در مجموع درست است و معتقدیم که دانشجویان ترقی ایران با آگاهی کامل در این راه راسخ تر و مصمم تر به پیش حرکت خواهند کرد. اتحاد - مبارزه - پیروزی.

جمع بندی فوق در مجمع عمومی انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن با تفاق آراء (بدون مخالف) با رای گیری مخفی به تصویب رسیده است. هیئت کارپردازان انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی آخن

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش: (جهاد مقدس انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی شهر آخن، چماق "چپ" روها)

جمع‌بندی برخورد مجمع عمومی انجمن محصلین و
دانشجویان ایرانی شهر آخن به مقاله ماهنامه توفان
تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده‌ای
کنفدراسیون

انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن وظیفه خود می‌داند در حل مسائل نهضت دانشجویی ایرانی به طور فعال شرکت نموده و همراه با تمام واحدهای کنفدراسیون برای از بین بردن مشکلات و موانع پیش‌رفت نهضت مترقی دانشجویی ایران بکوشد. در این رابطه است که مجمع عمومی انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم آخن در تاریخ بیست و هشتم نوامبر ۱۹۶۹ با مقاله ماهنامه توفان شماره ۲۳ دوره سوم تیرماه ۱۳۴۹ تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده‌ای کنفدراسیون"، اطلاعیه‌ی هئیت دبیران کنفدراسیون به تاریخ سپتامبر ۱۹۶۹ در باره "مقاله ماهنامه توفان" و همچنین اظهاریه گردانندگان توفان آبان ۱۳۴۸ تحت عنوان "در باره اطلاعیه هئیت دبیران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی" برخورد نموده و طی تجزیه و تحلیل مشخص از این اسناد به جمع‌بندی زیر رسیده و موضع خود را اعلام می‌دارد.

رفقای دانشجو

اولین سؤالی که از بررسی مقاله ماهنامه "توفان" تحت عنوان "برای پاسداری از خصلت توده‌ای کنفدراسیون" مطرح می‌شود، اینست که "عناصر" "چپ" و خطاکاری که می‌خواهند کنفدراسیون را به گروهی "اوانگارد" تبدیل کنند" و "...آنها خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته گام بر می‌دارند و در جهتی گام بر می‌دارند که به سود اقلیت حاکمه ضدخلق و ضددمکراتیک میهن ما و هواداران بیگانه و خودی آنست" چه کسانی و چه گروهی هستند؟ هئیت دبیران کنفدراسیون در اطلاعیه سپتامبر ۶۹ در این مورد چنین اظهار نظر می‌کنند:

"...با اندکی تعمق می‌توان دریافت که منظور ماهنامه مزبور ("توفان") از عده‌ای که نغمه ناموزون سر می‌دهند، کسانی جز هئیت دبیران کنفدراسیون نیست".

گردانندگان "توفان" در اظهاریه آبان ۱۳۴۸ این نظریه هئیت دبیران را رد می‌کنند و ادعا می‌نمایند "هئیت دبیران می‌خواهد محملی برای حمله به ماهنامه توفان داشته باشد" و اضافه می‌کنند که منظور آنها از "نغمه سرایان ناموزون" هئیت دبیران نبوده و اشاره می‌کنند "البته اگر هئیت دبیران اصرار داشته باشد که خود را در شمار سرایندگان نغمه ناموزون در آورد کاری از ما ساخته نخواهد بود ولی چنانچه می‌بینید در ماهنامه توفان کم‌ترین اشاره به هئیت دبیران وجود ندارد. (تکیه روی کلمات از ما است). تفسیر هئیت دبیران از عبارت ماهنامه توفان تفسیری است خودسرانه و متأسفانه باید گفت مغرضانه".

برای قضاوت در این مورد باید مقاله "توفان" را دقیقاً بررسی کنیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد در ماهنامه گروه توفان می‌خوانیم:

"رفیق مائوتسه دون می‌آموزد " این ماجراجویی است اگر وقتی که توده‌ها هنوز آگاه نشده‌اند ما به تعرض دست زنیم. چنانچه ما در رهبری توده‌ها در کاری که مخالف اراده آنهاست اصرار ورزیم سرانجام با شکست روبرو خواهیم شد". (تکیه از ما است). مفهوم این نقل قول کاملاً روشن و احتیاج به تفسیر ندارد که وظیفه رهبران نهضت را در مقابل توده‌ها گوشزد می‌کند. گردانندگان "توفان" از این نقل قول به نتیجه زیر می‌رسند:

"اینها حقایق مسلم و انکار ناپذیر است، پیروی از آنها ضامن بقا و ادامه مبارزه کنفدراسیون است". ماهنامه "توفان" با بیان این جمله می‌خواهد وظیفه رهبری کنفدراسیون را در برابر توده‌های دانشجوی یادآور شود، بنابراین تا اینجا توجه مقاله "توفان" به هئیت دبیران کنفدراسیون است. ماهنامه "توفان" پس از نتیجه‌گیری از نقل قول فوق و گوشزد کردن وظیفه رهبران کنفدراسیون در مقابل توده‌های دانشجو برای اینکه ثابت کند در این رابطه بعضی از اصول زیر پا گذاشته شده‌اند چنین ادامه می‌دهد:

"مذاکات کسانی گاه و بیگاه به منظور پیش بردن مقاصد سیاسی و گروهی خود هر مسئله‌ای را که رای آنها بر آن تعلق می‌گیرد و به هر شیوه و بیانی که خود درست تشخیص می‌دهند در سازمان‌های کنفدراسیون مطرح می‌کنند و با اصرار می‌خواهند نظر خود را به سازمان‌ها تحمیل کنند".

در اینجا از کسانی با مقاصد سیاسی و گروهی صحبت می‌شود که بلاواسطه پس از نقل قول و نتیجه‌گیری از آن که متوجه رهبری کنفدراسیون است آورده می‌شود. اگر منظور از کسانی که مقاصد سیاسی و گروهی دارند و آنرا تحمیل می‌کنند رهبری کنفدراسیون نیست در آن صورت چه رابطه بین این کسان و نقل قول بالا و دستورالعمل شما وجود دارد، پس منظور کدام گروه و سیاست است که می‌خواهد به واقعیت درون کنفدراسیون توجه نکرده و عقاید سیاسی خود را تحمیل کند؟! گردانندگان "توفان" در ارگان خود چنین ادامه می‌دهند:

"گاهی این نغمه سروده می‌شود که اکنون کنفدراسیون در دست عناصر "چپ" است و اینها حق دارند شعارها و نظریات خود را مطرح سازند چنان‌که در سابق جبهه ملی که زمام امور کنفدراسیون را در دست داشت همین شیوه را اعمال می‌کرد و شعارها و نظریات خود را از پیش می‌برد". (تکیه روی کلمات از ما است). گردانندگان "توفان" در این مقاله "نغمه سرایی" عناصر "چپ" را که مدعی هستند کنفدراسیون را در دست دارند و حق خود می‌دانند که عقایدشان را تحمیل کنند نقل می‌کنند، نتیجه‌گیری کرده و ادامه می‌دهند: "استدلال عجیبی است، چون دیگری راه ناصواب می‌پیماید من نیز چنین راهی می‌روم! اگر در این استدلال پیگیر باشیم چه اعمال ناصوابی که از ما سر نخواهد زد!".

بنابراین روشن است که گردانندگان "توفان" در حالی که از استدلال نغمه سرایان چپ‌نما که کنفدراسیون را در دست دارند تعجب می‌کنند خطرناک بودن این استدلال را گوشزد کرده و ادامه می‌دهند:

"در واقع صحیح آن بود که در همان موقع جبهه ملی به مناسبت شیوه کارش مورد انتقاد قرار می‌گرفت و به راه راست دعوت می‌شد، نه اینکه امروز همان شیوه غلط اعمال گردد به بهانه اینکه دیروز جبهه ملی به آن توسل جسته است" (تکیه روی کلمات از ما است). ما سؤال می‌کنیم بیان جملاتی از این قبیل چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا فقط منظور ایجاد اغتشاش فکری در کنفدراسیون و نقایف‌کنی بین دانشجویان نیست؟ آیا هدف، قرار دادن توده‌های دانشجو در مقابل رهبری کنفدراسیون نیست؟ آیا این حمله مستقیم به رهبری کنفدراسیون نیست؟

گردانندگان "توفان" که طبق معمول باز یک‌جانبه‌گری کرده‌اند و نقشه خود را نقش بر آب دیده و با موج اعتراض دانشجویان روبرو می‌شوند ناچاراً دست به انتشار اظهاریه‌ای می‌زنند و ادعا می‌کنند که اصلاً اشاره‌ای در ماهنامه "توفان" به هتیت دبیران کنفدراسیون نشده است و این هتیت دبیران است که عمداً برای حمله کردن به آنها محملی می‌تراشد و گستاخانه و مغرضانه مقاله آنها را تفسیر کرده است. حقا که گردانندگان "توفان" دست نویسندگان ماهنامه مردم را از پشت بسته‌اند. این ماهنامه سراپا حقیقت‌گو که همه مطالب را با وجدانی آسوده و پاک و قلبی صاف بررسی کرده است! برای کمک به رهبری نهضت دانشجویی و توده‌های دانشجو چنین ادامه می‌دهد:

"تکیه را بر روی اقلیت گذاشتن و اکثریت را نادیده انگاشتن، مسائلی را که در انطباق با ماهیت کنفدراسیون و خصلت توده‌ای آن نیست به پیش کشیدن برای کنفدراسیون جز زیان در بر ندارد و باید از آن دوری جست". گردانندگان "توفان" در اینجا هم طبق معمول بدون اینکه مشخص صحبت کنند که در کجا تکیه روی اقلیت شده و در کجا اکثریت نادیده گرفته شده است نتیجه‌گیری می‌نمایند و رهنمود زیر را برای رهبران نهضت دانشجویی صادر می‌نمایند: "این است آنچه که عناصر آگاه پیشرو رهبران سازمان‌های دانشجویی و رهبران کنفدراسیون باید پیوسته در مد نظر داشته باشند".

گردانندگان "توفان" می‌توانند هر اراجیفی را که مایل هستند زیر نقاب طرفداری از اصول، طرفداری از خصلت توده‌ای کنفدراسیون و غیره بیان نمایند ولی آنها باید بدانند که توده‌های دانشجو نیز قادر هستند این نقاب تزویر را پاره و هدف واقعی آنها را درک نمایند.

رفقای عزیز دانشجو به طوری که ملاحظه می‌کنید انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن در این جمع‌بندی برای روشن کردن سمت حمله گردانندگان "توفان" ناچار است قسمت زیادی از مقاله "توفان" را بازگو کند تا رفقای دانشجو بتوانند مشخص قضاوت نمایند که مغرض و خود سر چه کسانی هستند، گردانندگان "توفان" که علناً برای ایجاد اغتشاش و نفاق کمر همت! بسته مغرض و خودسر هستند یا رهبری کنفدراسیون که حتی این آقایان نتوانسته‌اند یک ایراد مشخص ولو در سطح پائین در تومار اتهامات خود بیاورند؟ مغرض و خودسر چه کسانی هستند؟

آنهایی که ادعا می‌کنند رهبری کنفدراسیون می‌خواهد کنفدراسیون را به یک اقلیت "آونگارد" تبدیل کند (بدون ارائه مدرک و دلیلی) یا رهبری کنفدراسیون که مجری صدیق مصوبات کنگره نهم کنفدراسیون است؟ مغرض و خودسر چه کسانی هستند؟

آنهایی که صدیقانه چنین دفاع از زندانیان سیاسی را در مقیاس جهانی رهبری می‌کنند یا آنهایی که با اشاره به اصول درست، آگاهانه نتایج نادرست می‌گیرند و می‌خواهند نفاق و اغتشاش ایجاد کنند و چنین وانمود می‌کنند که گویا این اصول وسیله رهبری کنفدراسیون زیر پا گذاشته شده است؟ (بازهم بدون برخورد مشخص و ارائه دلیل و مدرک) مغرض و خودسر چه کسانی هستند؟

آنهایی که مستقیم و غیرمستقیم سعی می‌کنند هویت دبیران کنفدراسیون را در ردیف مامورین سازمان امنیت، همکار ارتجاع داخل و خارج قرار دهند یا هویت دبیران کنفدراسیون و آنهایی که توانسته‌اند جنبش وسیع علیه رژیم نکت‌بار محمد رضا شاه را رهبری کنند؟

گردانندگان "توفان" که خصلتا فقط می‌توانند منافع آنی خود را تشخیص دهند و در رابطه با آن اظهار نظر نمایند: در زیر قبابی به اصطلاح انتقاد و راه‌نمایی اظهار نگرانی می‌کنند و به سبک خاص خود نتیجه‌گیری می‌نمایند و رهبری نهضت دانشجویی را متهم می‌سازند که گویا برای پیش‌بردن مقاصد سیاسی خود به هر شیوه‌ای متوسل می‌شوند تا نظریات گروهی خود را تحمیل نمایند، در واقع گردانندگان "توفان" که فقط تا نوک دماغشان را می‌توانند ببینند با انتشار این نوع مقالات، خجولانه ادعای رهبری کل جنبش را دارند و از همین دید است که امر و نهی و دستورالعمل صادر می‌نمایند، و البته وظیفه خود می‌دانند جلوی عناصر خطاکار را هم بگیرند چون این آقایان یگانه مقام بدون خطا! هستند. گردانندگان "توفان" از انتشار این نوع مقالات فقط می‌خواهند به توده‌ها بقبولانند (البته فقط توده‌های دانشجوی) که هنوز زنده هستند و از آن جایی که قادر نیستند این ضعف درونی خود را ناشی از خصلتشان است بیوشانند به هر وسیله‌ای دست می‌زنند و درست به همین علت است که هویت دبیران را متهم می‌سازند و می‌نویسند:

"این آقایان خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته درجهت تلاشی کنفدراسیون گام بر می‌دارند، در جهتی گام بر می‌دارند که به سود اقلیت حاکمه ضدملی و ضدموکراتیک میهن ما و هواداران بیگانه و خودیست" و در یک کلام هویت دبیران کنفدراسیون را در ردیف مامورین سازمان امنیت و ارتجاع قرار می‌دهند تا بدینوسیله بتوانند ثابت کنند آنها نه تنها زنده هستند بلکه مرفی نیز هستند چون گردانندگان این ماهنامه خصلتا راه دیگری برای اثبات زنده بودن و مرفی بودن خود نمی‌شناسند و چنانچه می‌شناختند در پراتیک آنها دیده می‌شد. گردانندگان "توفان" که خود را رهبران جنبش مرفی ایران می‌دانند هنوز نتوانسته‌اند این واقعیت را درک کنند که هویت دبیران کنفدراسیون از طریق عالی‌ترین نوع دموکراسی توسط نمایندگان دانشجویان انتخاب می‌شوند و آنها رهبران خوداتصافی از نوع شما نیستند. این آقایان هنوز درک نکرده‌اند که خط سیاسی و شعارهای کنفدراسیون را کنگره کنفدراسیون مشخص می‌کند نه یک گروه مشخص، و هویت دبیران مجری مصوبات کنگره‌ها هستند. ما منکر آن نیستیم که در نهضت دانشجویی ایران اشتباهاتی رخ داده و یا خواهد داد و نکات ضعیفی وجود دارد ولی ما معتقدیم که این نکات اولاً جنبه عمده نداشته و ندارد ثانیاً این ضعف و اشتباهات نمی‌توانند فقط از رهبران جنبش دانشجویی سرچشمه گرفته باشند، بلکه مربوط به مجموعه جنبش است که باید قدم به قدم آنرا پیدا کرد و در رفع آن کوشید. در اینجا ذکر چند نکته دیگر لازم است:

تاکنون از جهت‌های مختلفی به هویت دبیران کنفدراسیون حمله شده که برای تشخیص موقعیت فعلی جنبش دانشجویی ما به آن اشاره می‌شود. برای نمونه مقاله مندرج در ستون آزاد شانزده آذر مهرماه ۱۳۴۸ را بررسی می‌کنیم. نویسنده مقاله که در حقیقت همان هدف گردانندگان "توفان" را منتهی از جهت دیگر دنبال می‌کند ادعا می‌نماید، که در انتشارات کنفدراسیون از "مواضع ایدئولوژیک معین به مسائل برخورد می‌شود" بدون اینکه نویسنده مقاله مشخص کند که این "مواضع ایدئولوژیک معین" چیست و کدامست. نویسنده این مقاله تنها روی این واقعیت خط می‌کشد و آنرا نادیده می‌گیرد که انتشارات کنفدراسیون در اختیار تمام اعضای کنفدراسیون قرار دارد و هر عضو کنفدراسیون می‌تواند مقالات و نظریات خود را که مغایر خط‌مشی کنفدراسیون نباشد انتشار دهد همان‌طوری که خود نویسنده مقاله بحث آزاد توانسته است نظریاتش را در شانزده آذر درج نماید و از تربیون کنفدراسیون برای انتشار نظریات خود استفاده کند. با توجه به این واقعیت، آیا می‌توان قبول کرد که ادعای نویسنده مقاله بحث آزاد ناشی از حسن نظر و به خاطر انتقاد بوده است؟

نویسنده بحث آزاد از کیل برای اثبات نظریه خود به مقاله سی تیر مندرج در شانزده آذر برخورد می‌کند و ضمن ایرادات غیراصولی چنین می‌نویسد: "... خوب بود نویسنده گرامی (نویسنده مقاله سی تیر منظور است) نقش اتحاد جماهیر شوروی و رهبر آن استالین را فراموش نمی‌کرد و توضیح می‌داد که در کنار محاصره اقتصادی ایران که توسط دنیای غرب صورت گرفت اتحاد جماهیر شوروی نیز همان روش امپریالیسم را در قبال حکومت ملی دکتر مصدق در پیش می‌گیرد". نویسنده مقاله بحث آزاد با گرفتن ایراداتی از این نوع در حقیقت کنفدراسیون را متهم می‌کند که چرا در مقاله سی تیر نقش امپریالیستی اتحاد شوروی به رهبری استالین را بیان نکرده است!! در حقیقت نویسنده مقاله بحث آزاد از کیل در تضاد با گفته خود قرار می‌گیرد، چون انتظار دارد که در انتشارات کنفدراسیون از موضع ایدئولوژیک خاص ایشان به مسائل برخورد شود و از آنجا که رهبران کنفدراسیون و متصدیان شانزده آذر سعی کرده‌اند که از موضع ایدئولوژیک خاصی به مسائل برخورد نکنند مورد حمله نویسنده مقاله بحث آزاد قرار می‌گیرند و خطاکار معرفی می‌شوند.

گروه کمیته مرکزی حزب توده نیز در گذشته رهبران کنفدراسیون را متهم به همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا کردند اگر در این موارد اندکی عمیق شویم وجه مشترک عناصر و گروه‌های حمله‌کننده به رهبری کنفدراسیون را می‌توانیم پیدا کنیم. اولاً همه آنها زیر نقاب طرف‌داری از اصول و برای "کمک" به کنفدراسیون حمله را آغاز می‌کنند، ثانیاً سمت حمله آنها رهبری کنفدراسیون است. این وجه مشترک این عناصر می‌باشد.

نتیجتاً می‌توان هدف مشترک آنها را به راحتی تشخیص داد که منظور این عناصر ایجاد اغتشاش و آشوب در درون کنفدراسیون می‌باشد تا بدینوسیله رهبری کنفدراسیون را غصب نمایند و برای رسیدن به این منظور به هر وسیله نامشروع متوسل می‌شوند. حمله به رهبری کنفدراسیون پدیده جدیدی نیست و جنبش مترقی دانشجویی ایران همواره با این پدیده برخورد آگاهانه نموده و سرنوشت حمله‌کنندگان چنانچه در گذشته دیده شد جز رسوائی نخواهد بود. ما بدینوسیله موضع هئیت دبیران را در برخورد با گردانندگان "توفان" و عناصری چون نویسنده مقاله بحث آزاد (و سایر حمله‌کنندگان) تأیید می‌نمایم و حملات این عناصر و گروه‌ها را از هر جناح که باشند محکوم می‌کنیم و معتقدیم که نتیجه این حملات به رشد جنبش دانشجویی ایران بیش از پیش کمک خواهد کرد چون این حملات مشخص کننده این واقعیت اند که خط سیاسی و راه کنفدراسیون در مجموع درست است و معتقدیم که دانشجویان مترقی ایران با آگاهی کامل در این راه راسخ‌تر و مصمم‌تر به پیش حرکت خواهند کرد

پیروزی

مبارزه

اتحاد

جمع‌بندی فوق در مجمع عمومی انجمن دانشجویان ایرانی مقیم آخن باتفاق آرا (بدون مخالف) با رای گیری مخفی به تصویب رسیده است.

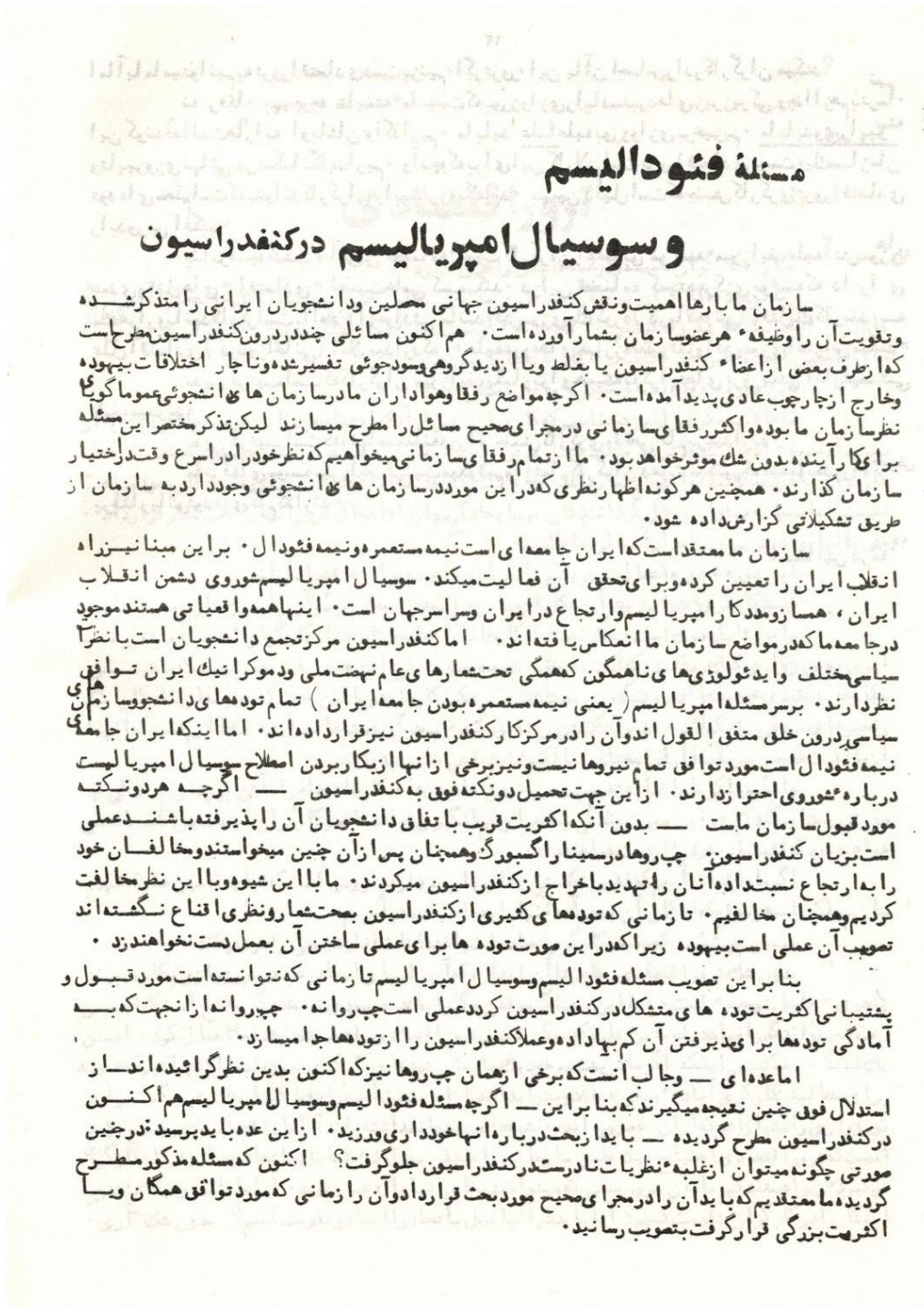
هئیت کارداران انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی آخن

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

مندرج در بخش (نظر سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پیرامون "مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم در کنفدراسیون)

نشریه داخلی: "پرای وحدت اندیشه و عمل، شماره ۶، سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم در کنفدراسیون



مخن ما چنین است :

— سیاست عمومی شوروی سیاستی است برخلاف منافع توده‌های مردم میهن ما و همچنین تمام خلق جهان . تجربه‌های گذشته نمونه‌ها و مثال‌های زنده‌ی بسیاری مؤید این نظر است . حتی اگر افراد هواخواه جبهه ملی نیز نمی‌توانند عکس آن را اثبات نمایند و بهر صورت این نظر را تایید میکنند . کنفدراسیون باید این سیاست را همواره افشا کند ، همکاری و کمک‌های شوروی را با امپریالیسم ورژیم محمدرضا شاه محکوم نماید و این زمانی تضمین خواهد داشت که ماهیت سیاست شوروی - حال بنام سوسیال امپریالیسم یا سیاست نواستعماری شوروی و غیره - مورد قبول و تصویب کنفدراسیون قرار گیرد . ما هرگز تمهین نمی‌کنیم که این مفهوم حتماً باید با نام سوسیال امپریالیسم در خط مشی کنفدراسیون آورده شود . برای مایک امرمهم است و آن اینکه کنفدراسیون در برابر سیاست سوسیال امپریالیستی شوروی همواره موضع خود را حفظ نماید .

— کنفدراسیون تا کنون "رفرم‌های" شاه را نتیجه سیاست نواستعماری امپریالیسم ، قلا بسی بزیان توده‌های مردم و بسود طبقات حاکمه و امپریالیسم ارزیابی کرده است . همچنین در این زمینه است "رفرم ارضی" محمدرضا شاه . رژیم همواره و بخصوص در این اواخر تبلیغ کرده است که "رفرم ارضی" فتودالیزم را در ایران از میان برده است و بدین ترتیب او - یعنی محمدرضا شاه - قادر گشته است که برفع دهقانان کار کند . موضع کنفدراسیون ، موضع صحیح و افشاگر نقش رژیم است .

گروهی زهواداران جبهه ملی در این اواخر طرح نیمه فتودالیزم را در ایران را رد کرده فتودالیزم را در ایران نابود شده قلمداد میکنند . طبیعی است که چنین برخوردی مواضع کنفدراسیون را مبنی بر قلابی بودن "رفرم‌های" شاه تضعیف کرده ادعای رژیم را برای اینکه فتودالیزم را برچیده است تایید میکند .

بنابر این حرکت مادریت در این مسئله در کنفدراسیون بدین جهت است که کنفدراسیون همواره مواضع خود را مبنی بر قلابی بودن "رفرم ارضی" حفظ نموده و تا پیداکند "مهاست ارضی" شاه نگردد . حال که عده‌ای از دوستان جبهه ملی بر آنند که "رفرم ارضی" عملاً فتودالیزم را در ایران برافکنده است و نظر خود را بدرون کنفدراسیون مکتباً ننویسند ما ناچاریم برای حفظ و تقویت مواضع انقلابی کنفدراسیون و جلوگیری از گراشه‌دن به فرامیسم ، واقعیت‌ها را به ایران یعنی نیمه فتودالیزم بودن آن را مطرح سازیم .

هدف ما آن نیست که این واقعیت را آنطور که ما زمان ما زدیدگاه ایدئولوژیک خود می‌بینیم به تصویب کنفدراسیون برسانیم بلکه ما میخواهیم که طرح این واقعیت در چارچوب امکانات کنفدراسیون فرمول‌بندی مشترکی بسازیم که مواضع کنفدراسیون را در قبال هیاهوی "رفرم ارضی" رژیم بدرستی مشخص گرداند . برای مایک امرمهم است و آن رسیدن به محل و فرمول مشترکی است که در آن منافع توده‌های خلق و مواضع انقلابی و عام نهضت ملی و دموکراتیک ایران انعکاس یابد .

چپ‌روها در پی آنند که نظر خود را به کنفدراسیون تحمیل کنند و استروها یا خواهان فرمول‌بندی خود مبنی بر "جامعه ایران دیگر نیمه فتودالیزم نیست ، سرمایه‌داری است" میباشند و یا خواهان سکوت گذاشتن مسئله و بی‌موضعی کنفدراسیون در برابر "رفرم ارضی" شاه هستند . باید کوشید که خطی بحث‌ها را زنده و بدون آنکه این بحث به کار اصلی کنفدراسیون یعنی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع مدتها به‌آورد و با شکبائی به چنان راه‌حلی دست یافت که انقلابی و نه فرمیستی و در جهت مبارزه انقلابی خلق ایران باشد .

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل سوم

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل، شماره ۶ سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان"

مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم در کنفدراسیون

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل، شماره ۶ سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان"

مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم در کنفدراسیون

سازمان ما بارها اهمیت و نقش کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی را متذکر شده و تقویت آنرا وظیفه اصلی هر عضو سازمان به شمار آورده است. هم اکنون مسائلی چند، در درون کنفدراسیون مطرح است که از طرف بعضی از اعضای کنفدراسیون یا به غلط و یا از دید گروهی و سودجویی تفسیر شده و ناچار اختلافات چهارچوب عادی پدید آمده است. اگرچه مواضع رفقا و هواداران ما در سازمان‌های دانشجویی عموماً گویای نظر سازمان ما بوده و اکثر رفقای سازمانی در مجرای صحیح مسائل را مطرح می‌سازند. لیکن تذکر مختصراً این مسئله برای کار آینده بدون شک موثر خواهد بود. ما از تمام رفقای سازمانی می‌خواهیم که نظر خود را در اسرع وقت در اختیار سازمان گذارند. همچنین هرگونه اظهار نظری که در این مورد در سازمان‌های دانشجویی وجود دارد به سازمان از طریق تشکیلاتی گزارش داده شود.

سازمان ما معتقد است که ایران جامعه‌ای است نیمه‌مستعمره و نیمه‌فئودال. بر این مبنا نیز راه انقلاب ایران را تعیین کرده و برای تحقق آن فعالیت می‌کند.

سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن انقلاب ایران، همساز و مددکار امپریالیسم و ارتجاع در ایران و سراسر جهان است. اینها همه واقعیاتی هستند موجود در جامعه ما که در مواضع سازمان ما انعکاس یافته‌اند.

اما کنفدراسیون مرکز تجمع دانشجویان است با نظرات سیاسی مختلف و ایدئولوژی‌های ناهمگون که همگی تحت شعارهای عام نهضت ملی و دموکراتیک ایران توافق نظر دارند.

برسر مسئله امپریالیسم (یعنی نیمه‌مستعمره بودن جامعه ایران) تمام توده‌های دانشجوی و سازمان‌های سیاسی درون خلق متفق‌القول‌اند و آنرا در مرکز کار کنفدراسیون نیز قرار داده‌اند. اما اینکه ایران جامعه‌ای نیمه‌فئودال است مورد توافق تمام نیروها نیست و نیز برخی از آنها از به کار بردن اصطلاح سوسیال امپریالیست درباره شوروی احتراز دارند. از این جهت تحمیل دو نکته به کنفدراسیون - اگرچه هر دو نکته مورد قبول سازمان ماست - بدون آنکه اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان آنرا پذیرفته باشند، عملی است به زیان کنفدراسیون. چپ‌روها در سمینار آگسبورگ و همچنان پس از آن چنین می‌خواستند و مخالفان خود را به ارتجاع نسبت داده، آنان را تهدید به اخراج از کنفدراسیون می‌کردند. ما با این شیوه و با این نظر مخالفت کردیم و همچنان مخالفت می‌کنیم. تا زمانی که توده‌های کثیری از کنفدراسیون به صحت شعار و نظرات اقلیت نگشته‌اند، تصویب آن عملی است بیهوده، زیرا که در این صورت توده‌ها برای عملی ساختن آن به عمل دست نخواهند زد.

بنا براین تصویب مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم تا زمانی که نتوانسته است مورد قبول و پشتیبانی اکثریت توده‌های متشکل در کنفدراسیون گردد، عملی است چپ‌روانه. چپ‌روانه از آن جهت که به آمادگی توده‌ها برای پذیرفتن آن کم بها داده و عملاً کنفدراسیون را از توده‌ها جدا می‌سازد.

اما عده‌ای - و جالب آنست که برخی از همان چپ‌روها نیز که اکنون بدین نظر گرائیده‌اند - از استدلال فوق چنین نتیجه می‌گیرند که بنابراین - اگرچه مسئله فتودالیسم و سوسیال امپریالیسم هم اکنون در کنفدراسیون مطرح گردیده - باید از بحث درباره آنها خودداری ورزید. از این عده باید پرسید: در چنین صورتی چگونه می‌توان از غلبه نظریات نادرست در کنفدراسیون جلوگیری کرد؟ اکنون که مسئله مذکور مطرح گردیده، ما معتقدیم که باید آن را در مجرای صحیح مورد بحث قرار داد و آن را زمانی که مورد توافق همگان و یا اکثریت بزرگی قرار گرفت به تصویب رسانید.

سخن ما چنین است:

- سیاست عمومی شوروی، سیاستی است برخلاف منافع توده‌های مردم میهن ما و همچنین تمام خلق‌های جهان. تجربه‌های سال‌های گذشته نمونه‌ها و مثال‌های زنده بی‌شماری موید این نظر است. حتی اکثر افراد هواخواه جبهه ملی نیز نمی‌توانند عکس آن را اثبات نمایند و به هر صورت این نظر را تأیید می‌کنند. کنفدراسیون باید این سیاست را همواره افشا کند، همکاری‌ها و کمک‌های شوروی را به امپریالیسم و رژیم محمدرضا شاه محکوم نماید و این زمانی تضمین خواهد داشت که ماهیت سیاست شوروی - حال به

نام سوسیال‌امپریالیسم یا سیاست نواستعماری شوروی و غیره - مورد قبول و تصویب کنفدراسیون قرار گیرد. ما هرگز تعیین نمی‌کنیم که این مفهوم حتماً باید با نام سوسیال‌امپریالیسم در خط مشی کنفدراسیون آورده شود. برای ما یک امر مهم است و آن اینکه کنفدراسیون در برابر سیاست سوسیال‌امپریالیستی شوروی همواره موضع خود را حفظ نماید.

کنفدراسیون تا کنون "رفرم‌های" شاه را نتیجهٔ سیاست نواستعماری امپریالیسم، قلابی، به زبان توده‌های مردم و به سود طبقات حاکمه و امپریالیسم ارزیابی کرده است. همچنین در این زمینه است "رفرم ارضی" محمد رضا شاه. رژیم همواره و به خصوص در این اواخر تبلیغ کرده است که "رفرم ارضی" فتودالیسم را در ایران از میان برداشته است و بدین ترتیب او - یعنی محمدرضا شاه - قادر گشته است که به نفع دهقانان کار کند. موضع کنفدراسیون، موضع صحیح و افشاءگر نقش شوم رژیم است. گروهی از هواداران جبهه ملی در این اواخر طرح نیمه‌فتودالی بودن ایران را رد کرده، فتودالیسم را در ایران نابود شده قلمداد می‌کنند. طبیعی است که چنین برخوردی مواضع کنفدراسیون را مبنی بر قلابی بودن "رفرم‌های" شاه تضعیف کرده و ادعای رژیم را بر اینکه فتودالیسم را برچیده است، تأیید می‌کند.

بنابراین شرکت ما در بحث در این مسئله در کنفدراسیون بدین جهت است که کنفدراسیون همواره مواضع خود را مبنی بر قلابی بودن رفرم ارضی حفظ نموده و تأیید کنندهٔ سیاست ارضی شاه نگردد. حال که عده‌ای از دوستان جبهه ملی بر آنند که "رفرم ارضی" عملاً فتودالیسم را در ایران برافکنده است و نظر خود را به درون کنفدراسیون می‌کشاند، ما ناچاریم برای حفظ و تقویت مواضع انقلابی کنفدراسیون و جلوگیری از گرائیدن به رفرمیسم، واقعیت جامعهٔ ایران یعنی نیمه‌فتودال بودن آن را مطرح سازیم.

هدف ما آن نیست که این واقعیت را آنطور که سازمان ما از دیدگاه ایدئولوژیک خود می‌بیند به تصویب کنفدراسیون برسانیم، بلکه ما می‌خواهیم که طرح این واقعیت در چهارچوب امکانات کنفدراسیون فرمول‌بندی مشترکی به دست دهد که مواضع کنفدراسیون را در قبال هیاهوی "رفرم ارضی" رژیم به درستی مشخص گرداند. برای ما یک امر مهم است و آن رسیدن به راه حل و فرمول مشترکی است که در آن منافع توده‌های خلق و مواضع انقلابی و عام نهضت ملی و دموکراتیک ایران انعکاس یابد.

چپ‌روها در پی آنند که نظر خود را به کنفدراسیون تحمیل کنند و راست‌روها یا خواهان فرمول‌بندی خود مبنی بر "جامعه ایران دیگر نیمه‌فتودالی نیست سرمایه‌داری است" می‌باشند و یا خواهان مسکوت گذاشتن مسئله و بی‌موضعی کنفدراسیون در برابر "رفرم ارضی" شاه هستند.

باید کوشید که طی بحث‌های سازنده و بدون آنکه این بحث به کار اصلی کنفدراسیون یعنی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع صدمه‌ای وارد آورد با شکیبائی به چنان راه حلی دست یافت که انقلابی و نه رفرمیستی و در جهت مبارزه انقلابی خلق ایران باشد.
